



## لبنان قربانی بزرگ جنگ نیابتی ایران و عربستان

● مشکل به نظر می‌رسد که سعد حریری بدون مشورت با پادشاهی سعودی و آمریکا استعفا داده باشد.  
 عربستان و آمریکا برای انزوای حزب الله لبنان به عنوان بازوی اصلی رژیم ایران در منطقه تلاش می‌کنند.  
 ● حضور گسترده جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی و نظامی عراق، فقط موجب نگرانی کردها و عرب‌های  
 سنی نیست بلکه نیروهای سکولار و همچنین بخش‌هایی از نیروهای شیعی نیز سخت نگران هستند.



ملک سلمان و سعد حریری؛ ریاض ۶ نوامبر ۲۰۱۷

سر مقاله  
**وقتی دولت سازمان «غیر دولتی»  
 می‌سازد**

در اینکه حکومت جمهوری اسلامی در کلیت خود امکان ندارد اجازه دهد یک نهاد و یا فعالیت واقعا مستقل در ایران با بگیرد، تردیدی نیست. این خاصیت همه رژیم‌های تمامیت‌خواه و توتالیتر است، چه ایدئولوژی زمینی داشته باشند و چه آسمانی. اما اینکه خود حکومت و دولت نباید مدعی فعالیت مستقل از خود (؟) بشود، نوبر بی نظیر است و فقط در کارنامه نظام مقدس جمهوری اسلامی پیدا می‌شود.

افتخار این اختراع به دولت روحانی رسیده و پیامدهایش قرار است گریبان روزنامه‌نگاران را بگیرد تا با لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» به تقلید از «سازمان نظام پزشکی» به کنترل فعالیت و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران بپردازد. کیهان لندن در یک گزارش و گفتگو به بررسی لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» پرداخته است. اما آنچه در اینجا به آن توجه داده می‌شود، ترفندی است که حکومت اسلامی در دوره‌های مختلف برای کنترل حرفه‌هایی به کار گرفته که «آزادی بیان» یکی از عناصر کلیدی آن است. زمانی تلاش شد تا برای کنترل سینما و سینماگران خود آنها به سانسور خویش و یکدیگر بنشینند. زمانی دیگر تلاش شد تا سانسور کتاب‌هایی که برای دریافت پروانه‌ی نشر به وزارت «ارشاد و فرهنگ اسلامی» فرستاده می‌شوند، توسط خود نویسندگان صورت گیرد. در هیچ کدام از اینها موفقیتی حاصل نشد مگر از طریق خودسانسوری! فیلم‌سازان و نویسندگان به تدریج آموختند طوری بگویند و بنویسند که نشود آنها را سانسور کرد. برخی با خودسانسوری از گفتن حقیقت فاصله گرفتند و برخی دیگر حقیقت را چنان می‌پیچانند که تیغ سانسور قادر به بریدن آنها نیست. در هر حال اما یک چیز مسلم است: جای آزادی بیان در این خلایق‌ها خالیست.

رسانه و روزنامه اما دو دهه است که ابعاد دیگری یافته. هر اندازه در جوامع باز برای سر و سامان دادن به مناسبات مجازی برای پیشگیری از جرایم اینترنتی تلاش می‌شود، به همان اندازه در کشورهایمانند ایران امروز، اتفاقا به دلیل سانسور و محدودیت، جرایم اینترنتی افزایش می‌یابد. اما نه این جرایم بلکه آزادی بیان است که حکومت را به فکر «سازمان نظام رسانه‌ای» انداخته است. سازمانی که معلوم نیست بر چه اساسی ادعا می‌شود «غیر دولتی» است! چون «لایحه» اش که از سوی دولت تنظیم شده (لایحه یک اصطلاح حقوقی برای قوانین پیشنهادی از سوی دولت‌هاست). وظیفه‌اش هم نه حمایت از حقوق صنفی روزنامه‌نگاران در برابر حکومت بلکه حمایت از حکومت در برابر روزنامه‌نگاران است که بر اساس این «لایحه» باید از هفت خوان رستم بگذرند تا اصلا روزنامه‌نگار محسوب شوند! برای این کار هم بر اساس «تفرقه بینداز و حکومت کن» می‌خواهد روزنامه‌نگاران را به جان هم بیندازد. به این ترتیب از «سازمان نظام پزشکی» نمی‌توان کپی برداری کرد زیرا گذشته از همه تفاوت‌ها، «آزادی بیان» در حرفه‌ی روزنامه‌نگاری نه یک خواست و حق سیاسی بلکه جزو «حقوق صنفی» است. روزنامه‌نگاری که آزاد نباشد «بیان» کند، مانند پزشکی است که بدون وسایل لازم مجبور به درمان و جراحی باشد.

### «سازمان نظام رسانه‌ای»؛ دندان تیز دولت برای روزنامه‌نگاران

در این شماره می‌خوانید:

گسترده می‌آید صفحات ۸ و ۹	● لبنان به خط مقدم تقابل ایران و عربستان تبدیل می‌شود
صفحه ۱۲	● گفتگوی نازنین انصاری با امیر طاهری: سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه
● دو قرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۴۴) - احمد احرار	● سرگرمی - جدول - سودوکو
● نه اجبار نه خواهش - همایون	صفحه ۱۴
صفحه ۱۳	● ایران پر تلاطم - الدون گریفیث
● سرگرمی - جدول - سودوکو	صفحه ۱۵
صفحه ۱۴	● روزنامه کیهان توقیف شد
صفحه ۱۵	● معاون رییس جمهوری عراق: همه چیز در عراق تحت کنترل ایران است
صفحه ۱۶	● نوزده سال از قتل‌های سیاسی پاییز ۷۷ می‌گذرد...
● گفتگو با محسن سازگارا: بوی یک جنگ تازه با ابعاد	

ایران ۲ پاناما ۱  
 تیم فوتسال ایران؛ اول آسیا، پنجم جهان  
 راجر فدرر، اندی موری و منصور بهرامی در مسابقات گلاسکو  
 کپروش:  
 در هر پست ۳ بازیکن خیلی خوب داریم  
 حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها به دولت مربوط است نه سازمان‌های دیگر  
 موافقت یونسکو با ثبت «چوگان» و «گمانچه» به نام ایران  
 آمریکا برای ملی پوش وزنه برداری ایران و حامی مدافعان حرم هنوز ویزا صادر نکرده است  
 در صفحات ۱۰ و ۱۱

گشت ارشاد در مسابقات فوتبال زنان  
 کارت زرد برای مو و اندام!

دستم می‌کنم هر بار که بخوام سر و وضعم را با دستکش مرتب کنم عاصی می‌شوم».

اینها در دسرهای فوتبال زنان و دختران در ایران است. زن بودن در ایران به طور مضاعف سخت است چون هم لباسم بهم نریزد که تذکر بگیرم، بچه‌هایی که جلو بازی می‌کنند وضعیت‌شان بهتر است، من دستکش

«مانده‌ام بخندم یا گریه کنم، مگر می‌شود ۹۰ دقیقه دنبال توپ دوید، بعد مواظب هدیند و روسری هم بود، من بدشانس‌ام چون دروازه‌بان هستم، هر بار برای گرفتن توپ می‌پریم باید حواسم جمع باشد حجابم نیفتد یا لباسم بهم نریزد که تذکر بگیرم، بچه‌هایی که جلو بازی می‌کنند وضعیت‌شان بهتر است، من دستکش

در صفحه ۲



## لبنان قربانی بزرگ جنگ نیابتی ایران و عربستان

● مشکل به نظر می‌رسد که سعد حریری بدون مشورت با پادشاهی سعودی و آمریکا استعفا داده باشد.  
عربستان و آمریکا برای انزوای حزب‌الله لبنان به عنوان بازوی اصلی رژیم ایران در منطقه تلاش می‌کنند.  
● حضور گسترده جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی و نظامی عراق، فقط موجب نگرانی کردها و عرب‌های سنی نیست بلکه نیروهای سکولار و همچنین بخش‌هایی از نیروهای شیعی نیز سخت نگران هستند.

این امکان که جنگ نیابتی جمهوری اسلامی ایران با پادشاهی سعودی می‌تواند به درگیری مستقیم بیانجامد، نگرانی جامعه بین‌المللی و به ویژه کشورهای اروپایی را برانگیخته است. ابعاد این جنگ نیابتی که مدت‌ها پیش در لبنان آغاز شد و در سال‌های بعد به بحرین، سوریه و یمن هم گسترش یافت، می‌تواند منطقه بی ثبات و بحرانی‌تر از آنچه پیش از این بود را به آتش بکشد. تصمیم پادشاهی سعودی، و متعاقب آن کویت و بحرین، برای خارج ساختن شهروندان خود از لبنان، بر این نگرانی‌ها افزوده است. در این میان شبکه تلویزیونی الجزیره، که بازوی اصلی سیاست خارجی قطر به حساب می‌آید، با توجه به روابط

اظهاراتی که واکنش فوری و تند سعد حریری را به دنبال داشت. نخست وزیر لبنان در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «لبنان کشوری عرب و مستقل است، هیچ دستور و توصیه‌ای را نمی‌پذیرد و هرگونه تعرضی به کرامت‌اش را رد می‌کند». حسن روحانی در گفتگو با میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، استعفاي سعد حریری را «فتنه» خواند و اظهار امیدواری کرد که «لبنان با درایت از این فتنه عبور کند».

**آمریکا حزب‌الله را هدف گرفته است**  
از سوی دیگر بسیار مشکل به نظر می‌رسد که سعد حریری بدون مشورت با پادشاهی سعودی و آمریکا استعفا داده باشد. پادشاهی سعودی

است. عادل الجبیر، وزیر خارجه پادشاهی سعودی، معتقد است که حزب‌الله لبنان به نیابت از سوی تهران، حوثی‌ها را برای پرتاب این موشک هدایت کرده است. محمد بن سلمان، ولیعهد پر قدرت سعودی، صحبت از «تسلیم حوثی‌ها با موشک‌های بالستیک از سوی ایران» می‌کند. البته مقامات دولتی و نظامی جمهوری اسلامی هرگونه نقشی را در این موشک‌پراکنی نفی می‌کنند، اگرچه برخی ابراز نظرها حکایت از واقعیت دیگری دارند. روزنامه کیهان حسین شریعتمداری صحبت از دویی به عنوان هدف بعدی موشک‌های انصارالله کرده است. امیر حاتمی، وزیر دفاع دولت حسن روحانی نیز با



جنوب لبنان؛ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۶



بیروت؛ دیدار احمدی نژاد از لبنان؛ ۱۲ اکتبر ۲۰۱۰

گفتن جمله‌ای دوپهلوی نقش جمهوری اسلامی را در این موشک‌پراکنی تأیید کرد. وزیر دفاع دولت تدبیر و امید گفت: «مگر کسی از آمریکا سوال می‌کند که شما چه چیزی در اختیار عربستان قرار می‌دهید؟»

### عراق حیات خلوت ایران

جبهه سومی که می‌تواند به صحنه درگیری جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی تبدیل شود، عراق است. در روزهای گذشته اسامه النجیفی، معاون سنی ریاست جمهوری در عراق، که در واشنگتن در یکی از اندیشکده‌های آمریکایی صحبت می‌کرد، گفت: «ایران تمام پایه و اساس امور در کشور ما را در اختیار دارد، از احزاب سیاسی تا گروه‌های شبه‌نظامی همه تحت کنترل ایران هستند». مقامات اقلیم کردستان عراق نیز بارها و بارها به نقش جمهوری

و ایالات متحده آمریکا، از ماه‌ها پیش طرحی برای انزوای حزب‌الله، به عنوان بازوی اصلی سیاست‌های آشوب‌آفرین جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار قرار داده‌اند. سال گذشته در پیامد تحریم‌هایی که برخی از کشورهای عربی به تصویب رساندند، حساب‌های بانکی حزب‌الله در لبنان مسدود شدند. حزب‌الله در فهرست سازمان‌های تروریستی کشورهای عربی و آمریکا قرار دارد.

دولت آمریکا برای دستگیری دو تن از اعضای برجسته حزب‌الله، طلال حمیر و فواد شوکر، جایزه‌ای ۱۲ میلیون دلاری تعیین کرد. تحریم‌های جدیدی در مرحله تصویب در آمریکا قرار دارند. در این تحریم‌ها که پس از تصویب در مجلس نمایندگان در انتظار رای سنا است، به نقش ایران به عنوان حامی حزب‌الله نیز اشاره



اسلامی ایران و نیروی قدس، و فرمانده‌اش قاسم سلیمانی، در بحران پس از برگزاری همه‌پرسی اشاره کرده‌اند. این حضور فراگیر و گسترده جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی و نظامی عراق، تنها موجب نگرانی کردها و عرب‌های سنی نیست. نیروهای سکولار و همچنین بخش‌هایی از نیروهای شیعی نیز سخت‌نگران هستند. سفرهای اخیر عمار حکیم و مقتدی صدر به پادشاهی سعودی و دیگر کشورهای عربی منطقه، حکایت از این نگرانی‌ها دارد.

البته آمریکا نیز شدیداً نگران نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق است. رکس تیلسون، وزیر خارجه آمریکا، در دو ملاقاتی که اخیراً با حیدر العبادی، نخست وزیر عراق داشته است، بر لزوم خروج نیروهای ایران از این کشور و محدود ساختن حوزه عملیاتی شبه‌نظامیان شیعی وابسته به نیروی قدس تأکید کرده است. با نزدیک شدن زمان انتخابات پارلمانی، که قرار است در ماه مه آینده برگزار شود، افزایش تنش‌ها در عراق تصویری واقعی است و بدون شک پادشاهی سعودی تلاش خواهد کرد در جریان کارزار انتخاباتی نقشی برجسته در این کشور برعهده گیرد.

احمد رأفت

## گشت ارشاد در مسابقات فوتبال زنان کارت زرد برای مو و اندام!

● فدراسیون فوتبال ایران خودسرانه قوانین محدودکننده‌ای برای زنان فوتبالیست به اجرا گذاشته است  
● داوران و ناظران بازی عین منکراتی‌ها به بازیکنان تذکر و اخطار می‌دهند!

«مانده‌ام بخندم یا گریه کنم، مگر می‌شود ۹۰ دقیقه دنبال توپ دوید، بعد مواظب هدند و روسری هم بود، من بدشانس‌ام چوم دروازه‌بان هستم، هر بار برای گرفتن توپ می‌پریم باید حواسم جمع باشد حجابم نپفتد یا لباسم بهم نریزد که تذکر بگیرم، بچه‌هایی که جلو بازی می‌کنند وضعیت‌شان بهتر است، من دستکش دستم می‌کنم هر بار که بخوام سر و وضع‌ام را با دستکش مرتب کنم عاصی می‌شوم».

اینها در درسهای فوتبال زنان و دختران در ایران است. زن بودن در ایران به طور مضاعف سخت است چون هم شامل محدودیت‌های عمومی می‌شوند و هم بگیر و ببندهایی دارند، که فقط مخصوص آنهاست.

تا همین چند سال پیش ورزش تویی به صورت عمومی، و به طور خاص فوتبال، برای زنان در ایران خط قرمز بود. با گذشت زمان گرچه فضا اندکی بازتر شد، اما نوع پوشش آنها در میدان مسابقه مصداق بارز تبعیض و محدودیت است. به تازگی این محدودیت برای آنها بیشتر هم شده است.

سالیان سال است که زنان را به استادیوم‌های مسابقات مردان راه نمی‌دهند چون به اعتقاد مراجع و علما، «این جور جاها برای آنها خوب نیست». یا به قول احمد علم‌الهدی «به عده دختر و زن جمع هیجان پیدا کنن کف بزتن سوت بکشن به هوا پپررن این میشه ابتذال و این مسوولین که دست به این کارها می‌زنین باید بدونن جاشون تو جهنم تنها جای گنهکار نیست!»

### داور مسابقه یا منکراتی ارشاد!؟

از اواخر مهرماه خبری در بین فوتبالی‌ها شایعه شد که داوران و ناظران فوتبال و فوتسال زنان قرار است قوانین تازه‌ای برای حجاب آنها به اجرا بگذارند. این در حالیست که بسیاری از زمین‌های تمرین فوتبال در حاشیه‌ی شهرها و دور از چشم قرار دارد.

هفته گذشته شایعه به واقعیت تبدیل شد و در جریان دیدار دو تیم فوتبال در تهران از رقابت‌های سوپر لیگ زنان، علاوه بر زمین بازی پر از چاله و نبود امکانات بهداشتی، به وجود ناظر فدراسیون هم مزین شد. پیش از شروع دیدار، ناظر فدراسیون به بازیکنان دو تیم درباره پوشش‌ها و لباس‌هاشان و به ویژه بیرون بودن موهای سر تذکر داد و رسماً اعلام کرد در صورت رعایت نکردن به تذکرات، بازیکنان اخطار

حجاب اجباری لباس‌هایی بر تن کنند که نه تنها آنها را در تحرک فیزیکی محدود می‌کند بلکه فرآیند طبیعی تعریق را دچار اختلال می‌کند و همین در کاهش توانایی بدنی و ورزشی آنها نقش بسیار منفی دارد. در چنین شرایطی، که هیجان رقابت و مسابقه و فعالیت ذهنی برای پیاده کردن تاکتیک‌های تیمی و تکنیک‌های فردی را هم باید بر آن افزود، بازیکنان زن باید مراقب باشند که مبادا موی سرشان از زیر حجاب بیرون بیاید و یا حرکتی کنند که خطوط اندام ورزشگاه‌ها جلب توجه کند!

### دلایل این حساسیت چیست؟

اینکه چرا با وجود همه‌ی محدودیت‌ها حالا مقرر شده که زنان فوتبالیست به خاطر مو و اندام کارت زرد بگیرند، چند علت دارد. فوتبال زنان چند سالی است که با تلاش خود بازیکنان و مربیان و همچنین خانواده‌ی فوتبالیست‌ها و رسانه‌ها بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. بعضی از رقابت‌ها به صورت محدود پخش زنده می‌شود و یا بخش‌هایی از آن توسط دوربین‌های صدا و سیما ضبط شده و در بخش‌های خبری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل آنچه پخش می‌شود باید مطابق ضوابط اسلامی باشد.

از طرف دیگر، در بسیاری از رقابت‌های فوتبال دختران، در حاشیه بازی مردانی هستند که مسوولیت‌های مختلفی به عهده دارند. مثلاً مسوولان و متصدیان تمامی ورزشگاه‌های ایران مرد هستند؛ از متصدی زمین چمن و تدارکات و خدمات و آبیاری زمین مسابقه گرفته تا مسوول برق و راننده آمبولانس و مسوولین حمل برانکار.

همچنین بعضی تیم‌های فوتبال زنان در پست‌های فنی و مربیان خود مجبورند از مردان استفاده کنند چون برای آن مسوولیت خاص نتوانسته‌اند از زنان متخصص کمک بگیرند. در عین حال، مربیان بدن‌سازی، کمک‌مربی، پزشک ورزشی و مسوولان تدارکات تیم‌های فوتبال در بسیاری از تیم‌های ورزشی زنان، آقایان هستند.

همه اینها به جای خود، با وجود لباس‌های پوشیده و گل و گشادی که زنان ورزشکار مجبورند بپوشند، حالا باید از گن‌های مخصوص نیز استفاده کنند تا برجستگی‌های بدن‌شان تا جایی که ممکن است به چشم نیاید زیرا

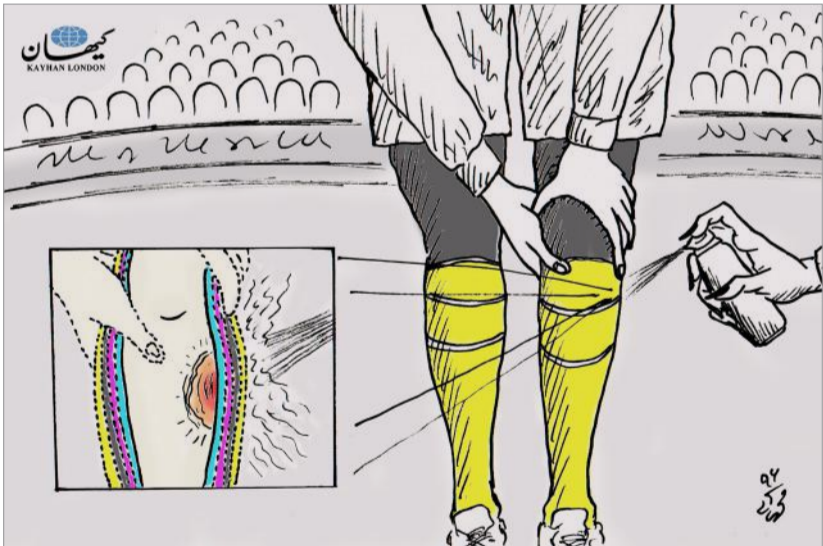
حجاب اجباری لباس‌هایی بر تن کنند که نه تنها آنها را در تحرک فیزیکی محدود می‌کند بلکه فرآیند طبیعی تعریق را دچار اختلال می‌کند و همین در کاهش توانایی بدنی و ورزشی آنها نقش بسیار منفی دارد. در چنین شرایطی، که هیجان رقابت و مسابقه و فعالیت ذهنی برای پیاده کردن تاکتیک‌های تیمی و تکنیک‌های فردی را هم باید بر آن افزود، بازیکنان زن باید مراقب باشند که مبادا موی سرشان از زیر حجاب بیرون بیاید و یا حرکتی کنند که خطوط اندام ورزشگاه‌ها جلب توجه کند!

اینکه چرا با وجود همه‌ی محدودیت‌ها حالا مقرر شده که زنان فوتبالیست به خاطر مو و اندام کارت زرد بگیرند، چند علت دارد. فوتبال زنان چند سالی است که با تلاش خود بازیکنان و مربیان و همچنین خانواده‌ی فوتبالیست‌ها و رسانه‌ها بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. بعضی از رقابت‌ها به صورت محدود پخش زنده می‌شود و یا بخش‌هایی از آن توسط دوربین‌های صدا و سیما ضبط شده و در بخش‌های خبری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل آنچه پخش می‌شود باید مطابق ضوابط اسلامی باشد.

از طرف دیگر، در بسیاری از رقابت‌های فوتبال دختران، در حاشیه بازی مردانی هستند که مسوولیت‌های مختلفی به عهده دارند. مثلاً مسوولان و متصدیان تمامی ورزشگاه‌های ایران مرد هستند؛ از متصدی زمین چمن و تدارکات و خدمات و آبیاری زمین مسابقه گرفته تا مسوول برق و راننده آمبولانس و مسوولین حمل برانکار.

همچنین بعضی تیم‌های فوتبال زنان در پست‌های فنی و مربیان خود مجبورند از مردان استفاده کنند چون برای آن مسوولیت خاص نتوانسته‌اند از زنان متخصص کمک بگیرند. در عین حال، مربیان بدن‌سازی، کمک‌مربی، پزشک ورزشی و مسوولان تدارکات تیم‌های فوتبال در بسیاری از تیم‌های ورزشی زنان، آقایان هستند.

همه اینها به جای خود، با وجود لباس‌های پوشیده و گل و گشادی که زنان ورزشکار مجبورند بپوشند، حالا باید از گن‌های مخصوص نیز استفاده کنند تا برجستگی‌های بدن‌شان تا جایی که ممکن است به چشم نیاید زیرا



اخیراً عکاسان ورزشی نیز در کنار زمین حاضر می‌شوند و در عکس‌هایی که آنها می‌گیرند و ممکن است منتشر شود، نباید برای مخاطبان «تحریک‌کننده» باشد!

محدودیت‌های اجباری و گاه غیرانسانی در اینجا تمام نمی‌شود. به قول دختران فوتبالیست، این لباس‌ها که مصیبت است ولی وای به وقتی که در طول بازی بر اثر یک ضربه محکم نیاز باشد که پزشک برای مداوا و تسکین درد بخواهد از اسپری مخصوص استفاده کند چون از روی این همه لباس ضربه را پیدا نمی‌کند و اگر هم پیدا کرد باید لایه به لایه این لباس‌ها را کنار زد تا به محل مصدومیت رسید و هم‌زمان حجاب ورزشکار را رعایت کرد.

اضافه کردن کارت زرد به خاطر حجاب، به محدودیت‌های زنان ورزشکاری که در بدترین شرایط ممکن به بازی فوتبال می‌پردازند، در واقع یک دهان کجی زشت دیگر به زنان و ورزش زنان است. زنانی که عشق آنها به ورزش و فوتبال سبب می‌شود که همچنان در چمن بازی و مستطیل سبز باقی بمانند و به نوبه‌ی خود به مقامات و مسوولانی که برای آنها تصمیم می‌گیرند، دهان کجی کنند.

برزو فارسی



## سایه‌ی سنگین تحریم‌ها: ماکرون در تحریم رژیم ایران با ترامپ هم‌صدا شد



امانوئل ماکرون، در پایگاه نظامی فرانسه در ابوظبی

ایران و کره شمالی به عنوان تهدیدهای بسیار مشخص و فوری نام برد. همزمان با این گزارش، امانوئل ماکرون رییس جمهوری فرانسه که در هفته‌های اخیر تلاش زیادی کرد تا با کمک ترزا می، نخست وزیر بریتانیا و انگلا مرکل، صدراعظم آلمان و همچنین فدریکا موگرینی، رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا حمایت خود از توافق اتمی را اعلام کند، پس از پرتاب موشک از سمت حوثی‌های یمن به عربستان که احتمال می‌رود تهران پشت آن باشد، گفته تحریم بهترین پاسخ به رفتار جمهوری اسلامی است. رژیم ایران حتی نتوانست برای مدت کوتاهی حمایت اروپا را پشت خود نگه‌دارد. ماکرون در گفتگو با تایم ضمن حمایت مجدد از توافق اتمی، گفته «اگر می‌خواهید به دلیل فعالیت هسته‌ای هرگونه رابطه‌ای را با ایران متوقف کنید یک کره شمالی جدید به وجود می‌آورد.»

ماکرون که در امارات بسر می‌برد تاکید کرده موشکی که حوثی‌های یمن به سمت عربستان شلیک کرده‌اند، موشک ایرانی بود و اعمال تحریم‌ها علیه ایران می‌تواند گزینه‌ای برای پاسخ به برنامه‌های موشکی این کشور باشد.

که بخشی از آن به موضوع ایران و سپاه فعالیت‌های منطقه‌ای آن اختصاص داشت. در گزارش وبسایت وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده برای مقابله با سپاه و مقابله با افزایش بی‌ثباتی در منطقه باید منابع مالی این نهاد نظامی قطع شود و آمریکا و متحدانش به خصوص در بخش خصوصی همکاری خواهند کرد.

همچنین تاکید شده ما به طور دائم نگران رفتارهای بدخواهانه‌ی سپاه پاسداران و دخالت‌های آن در اقتصاد ایران هستیم و شفاف آن را مطرح کردیم. سپاه بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد ایران است، از جمله در بخش انرژی و عمران و معدن و صنایع دفاعی. در واقع با قرار گرفتن سپاه زیرمجموعه آن در فهرست تحریم‌ها به علت حضور سیستماتیک آن در تمام اقتصاد ایران زمینه مقابله با تأمین مالی آنها فراهم می‌شود.

خانم مندلر گفته در ۱۰ ماه گذشته هفت دور تحریم علیه ایران وضع شده که در مجموع ۷۲ شخصیت در چین، ایران، لبنان و اوکراین که با سپاه در برنامه موشک‌های بالستیک و حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر همکاری دارند را شامل می‌شود. او در بخش دیگری از سخنان خود از

**● وزارت خزانه‌داری آمریکا و کمیته امور مالی مجلس در نشست‌های برنام‌ه‌های راهبردی تحریم‌ها برای مقابله با تروریسم را بررسی کردند.**

**● بخشی از این نشست مربوط به سپاه و تحریم این نهاد نظامی بود.**

**● همزمان رییس جمهوری فرانسه پیشنهاد تحریم‌های جدید علیه ایران داده است.**

معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، با اشاره به تحریم‌های مالی علیه ده‌ها شخصیت حقیقی و حقوقی سپاه و شرکت‌های زیرمجموعه آن از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ، تهدید کرده هر کس می‌خواهد با سپاه معامله کند باید خطر آن را نیز ببیند.

سیگال مندلر، روز ۱۷ آبان ماه (هشتم نوامبر) در نشست با زیرمجموعه کمیته امور مالی مجلس نمایندگان آمریکا، گزارشی درباره اقدامات این وزارت‌خانه علیه تروریسم و فعالیت‌های غیرقانونی مالی ارائه داد

## لبنان به خط مقدم تقابل ایران و عربستان تبدیل می‌شود

LBC گفت: «مسئله بازگشت حریری به کشور مربوط به حق حاکمیت لبنان است.»

خبرگزاری رویترز در این باره نوشت با عمیق‌تر شدن بحران در لبنان این کشور به خط مقدم تقابل بین عربستان سعودی و ایران تبدیل شده است.

این خبرگزاری به نقل از یک سیاستمدار نزدیک به الحریری نوشت که او به دستور عربستان استعفا داده و در بازداشت حکومت ریاض است. بسیاری تحلیلگران مطرح کرده‌اند که هدف عربستان از این تصمیم فشار به حزب‌الله و جمهوری اسلامی ایران است.



سعد الحریری

سعد الحریری هفته گذشته به طور ناگهانی در عربستان استعفا داد و اعلام کرد که تصمیم او به دلیل دخالت‌های ایران در امور منطقه و لبنان بوده است. این استعفا یک روز پس از دیدار الحریری با علی اکبر ولایتی، فرستاده خامنه‌ای صورت گرفت.

عربستان، امارات و کویت و بحرین شهروندان خود را از لبنان فراخوانده‌اند و دنواو جنگی اسرائیلی به سواحل لبنان نزدیک شده‌اند و هر لحظه بیم آغاز یک جنگ میان اسرائیل یا عربستان علیه حزب‌الله لبنان می‌رود.

در آخرین تحولات میشل عون، رییس جمهوری لبنان و ولید البخاری کاردار سفارت عربستان در لبنان صبح جمعه درباره موضوع استعفا سعد الحریری با یکدیگر دیدار کردند.

ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه احتمال اینکه نخست‌وزیر مستعفی لبنان در بازداشت عربستان باشد را رد کرد.

مورد حمایت قرار خواهد گرفت. به گزارش پایگاه خبری الجزیره، هدر نائورت سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفته کریس هنزل، سفیر آمریکا در ریاض، روز چهارشنبه با سعد الحریری ملاقات کرده است، اما هیچ اظهار نظری در مورد محل برگزاری این جلسه نشد و وضعیت الحریری نکرد.

از نائورت سوال شده، که آیا ایالات متحده در مورد استعفا حریری نظر دارد یا خیر و این مقام وزارت خارجه گفته این یک مسئله داخلی است.

الکساندر زاسپیکین، سفیر روسیه در لبنان تهدید کرده که پرونده الحریری را به دلیل ابهاماتی که دارد به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع خواهد داد.

الجزیره تاکید کرده استعفا او همان روزی صورت گرفته که تعداد زیادی از شاهزاده‌ها و تجار در عربستان به اتهام فساد مالی بازداشت شدند.

زاسپیکین، در مصاحبه‌ای با کانال

**● حزب المستقبل که ریاست آن با الحریری بود اعلام کرده که بازگشت او به لبنان ضروری است.**

**● ادعا می‌شود که عربستان او را بازداشت کرده، اما فرانسه این مسئله را رد می‌کند.**

**● مقام‌های آمریکا در مورد جزئیات ماجرا سکوت کرده‌اند.**

**● احتمال شعله‌ور شدن جنگ اسرائیل یا عربستان علیه حزب‌الله لبنان کم نیست.**

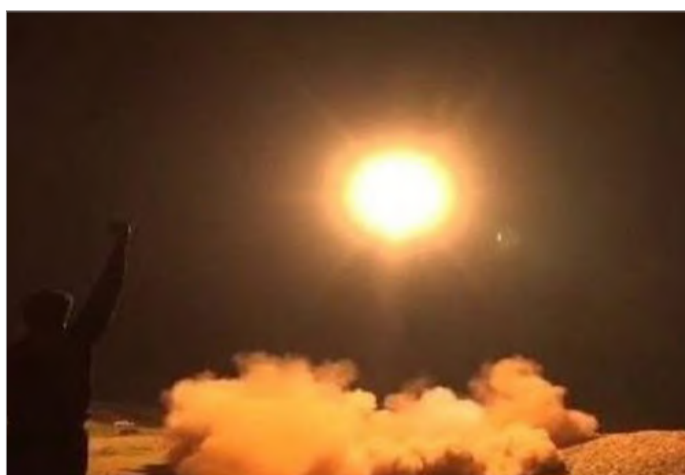
مقامات لبنانی معتقدند سعد الحریری، نخست‌وزیر مستعفی این کشور احتمالاً در ریاض تحت بازداشت خانگی یا بازداشت موقت قرار دارد.

این موضوع پس از آن جدی‌تر شد که شب پنجشنبه نهم نوامبر هواپیمای حامل الحریری به بیروت بازگشت، اما فقط یکی از محافظان او در این پرواز بود و یک محافظ دیگر به همراه الحریری به لبنان بازنگشتند.

روسای «جنبش مستقل» در یک نشست خبری از وی خواستند تا به کشورش بازگردد.

فواد سنیوره، نخست‌وزیر پیشین و رییس فراکسیون جنبش مستقل در بیانیه‌ای اعلام کرد برای احیای حیثیت و اعتبار لبنان در داخل و خارج از کشور باید سعد الحریری به لبنان بازگردد. همچنین تضمین داده شد، هر تصمیم الحریری تحت هر شرایطی که باشد

## ایران در تنگنا: تهدید دوباره حوثی‌ها به پرتاب موشک با هفت میلیون گرسنه



**● رییس جمهوری فرانسه خواستار باز نشدن جبهه‌های جدید علیه ایران شد.**

**● صلیب سرخ اعلام کرده هفت میلیون نفر در یمن در آستانه قحطی قرار دارند.**

دیدهبان حقوق بشر اعلام کرده حملات موشکی حوثی‌ها به فرودگاه بین‌المللی ریاض که چهارم نوامبر ۲۰۱۷ به وقوع پیوسته به احتمال زیاد یک اقدام جنگی است.

به دنبال پرتاب موشک از یمن به سوی عربستان، دولت ریاض انگشت اتهام را به سوی حکومت ایران دراز کرده و با تکرار اینکه جمهوری اسلامی از شورشیان حوثی در شمال یمن حمایت می‌کند، این مناطق را از زمین، آسمان و دریا در محاصره قرار داده و بنادر و فرودگاه‌های یمن را تحت کنترل خود گرفته است.

مقامات ایران ادعاهای عربستان در مورد دخالت در پرتاب این موشک بالستیک را رد کرده و به سازمان ملل شکایت برده‌اند. حسن روحانی، رییس جمهوری اسلامی ایران نیز از سیاست‌های عربستان انتقاد کرده و با محکوم کردن ریاض به مداخله نظامی در یمن گفته آنها در مقابل بمباران ائتلاف سعودی چاره‌ای جز استفاده از سلاح ندارند.

در این میان پرتاب موشک به سمت ریاض برای تهران به شدت دردسرساز شده است. وزارت خارجه فرانسه روز چهارشنبه اعلام کرد پاریس اتهامات واشنگتن علیه تهران را که با ارسال سلاح به شورشیان حوثی یمن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را نقض کرده، جدی می‌گیرد و از ایران می‌خواهد به کلیه تعهدات بین‌المللی خود پایبند باشد.

امانوئل ماکرون رییس جمهوری فرانسه، نیز خواستار مقابله قاطع با فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و برنامه موشک‌های بالستیک این کشور شده است.

ماکرون که برای سفری ۲۴ ساعته به امارات رفته پیش از آغاز این سفر، در مصاحبه با روزنامه الاتحاد،

خواستار «باز نشدن جبهه‌های جدید علیه ایران» شد.

به گزارش العربیه ماکرون که برای مراسم افتتاح موزه «لور ابوظبی» به امارات سفر کرده، هشدار داده بسیار اهمیت دارد که با فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و برنامه موشک‌های بالستیک این کشور، توافق قاطعانه داشته باشیم. کاخ سفید آمریکا هم در بیانیه‌ای اعلام کرده است، پیش از آغاز درگیری‌ها در یمن، موشک‌هایی مانند آنچه حوثی‌ها به سمت عربستان پرتاب کردند در یمن وجود نداشت. ایالات متحده از سازمان ملل خواسته تحقیقات کامل در خصوص دخالت ایران و دامن زدن به جنگ یمن انجام شود.

با وجود همه این فشارها، انصارالله در یمن تهدید کرده بار دیگر بنادر و فرودگاه‌های عربستان و امارات را هدف قرار خواهد داد. در شرایطی که ایران به حمایت اروپایی‌ها برای حفظ برجام نیاز دارد این تنش برای تهران اتفاق خوبی به نظر نمی‌رسد.

در ایران به غیر از حسن روحانی و محمدجواد ظریف هیچ مقام مسوول دیگری در مورد یمن اظهار نظر نکرده است که همین نشان می‌دهد، آنها از عمق بحران مطلع هستند.

بین‌المللی نقض حقوق بشر خواهد بود، گفته حوثی‌ها با پرتاب این موشک به مناطق غیرنظامی یک جرم جنگی مرتکب شدند، اما این مسئله نباید باعث شود که عربستان سعودی محدودیت علیه مردم یمن را بیشتر کند و یک فاجعه انسانی رقم بخورد.

سازمان ملل اعلام کرده تا کنون ۹۰۰ هزار نفر در یمن مبتلا به وبا شده‌اند، ۱۱ هزار نفر کشته و هفت میلیون نفر در آستانه قحطی بزرگ قرار دارند

پس از حمله موشکی حوثی‌ها به سوی ریاض، مقامات سعودی لیستی از ۴۰ مقام سیاسی و فرماندهان بلندپایه حوثی‌ها منتشر و اعلام کردند کسانی که از آنها اطلاعاتی بدهند که منجر به دستگیری آنان شود بین ۵ میلیون دلار تا ۳۰ میلیون دلار پاداش خواهند گرفت.

چهارشنبه هشتم نوامبر شورای امنیت سازمان ملل در مورد وضعیت بشردوستانه در یمن نشست اضطراری برگزار خواهد کرد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز اعلام کرد هفت میلیون نفر در یمن در آستانه قحطی قرار دارند و ۹۰۰ هزار نفر مبتلا به بیماری وبا شدند. کشمکش‌های سیاسی و تنش‌های نظامی میان ایران و عربستان اوضاع خاورمیانه را به شدت آشفته کرده است و مردم منطقه هستند که تاوان این جاه‌طلبی‌های سیاسی و قدرت‌طلبانه و سلطه‌جویانه را با بود و نبود خود می‌دهند.

**اوضاع یمن فاجعه‌بار است**

سارا لی ویستون، مدیر بخش خاورمیانه دیده‌بان حقوق بشر با بیان اینکه اعمال محدودیت‌های بیشتر علیه کمک به یمن بر اساس قوانین

## عربستان سعودی از اتباع خود خواست به سرعت خاک لبنان را ترک کنند



**● تنها چند روز پس از استعفا سعد الحریری، عربستان از اتباع خود در لبنان خواسته است به سرعت این کشور را ترک کنند و دیگر شهروندانش خواسته است به لبنان سفر نکنند.**

عربستان سعودی با صدور بیانیه‌ای از اتباع خود در لبنان خواست در سریع‌ترین زمان ممکن خاک این کشور را ترک کنند.

به گزارش خبرگزاری رسمی عربستان، وزارت امور خارجه این کشور در بیانیه کوتاهی از اتباع این کشور خواسته است تا از هیچ کشوری به لبنان نروند.

در این بیانیه آمده است: «به دلیل شرایط پیش آمده در لبنان، پادشاهی سعودی از شهروندانش که یا مقیم لبنان، یا در حال سفر به لبنان هستند، می‌خواهد که هر چه زودتر این کشور را ترک کنند.»

پیش از این بحرین به اتباع خود اعلام کرده بود که خاک لبنان را ترک و از سفر به این کشور خودداری کنند.

این درخواست اندکی پس از آن اتفاق می‌افتد که سعد الحریری، نخست‌وزیر لبنان، چهارم نوامبر و در حالی که در عربستان سعودی بسر می‌برد در اقدامی غیرمترعارف از طریق شبکه العربیه استعفا خود را از نخست‌وزیری لبنان اعلام کرد.

برخی گزارش‌ها مدعی هستند الحریری تحت فشارها و تهدیدهای مقامات عربستان سعودی مجبور به استعفا شده است. برخی جریان‌های سیاسی در لبنان نیز خواستار بازگشت سعد الحریری به لبنان هستند. رسانه‌های سعودی به نقل از دفتر اطلاع‌رسانی سعد الحریری گفته‌اند

کرد و دوباره به ریاض بازگشت. سعد الحریری در سخنانی که هنگام اعلام استعفاش بیان داشت گفت فضای سیاسی لبنان شبیه روزهای قبل از سوءقصد به جان پدرش، رفیق الحریری، شده و او احساس می‌کند عده‌ای برای ترورش نقشه می‌کشند.

الحریری دیروز و امروز در منزلش در عربستان با دیپلمات‌های چند کشور غربی مانند فرانسه و آمریکا ملاقات کرده است.

این در حالیست که او بعد از استعفا در سفری کوتاه برای ملاقات با محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی، به امارات سفر

### دارالترجمه بین‌المللی فریس

**زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی**  
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831  
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk  
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road  
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر



## در نماز جمعه مسلمانان میانمار فراموش شدند و عربستان تهدید شد



سید احمد خاتمی در نماز جمعه ۱۹ آبان تهران

- احمد خاتمی در سخنان خود مدعی شد هر جنایتی رخ می‌دهد زیر سر ولیعهد عربستان است.
- «چنان سیلی ای خواهید خورد که از جایتان نمی‌توانید بلند شوید».
- «نخست‌وزیر لبنان به عربستان رفت و ذلت خودش را نشان داد».

بعد از آنکه چین، قطعه‌نامه شورای امنیت علیه میانمار به اتهام کشتار مسلمانان روهینگایی را وتو کرد، پس از ماه‌ها در خطبه‌های نماز جمعه نیز هیچ اشاره‌ای به آوارگان روهینگیا نشد و خطیبان نماز جمعه در سراسر ایران موضوعات جدیدی در دستور کارشان قرار گرفت.

سید احمد خاتمی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران گفت، دنیا باید از نظام مقدس اسلامی و فتوی مرجعیت، الحشدالشعبی و دولت سوریه که خطر داعش را از کنار بشریت راندند و به‌خصوص از حاج قاسم سلیمانی که «مسئولیت مستشاری‌اش» را به خوبی ایفا کرد، تشکر کند.

او قاسم سلیمانی را «افتخار ایران اسلامی» نامید و عنوان کرد: «برخی می‌گفتند که چه کار دارید [علیه داعش] خرج می‌کنید، همان‌ها امروز فهمیدند که اگر این مبارزه با داعش نبود، باید با داعش در خیابان‌های تهران و شهرستان‌های مرزی کشوری جنگیدیم که این موفقیت‌ها با مدیریت رهبر انقلاب محقق شد».

خاتمی همچنین به راهپیمایی «جاماندگان اربعین» که پنجشنبه در تهران برگزار شد اشاره کرد و گفت: «آنهایی که زیر پوست تهران را تحلیل می‌کنند، ببینند که آغاز جمعیت به مرقد رسیده بود و پایان جمعیت در میدان شهدای تهران بود، برای این اجتماع تبلیغ هم نشد، زیر پوست تهران

تدین است، ناهنجاری‌هایی هم هست، اما آنقدر آن را بزرگ نکنند». امام جمعه موقت تهران درباره «جاماندگان» افزود آنها «تربیت‌شدگان مکتب سیدالشهدا» هستند و اگر دشمن بخواهد کمترین آسیبی به ملت بزرگ ایران بزند، همین‌ها دندان‌های دشمن را در دهانش خورد می‌کنند چون این جماعت ذلت نمی‌پذیرند.

بخش دیگر سخنرانی خاتمی در مورد مسائل لبنان بود. او با اشاره به استعفای نخست‌وزیر لبنان گفت: «عربستان با کمال پروپی در امور داخلی لبنان دخالت صریح کرده است، نخست‌وزیر کشور دیگر را فرا خواند و به او گفت استعفا دهد، تحت‌الحماگی در عرصه سیاسی ذلیلانه‌تر از این هم نیست، البته نخست‌وزیر لبنان می‌توانست نرود، اما رفت و ذلت خودش را نشان داد».

خاتمی با تأکید بر اینکه عربستان لبنان در هم ریخته و آشوب زده می‌خواهد، ادامه داد: «آرامش در لبنان منقور دولت عربستان است که پایش در همه جنایات است. توطئه در عراق، سوریه و لبنان، یک پایش سعودی‌ها هستند، آفرین بر رهبر مجاهد حزب‌الله، سیدحسین نصرالله که به عنوان یک رهبر درست اوضاع را هدایت کرد و رئیس‌جمهور لبنان هم به ایشان همراه است».

وی در ادامه، تحولات عربستان سعودی را درگیری‌هایی توسط حاکم تازه به دوران رسیده عربستان دانست و مدعی شد: «جنایتکاران دیروز و امروز با هم در افتاده‌اند، البته بازی زرگری است. باید پول‌های شاه عربستان حسابرسی شود، یک میلیارد دلار به ترامپ داده که از او حمایت کند تا به شاهنشاهی برسد، این مانند اواخر رژیم شاهنشاهی در ایران است. امیدواریم این حواث و زلزله‌ها، روزهای آخر عمر رژیم جنایتکار آل سعود باشد».

خاتمی، ولیعهد عربستان را «جوان ناپخته» و «بچه ناپخته» خواند و گفت: «هر جنایتی رخ می‌دهد زیر سر اوست، مدام ایران و حزب‌الله را تهدید می‌کند و می‌گوید که ما مقابله می‌کنیم؛ خجالت بکشید، یمن را با خاک یکسان کردید، انگار خوراک شما ظلم به یمن است. بزرگتر از شما صدام بود و با این ملت در افتاد و این ملت او را به روز سیاه نشاند، شما که عددی حساب نمی‌شوید، از این حرف‌های بچگانه دست بردارید، اگر این خیال خام را عملی کنید، چنان سیلی‌ای خواهید خورد که از جایتان نمی‌توانید بلند شوید».

تقریباً تمام بخش‌های سخنرانی خاتمی، دشنام و تهدید بود و جمله‌ای که نشان دهد جمهوری اسلامی دست کم ظاهراً به دنبال کاهش تنش‌های منطقه است بیان نکرد.

## رسیدگی به جرایم امنیتی ۲۳ عضو داعش در دادسرای «شهید مقدس» تهران



یکی از بازداشت شدگان به اتهام همکاری با داعش

یا دستگیر شده‌اند.

دادستان تهران با اعلام اینکه پرونده این افراد به دادسرای «شهید مقدس» آوین، ویژه جرایم امنیتی ارجاع شده، در خصوص نحوه اقدامات زنان دستگیر شده عنوان کرد: «اینها با علم به اینکه داعش گروهی مسلح و معاند است، با اخذ وجه و دستمزد به خدمت این گروهک درآمدند و حین دستگیری، وجوه قابل توجهی از آنها کشف شده است».

جعفری دولت‌آبادی همچنین از تأیید حکم اعدام یک عضو داعش در دیوان عالی کشور خبر داد. در جریان حملات تروریستی داعش که در مجلس شورای اسلامی و مقبره خمینی صورت گرفت ۱۲ نفر کشته و ۴۲ نفر مجروح شدند. علی خامنه‌ای این حملات را «ترقه‌بازی» خواند، اما ۲۰ خرداد رییس حفاظت مجلس شورای اسلامی برکنار شد، اگرچه ماجرا تمام نشد.

۲۳ خرداد محمد دهقان نماینده مجلس شورای اسلامی و از اعضای شورای مرکزی فراکسیون ولایی مجلس، درباره حملات داعش در تهران گفت، «مسائل ضد امنیتی و تروریستی بدون اجرای پروژه نفوذ قابل تحقق نیست. افرادی که به مجلس حمله کردند، همین چند نفر نبودند و بازوهای متنوعی در داخل کشور داشتند، داعش صرفاً همین چند نفری که به مجلس حمله کردند، نیست؛ داعش بازوانی دارد از جمله جاسوسانی که در دفتر برخی مسؤولان کشور لانه کرده‌اند و آنها را تغذیه اطلاعاتی کرده‌اند که باید با آنها برخورد شود. پروژه نفوذ که رهبری فرمودند باید جدی گرفته شود».

بعد از حملات داعش، دهها نفر در شهرهای مختلف ایران به اتهام ارتباط با این گروه بازداشت شدند و ظاهراً چند تیم تروریستی نیز شناسایی و منهدم شدند.

● جعفری دولت‌آبادی می‌گوید گروهی زن نیز که از ایران برای پیوستن به داعش اقدام کرده بودند دستگیر شده‌اند.

● شوهران اغلب این زنان کشته شده‌اند و این زنان با دریافت دستمزد قصد پیوستن به داعش را داشتند.

● دیوان عالی حکم اعدام یکی از اعضای داعش را تأیید کرده است.

● مشخص نیست چه تعداد از این متهمین، در سیستم اداری جمهوری اسلامی شاغل بوده‌اند.

دادستان تهران درباره آخرین وضعیت پرونده عملیات تروریستی داعش در تهران که ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ صورت گرفت، گفته ۲۳ متهم در این باره شناسایی و دستگیر شدند و اتهامات آنها در ناحیه ۳۳ دادسرای تهران در حال رسیدگی است.

عباس جعفری دولت‌آبادی، عصر سه‌شنبه ۱۶ آبان ضمن تشکر از سرپرست این دادسرا، خبر داد که پرونده دیگری اخیراً در خصوص اعضای داعش به دادسرا ارسال شده، که این پرونده موضوع اتهامات اشخاصی است که با خانواده‌های‌شان به قصد پیوستن به داعش از ایران خارج شده و از راه ترکیه به سوریه رفته بودند و پس از عقب راندن نیروهای داعش از خاک سوریه، به ناچار به ایران بازگشته‌اند.

## گفتگوی نازنین انصاری با امیر طاهری: سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه و کوشش‌های واشنگتن برای برقراری ارتباط با نظامیان ایران



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

طاهری، روزنامه‌نگار و مفسر بین‌المللی، گفتگو کرده است.

در این گفتگو همچنین به موضوع بحران قطر، همسویی ایران و آمریکا در مورد کردستان عراق، مشکلات عراق و کردستان و کاهش حضور نظامی اروپا در خاورمیانه به موازات فعال‌تر شدن سیاست آمریکا در منطقه پرداخته می‌شود.

کردستان و کاهش حضور نظامی اروپا در خاورمیانه به موازات فعال‌تر شدن سیاست آمریکا در منطقه پرداخته می‌شود.

نازنین انصاری، مدیر مسئول کیهان لندن، درباره‌ی سیاست‌های جدید آمریکا در خاورمیانه و همچنین کوشش‌های دولت این کشور برای برقراری ارتباط با نظامیان ایران با امیر طاهری، روزنامه‌نگار و مفسر بین‌المللی، گفتگو کرده است.

مدیر مسئول کیهان لندن، درباره‌ی سیاست‌های جدید آمریکا در خاورمیانه و همچنین کوشش‌های دولت این کشور برای برقراری ارتباط با نظامیان ایران با امیر طاهری، روزنامه‌نگار و مفسر بین‌المللی، گفتگو کرده است.

در این گفتگو همچنین به موضوع بحران قطر، همسویی ایران و آمریکا در مورد کردستان عراق، مشکلات عراق و

## دیوان عدالت اداری: ابلاغیه بازگشت به کار سپنتا نیکام از سوی قوه قضاییه صادر نشده



● سخنگوی ریاست جمهوری: با قوه قضاییه توافق شده تا سپنتا نیکام به سرکار خود بازگردد.

● دیوان عدالت اداری: رئیس قوه قضاییه ابلاغیه‌ای نداده است.

رئیس دفتر حسن روحانی می‌گوید بر مبنای توافق صورت گرفته با قوه قضاییه سپنتا نیکام می‌تواند تا زمانی که قانون تغییر نکند مانند دوره قبل به کار خود ادامه دهد. با این وجود دیوان عدالت اداری در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که دستوری از سوی رئیس قوه قضاییه صادر و ابلاغ نشده است.

محمود واعظی در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سوال که تصمیم دولت در ماجرای عضو زرتشتی شورای شهر یزد چیست، عنوان کرد: تصمیم درباره سپنتا نیکام کاری نیست که در اختیار قوه مجریه باشد. وی با بیان اینکه نظارت بر انتخابات شوراها از ابتدا بر عهده مجلس بوده و مجلس آن را دنبال کرده، گفت: «در این مورد هم

به توافق خوبی با قوه قضاییه رسیده مبنی بر اینکه تا زمانی که قانون تغییر نکند آقای سپنتا نیکام بتواند مانند دوره قبل به کار خود ادامه دهد دولت هم همواره نظرش همین بوده است.» رئیس دفتر روحانی تأکید کرد: «هم شخص رئیس‌جمهور و هم دولت بحث‌اش این بود که نمی‌توان ناگهانی قانون را تغییر داد هر قانونی که به تأیید شورای نگهبان رسید باید از اعتباری برخوردار باشد که همه نهادها روی آن حساب باز کنند.» با این وجود، روابط عمومی دیوان عدالت اداری با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «با توجه به برخی اخبار در رسانه‌های جمعی، مبنی بر اینکه آقای سپنتا نیکام می‌تواند در جلسات شورای اسلامی شهر یزد حضور پیدا کند و به فعالیت خود ادامه دهد و یا اینکه در این قضیه با قوه قضاییه توافقی صورت گرفته است، بدین وسیله اعلام می‌دارد: دستور موقت صادره از شعبه ۴۵ دیوان عدالت اداری به قوت خود باقی است و در این خصوص از ناحیه ریاست محترم قوه قضاییه نیز دستوری صادر و ابلاغ نشده است.»

## پی‌نوشت؛ از پیاده‌روی ۱۳ آبان تا پیاده‌روی اربعین در اینجا اهمیت پی‌نوشت بیش از متن است



پی‌نوشت یا همان پ.ن. معروف، سری جدید گزارش‌های کوتاه و ویدیویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می‌گذارد. «از پیاده‌روی ۱۳ آبان تا پیاده‌روی اربعین»



## لعبت والا شاهزاده‌ای آرام، شکبیا و مبارز



لعبت والا و زنده یاد سیمین بهبهانی

گیلدا وزیر دفتری - یکشنبه ۱۲ نوامبر زادروز لعبت والا شاعر فرهیخته، مبارز و بلندآوازه ایران است. لعبت والا تنها بازمانده‌ی گروه سه نفره فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی و خود اوست که به عنوان زنان شاعر معترض به مردسالاری رایج در ایران در نیم قرن گذشته از طریق سخنرانی، سرودن اشعار و نوشتن مقالات در این زمینه دین خود را به زنان ایران به اتکای موقعیت، مقبولیت و محبوبیت اجتماعی خود ادا کرده‌اند و به همین دلیل نام آنها در تاریخ معاصر ایران جاودان خواهد ماند.

لعبت بیستم آبان ماه ۱۳۰۹ در شبی پاییزی در یک خانواده مرفه از منسوبین درجه اول احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجار متولد شد. مادرش منیر والا و پدر او ظهیرالسلطان نام داشتند.

لعبت یکی از زیباترین کودکان، نوجوانان و زنان خانواده قاجار شناخته می‌شد. او در نوجوانی ازدواج کرد اما این وصلت خیلی زود به جدایی انجامید و وی برای ادامه تحصیل به دبیرستان شاهدخت در چند قدمی میدان بهارستان و مجلس شورای ملی بازگشت و دیپلم ادبی خود را دریافت کرد.



لعبت والا نفر اول سمت راست با گروهی از دانشجویان دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه تهران

سپس وارد دانشسرای عالی شد و به دنبال آن در رشته روزنامه‌نگاری که به همت دکتر مصباح‌زاده صاحب و بنیانگذار موسسه کیهان و استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران در آن دانشگاه بر پا شده بود به تحصیل پرداخت.

در آن زمان او و سیمین بهبهانی تنها بانوانی بودند که با ۱۵۰ مرد در آن رشته تحصیل می‌کردند. سیمین بهبهانی پس از چندی این دانشکده را برای ادامه تحصیل در رشته حقوق ترک کرد.

لعبت اواخر سال‌های ۱۳۲۰ وارد فعالیت‌های فرهنگی شده بود. او از نوجوانی به شعر و شاعری بسیار علاقه داشت و می‌سرود. وی سال‌ها بعد، از سال ۱۳۴۰ به سرودن ترانه برای خوانندگان مشهور آن دوران مشغول شد و همزمان در مجله «تهران‌مصور» که به همت برادرش مهندس عبدالله والا منتشر می‌شد مسئول صفحه ادبی بود و هنگامی که برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت از دوست نزدیکش سیمین بهبهانی خواست تا بازگشت او اداره این صفحه را به عهده بگیرد.

لعبت ۳ سال بعد در مراجعت از آمریکا با دانشی بیشتر به عنوان سردبیر به همکاری با مجله «تهران‌مصور» ادامه داد و تغییرات چشمگیری در این نشریه به وجود آورد.

او در زمان وزارت مهرداد پهلبد، وزیر فرهنگ و هنر وقت، در آن وزارتخانه سرگرم کار شد و همزمان سرپرستی تهیه و تنظیم برنامه‌های موسیقی رادیو تلویزیون ملی ایران را نیز به عهده گرفت.

آن روزها لعبت والا در جامعه‌ای که به شدت سنتی و مردسالار بود با اشعار پر مغز و دلنشین خود و مطالب تاثیرگذار در نشریات به تلاش برای باز شدن راه ورود زنان به فعالیت‌های اجتماعی ادامه می‌داد. او در ایامی که نادر نادرپور، فریدون مشیری، نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، احمد

شاملو و... میدانداران پر طرفدار عرصه شعر و شاعری در کشور بودند با شهادت تحسین‌انگیز به راهش ادامه داد و چون خورشید در آسمان زنان ایران درخشید.

زنده‌یاد سیمین بهبهانی که در تمام طول عمر به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و آغاز دوران تاریک زندگی زنان در ایران لحظه‌ای از مبارزه با رژیم سرکوبگر ولایت فقیه باز نایستاد درباره لعبت می‌نویسد: «آن‌وقت‌ها سه دوست شاعر بودیم که دکتر صدرالدین الهی ما را «سه تفنگدار شعر» لقب داده بود: لعبت والا، فروغ

فرخزاد و من. ما سه تن، ابتدای کار خود را فقط با دویته‌های نمایی آغاز کردیم و بعدها هر کدام شیوه خود را پیش گرفتیم.» همانطور که سیمین بهبهانی نیز در جایی نوشته است، لعبت مهربان، ساده‌دل، شیرین‌زبان و بزرگوار است. هرگز درشتی نکرده، از هیچ‌کس گله نداشته، بدی‌ها را نادیده گرفته و در دوستی سخت پایدار است. دگرگونی‌هایی که از سال ۵۷ در

فرخزاد و من. ما سه تن، ابتدای کار خود را فقط با دویته‌های نمایی آغاز کردیم و بعدها هر کدام شیوه خود را پیش گرفتیم.» همانطور که سیمین بهبهانی نیز در جایی نوشته است، لعبت مهربان، ساده‌دل، شیرین‌زبان و بزرگوار است. هرگز درشتی نکرده، از هیچ‌کس گله نداشته، بدی‌ها را نادیده گرفته و در دوستی سخت پایدار است. دگرگونی‌هایی که از سال ۵۷ در



لعبت والا در کنار دکتر مصطفی مصباح‌زاده

ایران روی داد با روحیه آرام و حساس لعبت سازگار نبود تا آنکه دختر او شیوا و همسرش بیژن که هر دو پزشک هستند و در انگلستان سرگرم کار بودند به او اصرار کردند که ایران را ترک کند اما از آنجا که ترک میهن برای او بسیار ناگوار بود از این کار به شدت اکراه داشت بطوری که شیوا ناچار به ایران رفت و او را با خود به لندن آورد و به این ترتیب لعبت خانه کوچک، دوست‌داشتنی و پر از خاطره‌اش را که خود طراحی کرده بود و محل تجمع دوستان و محفل شعرخوانی بود، با غمی سنگین در سینه، ترک گفت.

از آنجا که لعبت همیشه عاشق یادگیری بود تصمیم گرفت ضمن

دختر ایران زمین، بیدار باش! مادرت بیدار بود مادرت هشیار بود مادرت آزاد زیست مادرت زنجیرصدها سال خواری را زهم بگسست او به دیوار اسارت نقب زد، از بند رست.

او سرودش نغمه شاد رهایی و ترنم‌های لالایش، فریاد رهایی او چنان موجی خروشان بود! با پلیدی در ستیز از تباهی در گریز

او همه امید! او فرا راهش پل خورشیدش فروزان بود

او در اوج پارسایی رهگشای راه فرداهای رویایی او همه اندیشه اش فردای ایران بود!

او اگر امروز در بند است او اگر گریان، او اگر خاموش، سینه اش بچروش

چون کوه دماوند است ناگه این آتشفشان ره بر خروش خویش خواهد یافت، پانفس هایش - اگر چه واپسین دم - آنچنان بر آتش خاموش خواهد



از چپ به راست: فریدون مشیری، فروغ فرخزاد، هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور، محمد قاضی، لعبت والا، سیمین بهبهانی و منصوره نادرپور

شدم. او هر روز هنگام ورود به دفتر کیهان و قبل از نشستن پشت میز کارش با رویی خوش و لبانی پر خنده به همکاران کوچک و بزرگ خود روز بخیر می‌گفت. در همان روزهای نخستین همکاری این بانوی بزرگوار از من خواست او را «لعبت» صدا کنم نه «خانم والا».

لعبت هرگز به چاپ و آثار خود تمایلی نشان نمی‌داد و اصرار خانواده و دوستان در این مورد بی‌نتیجه بود

تا آنکه برخی از علاقمندانش او را قانع کردند تا تعدادی از اشعار بسیار محبوب او را منتشر نمایند و سرانجام در برابر تقاضاهای مکرر دوستدارانش تن به این کار داد و به این ترتیب کتاب‌های «رقص یادها»، «گسسته»، «تا وقتی خروس می‌خواند» و «پر گشودن به هوای پرواز» انتشار یافت. شعرهای لعبت مملو است از عشق، همبستگی و دل‌بستگی.

فریاد دیگری! دختر ایران! غرورت جاودان! همت سرشار! راه فرداهای روشن دور نیست. دختر ایران! تو نیز آزاد خواهی زیست!

لعبت والا در حال حاضر مقیم لندن است. شیوا و همسرش بیژن، نصرالله پسر او که در رشته کارگردانی در آمریکا تحصیل کرده، نوه‌ها و نتیجه‌هایش در فاصله‌ای نه چندان دور از وی زندگی می‌کنند.

لعبت جان، والاگهر بانو تولدت مبارک، شاد زی، دبیزی و پاینده باش.

## تنگ مضراب! آواز

### قاسم طالبزاده ویولن نواز برجسته در گذشت

روژگار غریبی است. سرت را برمی‌گردانی یکی از دست رفته است. جان انسان بسیار عزیز است برای هر کس که باشد ولی جان کسانی که در جهان امروز راهبران و نگاهبانان فرهنگ ایران هستند اهمیت ویژه پیدا می‌کند. جامعه هنری ایران به‌خصوص در این شرایط وانفسا بخشی از ذخائر فرهنگی خود را از دست داده است.

سال‌ها کوشش و تلاش به کار می‌زند تا از حاصل اندیشه‌هایشان و تجربیاتشان بر غنای فرهنگ ایران بیفزایند. قاسم طالبزاده سال‌ها در جامعه هنری ایران کار کرد و مدتی نیز ریاست سازمان‌های هنری را به عهده داشته است ولی چند روز پیش دست مرگ او را نیز ربود. جای او در میان نوازندگان موسیقی پیشرو در ایران خالی خواهد ماند.

قاسم طالب زاده در سال ۱۳۱۴ در تهران تولد یافت و تحصیلات اولیه موسیقی را در هنرستان عالی موسیقی در تهران گذراند. ویولن و بعد ویولن آلتو را به عنوان ساز نخست انتخاب کرد و نزد استادان برجسته هنرستان «سرژ خوتسیف» و «روبن صفاریان» به فراگیری آن پرداخت. پس از پایان فراگیری‌های مقدماتی در سال ۱۹۵۹ با استفاده از یک بورس تحصیلی رهسپار آتریش شد و دیپلم بین‌المللی ویولن را از «موتسارتوم» سالزبورگ دریافت کرد. در آتریش با یک استاد بلژیکی



قاسم طالبزاده

ویولن آشنا شد که در موتسارتوم نیز تدریس می‌کرد. او «آندره گرتلر» بود که در نواختن ویولن شهرت جهانی دارد. گرتلر که در اجرای آثار بارتوک تخصص داشت و بیشتر کارهای ویولن او را روی صفحه و دیسک ضبط و منتشر کرده‌اند، طالبزاده را ترغیب کرد که برای مطالعه و کار بیشتر به بلژیک برود. او در این تغییر مکان دوم ابتدا به دریافت جایزه نخست ویولن در محدوده موسیقی مجلسی از کنسرواتوار سلطنتی «لیژ» توفیق پیدا کرد و چندی بعد نیز دیپلم بالاتر موسیقی مجلسی را از کنسرواتوار سلطنتی در بروکسل به دست آورد.

طالبزاده در سال ۱۹۶۷ به ایران بازگشت و در ارکستر سنفونیک تهران به کار و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در سال ۱۹۷۱ با استفاده از یک بورس تازه دانشگاهی از نو به بروکسل رفت و این بار در دانشگاه آن شهر به تحصیل موسیقی‌شناسی پرداخت. طالبزاده در بازگشت مجدد به ایران در سال‌های پیش از انقلاب به ریاست هنرستان عالی موسیقی برگزیده شد. او را در واقع باید آخرین سرپرست این هنرستان، پیش از تغییر رژیم دانست. بدیهی است که انقلاب او را یک بار دیگر از ایران دور کرد و رهسپار بلژیک ساخت. طالبزاده در میان سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۴ عضویت ارکستر ناسیونال بلژیک را داشت و با ویولن آلتو کنسرتوهای متعددی در اروپا و آمریکا برگزار کرد.

طالبزاده سبب موفقیت‌های خود را در اروپا علاوه بر نواختن ویولن آلتو در شیوه برنامه‌گذاری‌های رسیتالی خود نیز می‌داند. برنامه رسیتال‌های او که تا کنون در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا برگزار شده، همیشه دو بخش داشته است. بخش نخست به اجرای قطعاتی از موسیقی جهانی اختصاص می‌یافت و بخش دیگر به آفریده‌های خود او.

قاسم طالبزاده در سال‌های اخیر سرگرم آفرینش یک قطعه موسیقی بزرگ بوده است. چیزی شبیه یک اورتوریو برای سرودهای زرتشت و گاتاها. گاتاها که در پنج بخش برای ارکستر بزرگ تنظیم شده، اینک پایان گرفته و در انتظار دسترسی به امکانات فنی و مالی است تا نخستین اجرای خود را پیدا کند. برخی از زرتشتیان توانای مقیم آمریکا و اروپا تمایل اصولی خود را برای باری به اجرای این آفریده بزرگ اعلام کرده‌اند ولی در عمل هنوز پیشرفتی در کار حاصل نشده است.

قاسم طالبزاده قطعات دیگری نیز برای ویولای تنها و ویولا و ارکستر تازه‌کار در سال ۱۹۷۶ و تمرین‌های روزانه ویولن در سال ۱۹۸۷. او کتاب دیگری نیز در زمینه شناخت موسیقی دوره رنسانس و باروک نوشته است. این کتاب‌ها از سودمندی‌های آموزشی بسیار برخوردار است. اما در زمینه تنظیم و آفرینش. طالبزاده با توجه به امکانات فنی که سازهای مورد عمل او یعنی ویولن و ویولن آلتو دارند، به شیوه

ویژه خود دست یافت. او در این شیوه در ترکیب دست‌مایه‌های بومی با تکنیک بین‌المللی اولویت را به دست‌مایه‌ها می‌دهد؛ به شکلی که در پیچ و خم‌های فنی شفافیت خود را از دست ندهند. به گفته طالبزاده هر قطعه موسیقی باید فرمی داشته باشد و فرم‌های موسیقی بین‌المللی بهترین قالب برای عرضه انواع موسیقی جهان است. او هم از این فرم‌ها استفاده کرده است. مثلاً قطعه‌ای دارد با عنوان «رستیتایو و توکاتا» در دو قسمت آهسته و تند که محتوای آن برداشتی از مایه همایون در موسیقی ملی خودمان است.

طالبزاده ۹ قطعه از آفریده‌های خود را در سال ۱۹۹۴ در بروکسل، در یک سی‌دی و همزمان در یک نوار کاست ضبط و پخش کرد. او شش قطعه از این آثار را با ویولن و سته تای

دیگر را با ویولن آلتو نواخته و البته همراهی پیانوی «دانیل بلومنتال» را نیز با خود دارد. در میان این قطعات رستیتایو و توکاتا که از آن یاد کردیم، «صفهان»، «موزاییک» و «کنتراست» از تکنیک‌های برتری برخوردارند.

یکی از شانس‌های قاسم طالبزاده در دیار غربت آن بوده که می‌توانسته ویولن آلتو نیز بنوازد. او با آنکه خود از آغاز به ویولن رغبت بیشتری داشت ولی دریافته بود که ویولن آلتو زودتر راه موفقیت او را هموار می‌کند. به آن سبب که تعداد کم آلتونوازان تقاضای این ساز را در محافل هنری جهان بالا برده است.

طالبزاده سبب موفقیت‌های خود را در اروپا علاوه بر نواختن ویولن آلتو در شیوه برنامه‌گذاری‌های رسیتالی خود نیز می‌داند. برنامه رسیتال‌های او که تا کنون در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا برگزار شده، همیشه دو بخش داشته است. بخش نخست به اجرای قطعاتی از موسیقی جهانی اختصاص می‌یافت و بخش دیگر به آفریده‌های خود او.

قاسم طالبزاده در سال‌های اخیر سرگرم آفرینش یک قطعه موسیقی بزرگ بوده است. چیزی شبیه یک اورتوریو برای سرودهای زرتشت و گاتاها. گاتاها که در پنج بخش برای ارکستر بزرگ تنظیم شده، اینک پایان گرفته و در انتظار دسترسی به امکانات فنی و مالی است تا نخستین اجرای خود را پیدا کند. برخی از زرتشتیان توانای مقیم آمریکا و اروپا تمایل اصولی خود را برای باری به اجرای این آفریده بزرگ اعلام کرده‌اند ولی در عمل هنوز پیشرفتی در کار حاصل نشده است.

قاسم طالبزاده علاوه بر تکنوازی ویولن و ویولن آلتو در زمینه‌های آموزشی و آفرینشی نیز سخت فعال بود. از او تا کنون دو کتاب آموزشی انتشار یافته است. متد ویولن برای هنرجویان تازه‌کار در سال ۱۹۷۶ و تمرین‌های روزانه ویولن در سال ۱۹۸۷. او کتاب دیگری نیز در زمینه شناخت موسیقی دوره رنسانس و باروک نوشته است. این کتاب‌ها از سودمندی‌های آموزشی بسیار برخوردار است. اما در زمینه تنظیم و آفرینش. طالبزاده با توجه به امکانات فنی که سازهای مورد عمل او یعنی ویولن و ویولن آلتو دارند، به شیوه

ویولن و ویولن آلتو دارند، به شیوه



قضایی در پی کشف حقایق است. در این تابستان دادستانی نظامی در اطلاعیه‌ای مبهم و طولانی پرونده را ملی اعلام کرد، پیدا شدن ردپای جاسوسان خارجی در این جنایت‌ها مطرح شد و سخن از توطئه‌ای بر ضد سران نظام رفت! اما جواب سوال‌های ساده ما حتی در مورد چگونگی انجام قتل‌ها داده نشد.

در یک دیدار با دادستان نظامی چند روز پس از انتشار آن اطلاعیه، خانم عبادی وکیل خانواده‌ی ما چگونگی مرگ سعید امامی را با ذکر دلایل زیر سؤال برد. (اعلام شده بود که مرگ او در پی خوردن داروی نظافت بوده است.) دادستان در پاسخ گفت که از سعید امامی اعترافات طولانی در پرونده موجود است و با مرگ او تحقیقات دچار ابهام نشده است. وی همچنین گفت گزارش بالینی مفصلی از چگونگی مرگ او ضمیمه‌ی پرونده است. ولی با درخواست وکیل ما برای دیدن این مدارک موافقت نکرد و باز هم آن را موقوف به پایان تحقیقات کرد، که هیچ‌گاه عملی نشد. در دیدار بعدی قول داد تا بخش‌هایی از پرونده را برای مطالعه در اختیار وکلا قرار دهد که این قول نیز عملی نشد. او در پاسخ به پرسش من که آیا در تأیید ارتباط متهمان پرونده با سازمان‌های جاسوسی بیگانه به دلیل و مدرک عینی دست یافته‌اند، گفت: خیر این یک تحلیل است ولی قطعیت دارد! اما حاضر به توضیح بیشتر نشد.

در پاییز ۷۸ دوباره به ایران آمدم تا در مراسم سالگرد قتل پدرمادرم شرکت کنم. حضور گسترده‌ی مردم این بار نیز با فریادهای مرگ بر استبداد و دادخواهی همراه بود. در این سفر نیز مراجعه‌های پیاپی من به دادستانی نظامی مانند پیگیری دائمی وکلای مان هیچ ثمری به همراه نداشت. بهار ۷۹ دوباره به ایران آمدم زیرا شایعه‌ی گم شدن پرونده در مطبوعات پخش شده بود و مراجعه‌های وکلای پرونده برای تماس با مرجع رسیدگی کننده بی نتیجه ماند. بارها و بارها به دادستانی نظامی و قوه قضاییه مراجعه کردم و هربار از اداره‌های دادخواهی همراه بودم. در این سفر نیز در نامه‌ای به ریاست قوه قضاییه با توضیح این روند غیر انسانی از وی تقاضای معرفی مسئول رسیدگی به پرونده قتل پدرمادرم را کردم. سرانجام در وقت ملاقاتی با مسئول

## نوزده سال از قتل‌های سیاسی پاییز ۷۷ می‌گذرد...

برای اولین بار در اطلاعیه‌ای رسمی از سوی حکومت اعلام شود که در اجرای این جنایت‌ها مأموران وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی مسئول بوده‌اند. و این صحه‌ای بود بر داوری عمومی که از همان ابتدا انگشت اتهام به سوی اهرم‌های قدرت نشانه کرده بود و برای نخستین بار در ایران از تربیون مسجد فخر در مراسم چهلم دیوش و پروانه فروهر از سوی یکی از اعضای حزب ملت ایران آشکارا عنوان شد و فریاد تأیید جمعیت حاضر را به همراه داشت.

این اعتراف رسمی، که یک ماه و نیم پس از نخستین قتل‌ها منتشر شد، در ابتدا موجی از امید و خوشبینی در میان ایرانیان و بویژه محافل بین‌المللی دامن زد که با افشای کامل حقایق در مورد این جنایت‌ها، یافت خشونت تنیده در نهادهای حکومتی در ایران رسوا و قطع خواهد شد. اگرچه از همان اطلاعیه شان پیدا بود که درصد هستند مجرمان این جنایت‌ها را به «چند مأمور خودسر» و «برداشت‌های نادرست» آنان محدود جلوه دهند.

اما جامعه‌ی ایرانی تسلیم این توضیح نشد و از تلاش برای آشکار شدن ابعاد اصلی این جنایت‌ها باز نایستاد. تلاش‌های پیگیرانه‌ی مطبوعات در ایران که آزادی‌های نسبی به دست آورده بودند و معترضان، چه در داخل و چه در خارج از ایران، که از هر امکانی برای گسترش موج اعتراض بهره جستند، در این راستا بود که ابعاد و نیز خط و ربط فکری و سازمانی این جنایت‌ها را بشکافند و سؤال‌های فروخورده‌ی مردم را به زبان آورند و طلب پاسخ از مسئولان کنند.

اما مسئولان قضایی پرونده قتل‌های سیاسی پاییز ۷۷ از همان ابتدا، روند تحقیقات را زیر پوشش دفاع از امنیت ملی از افکار عمومی و حتی از ما بازماندگان قربانیان و وکلایمان مخفی داشتند و یا به ضدونقیض‌گویی‌هایی پرداختند که تنها هدفش خاموش کردن عطش حقیقت‌جویی و دادخواهی در افکار عمومی بود. تناقض برخورد مرجع رسیدگی‌کننده



و محمد جعفر پوینده در جاده‌های دورافتاده پیدا شدند و بازماندگانشان برای تحویل‌گیری جسد‌ها به پزشک قانونی خوانده شدند. خبر قتل حمید حاجی‌زاده و پسرکش کارون در کرمان پخش شد. نگرانی از سرنوشت پیروز دوانی، که هفته‌ها بود ناپدید شده بود، اوج گرفت.

در این مدت هرازگاهی قاضی همسایگان و بررسی محل می‌آمد تا در یکی از واپسین روزهای اقامت من در تهران که با صدای پرواهمه‌ای به من گفت که اطمینان یافته است قتل پدرمادرم سیاسی بوده است. روز بعد در تماس تلفنی خبر داد که پرونده برای رسیدگی به مرجع دیگری فرستاده خواهد شد.



در طی آن روزها و هفته‌های نخستین در یکایک مراسمی که در سوگ قربانیان برگزار شد هزاران هزار ایرانی گرد آمدند و فریاد اعتراض سر دادند. در روز خاکسپاری پدرمادرم

قتل پدر و مادرم خواهد بود. برایم واضح است که این پرونده‌سازی تاوانی‌ست که برای پافشاری بر یادآوری و دادخواهی به من تحمیل می‌شود و نمونه‌ای‌ست از موارد مشابه افزایش فشار بر مادران و خواهران و بستگان جانبازان جنایت‌های سیاسی که دادخواه و یادآور سرگذشت عزیزانشان بوده‌اند. انگار شرایط موجود مصداق تله‌ای شده است که سرنوشت ما در آن رقم می‌خورد. از خود می‌پرسم ما بازماندگان قربانیان جنایت‌های سیاسی چه حقوق و جایگاهی در جامعه‌ی خود داریم؟ امکان چه واکنشی جز سکوت و تحمل ظلمی که بر ما رفته است برپیمان مانده، آنجا که دادخواهی معنای «تبلیغ علیه نظام» و ... یافته و جرم محسوب می‌شود؟ و آیا مسئولان حکومتی در برابر دادخواهی ما هیچ پاسخی جز مغالطه و تهدید و سرکوب می‌شناسند؟ و با این‌همه همچنان باور دارم که تنها در تداوم ایستادگی و پافشاری بر دادخواهی می‌توانیم به شکستن این تله امید بندیم، و سهم خود را در ساختن زندگی به تحمیل‌های حاکمان و ترس‌ها و ضعف‌های خود وا ندهیم. دادخواهی مسئولیتی‌ست جمعی و مدنی، اما وقتی بار این مسئولیت بر زمین می‌ماند، ضرورت برداشتن آن هم بزرگ‌تر است.

آبان ۱۳۹۶

طناب ضخیم این جنایت‌ها درون این دستگاه حکومتی بسته است. روز چهارشنبه برای تحویل‌گیری پیکر بی‌جان پدرمادرم به پزشک قانونی تهران رفتم. هیچیک از دوستان آنان را که همراه من آمده بودند به درون راه ندادند. مرا به انتهای راهرویی بردند که به حیاط پشتی این اداره ختم می‌شد و آنجا آمبولانسی با در باز منتظر ایستاده بود. سپس پیکر پدرمادرم را روی دو برانکار آوردند که در چند پتوی کهنه پیچیده شده بودند. پتوها را از روی گوشه‌ای از راهرو برداشتم. به اصرار ایستادم که تا زخم‌هایشان را بنبینم تحویل نخواهم گرفت. پس از مدتی جدل بالاخره تنها لحظه‌ای پتوها را کنار زدند تا بدن‌های مثله‌ی پدرمادرم را به فرزندانی نشان دهند. حتی مهلت اشکی یا بوسه‌ای بر زخمی به من ارزانی نشد. برانکارها را از زیر دست‌هایم کشیدند و با عجله به سوی آمبولانس هل دادند و مرا از محوطه بیرون راندند.

در گزارش کتبی پزشک قانونی نوشته شده بود که بر سینه پدرم حداقل یازده ضربه‌ی چاقو و بر سینه مادرم حداقل بیست‌وچهار ضربه چاقو زده‌اند. دوستان پدرم که به هنگام شستن پیکر بی‌جان او حاضر بودند می‌گفتند که دست راستش شکسته بود، ضربه‌ها به پهلویش نیز خورده بود و روی بدنش خون‌مردگی‌هایی

گزارش به ملت؛ در آستانه‌ی چهارمین سالگرد قتل‌های سیاسی آذر ۷۷

غروب یکشنبه یکم آذرماه ۱۳۷۷ از خیرنگار یکی از رادوبوهای فارسی‌زبان خبر حمله به پدرمادرم را دریافت کردم. چند دقیقه بعد از دریافت از دوستان آنان و لابلای حق‌هق گریه‌اش شنیدم که پدرمادرم در حریم خانه‌شان به شیوه‌ی وحشیانه‌ای به قتل رسیده‌اند. خشونت نمایان در این جنایت‌ها چنان تکان‌دهنده بود که از همان ابتدا سلیلی از توصیف‌های جانخراش در بیان چگونگی دو قتل در رسانه‌ها و نیز زبان به زبان پخش شد.

غروب یکشنبه یکم آذرماه ۱۳۷۷ از خیرنگار یکی از رادوبوهای فارسی‌زبان خبر حمله به پدرمادرم را دریافت کردم. چند دقیقه بعد از دریافت از دوستان آنان و لابلای حق‌هق گریه‌اش شنیدم که پدرمادرم در حریم خانه‌شان به شیوه‌ی وحشیانه‌ای به قتل رسیده‌اند. خشونت نمایان در این جنایت‌ها چنان تکان‌دهنده بود که از همان ابتدا سلیلی از توصیف‌های جانخراش در بیان چگونگی دو قتل در رسانه‌ها و نیز زبان به زبان پخش شد.

به زودی عازم تهران هستم تا یکم آذرماه در سالگرد قتل پدر و مادرم، یاد آن دو را در خانه و قتلگاه‌شان گرامی بدارم و برحق بزرگداشت و دادخواهی قربانیان سرکوب سیاسی پافشاری کنم. مانند هر سال نیز به همراهی‌ها و همدلی‌های کسانی که به حقانیت این راه باور دارند امید بسیار می‌بندم. در رابطه با ممنوعیتی که سال‌هاست بر این بزرگداشت تحمیل می‌شود

پرستو فروهر - سالگرد پیش‌رو امکانی‌ست در یادآوری دادخواهی ناتمام این جنایت‌های سیاسی و پافشاری بر پیشبرد آن، و فرصتی‌ست برای گرامی‌داشت یاد جان‌باختگان این جنایت‌ها: پروانه فروهر، دیوش فروهر، محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، مجید شریف، پیروز دوانی، حمید حاجی‌زاده و فرزند خردسالش کارون.

بی‌شک دادخواهی جنایت‌های سیاسی نیازمند کوششی جمعی و پی‌گیر است که نمی‌تواند در برپایی سالگردها خلاصه شود، اما می‌توان از بار عاطفی و نمادین چنین مناسبت‌هایی مدد جست تا با صیقل و محافظه و وجدان جمعی و یادآوری مسئولیت مدنی و اخلاقی در برابر سرکوب دگراندیشان به همبستگی اجتماعی لازم برای پیشبرد دادخواهی نزدیک‌تر شد.

در شرایط کنونی که همچنان بستر جمعی لازم برای پیشبرد دادخواهی موجود نیست، تلاش ما که به به حقانیت دادخواهی باور داریم، به یادآوری فاجعه و تکرار خواسته‌های روی‌دست‌مانده و پافشاری بر حق‌های به‌دست‌نیامده محدود می‌ماند. این دور تکرار اگرچه گاه فرساینده و نفس‌گیر می‌شود اما بازگویی را به ابزاری ممکن بر علیه فراموشی و بی‌تفاوتی بدل می‌کند، روایت رسمی قدرت را از تاریخ به چالش می‌کشد و استقامت را تداوم می‌بخشد.

سال‌ها پیش متنی نوشتم با عنوان «گزارش به ملت» که روایت تلاش ما بازماندگان قربانیان قتل‌های سیاسی آذر ۷۷ در جریان دادرسی قضایی این جنایت‌هاست. این متن را برای یادآوری پیوست می‌کنم به این امید که بیشتر خوانده شود، نمایانگر حقانیت ما در این راه دشوار باشد، و انگیزه‌ها را برای همراهی با این دادخواهی ناتمام بیش از پیش تقویت کند.

به زودی عازم تهران هستم تا یکم آذرماه در سالگرد قتل پدر و مادرم، یاد آن دو را در خانه و قتلگاه‌شان گرامی بدارم و برحق بزرگداشت و دادخواهی قربانیان سرکوب سیاسی پافشاری کنم. مانند هر سال نیز به همراهی‌ها و همدلی‌های کسانی که به حقانیت این راه باور دارند امید بسیار می‌بندم. در رابطه با ممنوعیتی که سال‌هاست بر این بزرگداشت تحمیل می‌شود



پیروز دوانی



حمید حاجی‌زاده و پسرش کارون



مجید شریف



محمد مختاری



محمد جعفر پوینده



جدید این پرونده به تکرار سوال‌ها و اعتراض‌هایمان پرداختم. وی نیز تنها به تکرار گفته‌های مسئول قبلی اکتفا کرد و گفت که پافشاری دستگاه قضایی در کشف حقایق از ما بیشتر است! او نیز به بهانه‌ی حفظ امنیت ملی هیچ پاسخی به من نداد ولی گفت که پایان تحقیقات و تشکیل دادگاه نزدیک است. در مورد سندها و نوشتارهایی که از خانه‌ی پدرمادرم غارت شده بود دوباره شکایت‌نامه‌ی کتبی به او نوشتم که نتیجه‌ی این پیگیری نیز هیچ‌گاه به ما اعلام نشد. سرانجام پس از نزدیک به دو سال زمینه‌چینی‌های پشت‌پرده و موضع‌گیری‌های ضدونقیض از سوی مسئولان، اعلام پایان تحقیقات و تشکیل دادگاه در شرایطی انجام شد که اندک آزادی‌های مطبوعات در ایران بیش از پیش محدود شده بود و با یورش‌های پیاپی به معترضان جو ترس و سرخوردگی از بیان سؤال‌ها و تردیدها بیش از پیش مسلط گشته بود. این شرایط زمینه‌ی آماده‌ی بود تا با تحمیل برداشتی تحریف‌آمیز و محدودکننده از گستره و عمق این جنایت‌ها، نمایشی زیر نام دادرسی به صحنه آورند.

با این پرونده از همینجا نمایان بود که از یک سو گستره‌ی جنایتکاران و بستر فکری و سازمانی این جنایت‌ها را به عده‌ای خودسر و عملیات محفلی آنان محدود جلوه می‌دادند و از سوی دیگر از پاسخگویی به پرسش‌های مطرح در جامعه به بهانه‌ی دفاع از امنیت ملی طفره می‌رفتند. پس از اعلام ارجاع پرونده به دادرسی نظامی اعتراضات حقوقی به این روند غیرقانونی ثمری نداشت و مسئولان قضایی دلیل این ارجاع را موارد مشابه و مدارک کشف شده در تحقیقات عنوان کردند، بدون آنکه هیچ توضیحی در این باره بدهند. تمامی پرسش‌های ما و وکلای ما درباره‌ی تحقیقات نیز علیرغم حق قانونی‌مان در آگاهی از روند تحقیقات با سد سکوت آنان روبرو شد. در تابستان ۷۸ پس از اعلام مرگ سعید امامی (او سال‌ها معاون وزیر اطلاعات و به هنگام وقوع قتل‌ها مشاور وزیر بود) یکی از متهمان پرونده در زندان، به ایران آمدم تا شاید از مسئولان پرونده برای انبوه سؤال‌های خود پاسخی دریافت کنم. اما در مراجعه‌های پیاپی به دادستانی نظامی تنها پاسخی که شنیدم این بود که تحقیقات ادامه دارد و دستگاه

وقتی که تابوت‌های آنان، پیچیده در پرچم سه رنگ، بر زمین میدان بهارستان نهاده شد تا شادروان دکتر سحلی بر پیکر آنان نماز بخواند، جمعیت همچون دریایی از خشم و عزا پشت سر او موج می‌زد. در این روز پس از سال‌ها دوباره فریاد مرگ بر استبداد در تهران پیچید. آذر ۷۷ را می‌توان بی‌شک نقطه‌ی عطفی در واکنش مردمی در دفاع از حقوق دگراندیشان در ایران دانست. در این روزهای تلخ علیرغم موج ترس، وجدان زخم‌خورده‌ی ملت بانگ فریاد برآورد و شرمسار از ستمی که بر دگراندیشان در ایران رفته بود پرچم دادخواهی برافراشت.

جمعیه آذر ۷۷ ابعاد اعتراض را شکست و از اعلامیه‌ها، مصاحبه‌ها و یا کردارهای اعتراضی بیرون از کشور به درون توده‌ی مردم در خیابان‌های ایران کشاند. این تلاش مردمی در ایران، از همان نخستین لحظه‌های پخش خبر قتل فروهرها با موج خشم و اعتراض در سطح جهانی، چه از سوی ایرانیان مقیم خارج و چه از سوی افکار عمومی دیگر کشورها، سیاستمداران و سازمان‌های مدافع حقوق بشر همراه شد و سبب گشت که در واکنش به این اعتراض فراگیر

داشت، که هیچیک در گزارش پزشک قانونی ذکر نشده بود. هفت روز بعد خانه پدرمادرم را که از روز کشف جنایت به بهانه‌ی انگشت‌نگاری و ردیابی قاتلان اشغال کرده بودند، به ما تحویل دادند. ردپای کینه بر این خانه نیز داغ زده بود. انگار همه‌چیز در گرداب وحشی‌گری چرخیده و بلعیده شده بود. مأموران کلانتری که مسئول تحویل‌خانه به ما بودند در مقابل سؤال‌های ما که چرا این خانه اینگونه به هم ریخته و غارت شده است، جوابی نداشتند و با شرمساری تکرار می‌کردند که فقط مسئول تحویل‌اند. قاضی پرونده نیز تنها به قبول شکایت رسمی ما از وضعیت خانه اکتفا کرد و هیچ توضیحی نداد.

این تصویر پایان زندگی دیوش و پروانه فروهر است. جسم‌سالم‌خورده‌شان مثله شد و تاریخ و هویت زندگی‌شان به غارت رفت ... اما آنچه از خود بر جای نهادند پژواک فریاد آزاده‌شان بود که میهن محبوبشان را لرزاند، و خون دامنگیرشان که داغ ننگ ابدی بر ستمکاران زد. در روزهای بعد، گرداب حریص فاجعه قربانیان دیگر گرفت. پیکر بی‌جان مجید شریف، محمد مختاری

در آن غروب فرزندانم بیتاب زاری می‌کردند، برادرم مشت و سر بر دیوار می‌کوفت و هر صدایی که به گوشمان می‌رسید با گریه و دشنام همراه بود. شانه‌هایمان همگی زیر آوار این فاجعه‌ی انسانی می‌شکست. غروب سه‌شنبه سوم آذرماه هنگام ورود به تهران در فرودگاه مهرآباد، در صف کنترل گذرنامه، غریبه‌ای با چشمانی به اشک نشسته آرام به من نزدیک شد و نجوا کرد: «مطمئن باشید که کار خودشان است»

در تهران ما روند عادی شکایت قضایی را پیش گرفتیم. ابتدا در اداره آگاهی بارها و بارها تکرار کردیم که شایعاتی که از برخی مطبوعات پخش می‌شود و قاضی پرونده نیز تکرار می‌کرد، خلاف واقعیت‌اند. به تکرار گفتیم دیوش و پروانه فروهر دشمنان شخصی نداشتند، آن‌ها مال و اموالی نداشتند که طمع کسی را برانگیزد، کردها دشمنان آنان نبودند بلکه عزیزترین دوستانشان بودند، که از میان باران قدیمی آن‌ها در حزب ملت ایران کسی از سر رقابت گروهی آن‌ها را نکشته است. و جملگی به آن‌ها را نکرده‌ایم که زندگی گروهی و پروانه فروهر تحت کنترل دائمی دستگاه اطلاعاتی بوده است و سر

چند ماه پیش از طریق وکیل شکایتی به کمیسیون اصل نود مجلس کردم. پیگیری‌های او هنوز به نتیجه نرسیده است. در سفر پیش رو این شکایت را نیز دنبال خواهیم کرد. پیگیری قضایی دستبرد و تخریب خانه پدر و مادرم، که مکان یادآوری مبارزه و قتل سیاسی آنهاست، با وجود تلاش‌های وکیلانم و ارائه‌ی شواهد روشنگر به دادگاه، و با وجود نقض‌های بدیهی در تحقیقات و تناقض‌های آشکار در بازجویی‌های ثبت شده در پرونده، به صدور یک رأی بی‌پایه و پوشالی از سوی دادگاه انجامید که به معنای بن‌بست دادرسی خواهد بود. اگر راهی برای پیگیری باشد، این پرونده را نیز پی خواهیم گرفت. اگر نه آن را نیز بار دیگر مصداق این برداشت می‌گیرم که بنا نیست دستگاه قضایی جمهوری اسلامی دادرسی پایمال شدن حقوق ما باشد.

آن پرونده قضایی که در پی شکایت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی از من در سال گذشته ساخته و پرداخته شد، اما بر وفق مراد «شاک» به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب ارجاع شده تا مرا به «اتهام» «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقدسات» محاکمه کند. نشست این دادگاه نیز سه روز پس از سالگرد



گفتگو با محسن سازگارا:

## بوی یک جنگ تازه با ابعاد گسترده می آید



تصویر راست: فرزانه روستا و تصویر چپ: سیدمحمد مهدی جعفری

### جمهوری اسلامی بزرگترین شبکه جنگ‌های نامتقارن دنیا را درست کرده

این عضو پیشین سپاه پاسداران در پاسخ به این سوال که پیش‌بینی رسانه‌های خارجی مبنی بر آغاز «جنگ سوم خلیج فارس» تا چه اندازه محتمل است گفت: «اگر منظور از جنگ سوم به معنای آن است که آمریکا مستقیم وارد شود گمان نمی‌کنم که ارتش آمریکا وارد شود، اما اولویت اول آنهاست که راه



محسن سازگارا

ارسال سلاح به یمن بسته شود. قبلاً هم ژنرال ماتیس وزیر دفاع ایالات متحده گفته بود که ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا مستقر در بحرین توانایی بستن راه ارسال اسلحه به یمن را دارد، محاصره یمن نوعی اعلام جنگ است. گرچه ایران از مدت‌ها قبل ده‌ها موشک و هواپیمای بدون سرنشین (پهپاد) و بمب‌های کنار جاده‌ای منتقل کرده است. بر این اساس امکان دارد آمریکا همکاری کند. خطر اینجاست که اگر حوثی‌ها حجم زیادی موشک به سمت عربستان شلیک کنند ارتش این کشور و اسرائیل وارد نبرد هوایی می‌شوند و نیروی هوایی هر دو کشور از ایران قوی‌تر است و امکان این را دارند که پایگاه‌ها، نیروگاه‌ها و مراکز انرژی ما را بزنند».

### اگر اسرائیل درگیر شود آمریکا پشتیبانی خواهد کرد

محسن سازگارا، تحلیلگر مسائل سیاسی در گفتگو با کیهان لندن درباره وقایع اخیر منطقه می‌گوید: «ماجرای حمله به حزب‌الله جدی است و از تحریم‌های آمریکا در کنگره شروع شد و اعلام شد که حزب‌الله بازوی فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی است. موشکی که از یمن پرتاب شد اخطار ایران به عربستان بود که اگر بخواهند با حزب‌الله برخورد کنند برای‌شان گران تمام خواهد شد و شنیدیم که پشت پرده نیز ایران به عربستان پیغام داده که در این ماجرا پشت این گروه خواهد بود».

سازگارا ادامه داد: «خروج اتباع عربستان و امارات و کویت و ممنوع شدن سفر به لبنان مجموعه تحولاتی است که بوی جنگ می‌دهند و به نظر می‌رسد اخطار جمهوری اسلامی با شلیک موشک از طرف حوثی‌ها تأثیری روی عربستان نگذاشته است و اسرائیل هم از عربستان حمایت می‌کند و احتمال درگیری آنها با حزب‌الله بسیار بالاست و اگر اسرائیل درگیر شود آمریکا پشتیبانی خواهد کرد و باید دید جمهوری اسلامی تهدیدی را که علیه عربستان کرده عملی می‌کند یا نه».

این تحلیلگر سیاسی عنوان کرد: «ایران عربستان را تهدید کرده که در صورت حمله به حزب‌الله از طرف یمن خاک این کشور را هدف موشک قرار خواهد داد، معتقدم جنگ جدید در خاورمیانه ممکن است ابعادی داشته باشد که قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است شدیدتر از آنی باشد که

حسین شریعتمداری کیهان را بر بدنه خود دارد. این در حالی است که همه اخبار حول و حوش ایران حاکی از آماده شدن ائتلاف عربستان، تل‌آویو و کاخ سفید برای تحمیل یک جنگ خانمان‌سوز دیگر به ایران هستند».

او نوشته «هیچ منبع مستقلاً نمی‌تواند اثبات کند موشکی که به سوی فرودگاه ملک خالد ریاض شلیک و رهگیری شد از طرف ایران به حوثی‌های یمن داده شده است. حداکثر می‌توان با شکایت ایران یا عربستان سعودی یک کمیته تحقیق بین‌المللی تشکیل شود تا پیرامون



قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس در سوریه

موضوع تحقیق کند. اما موضع‌گیری روزنامه کیهان که به صراحت مسوولیت موشک شلیک شده به فرودگاه ریاض را به عنوان نماینده رهبر ایران رسماً بر عهده گرفته است در دادگاه‌های نظامی فوق‌العاده مورد رسیدگی فوری قرار می‌دهد».

### اگر اسرائیل درگیر شود آمریکا پشتیبانی خواهد کرد

محسن سازگارا، تحلیلگر مسائل سیاسی در گفتگو با کیهان لندن درباره وقایع اخیر منطقه می‌گوید: «ماجرای حمله به حزب‌الله جدی است و از تحریم‌های آمریکا در کنگره شروع شد و اعلام شد که حزب‌الله بازوی فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی است. موشکی که از یمن پرتاب شد اخطار ایران به عربستان بود که اگر بخواهند با حزب‌الله برخورد کنند برای‌شان گران تمام خواهد شد و شنیدیم که پشت پرده نیز ایران به عربستان پیغام داده که در این ماجرا پشت این گروه خواهد بود».

سازگارا ادامه داد: «خروج اتباع عربستان و امارات و کویت و ممنوع شدن سفر به لبنان مجموعه تحولاتی است که بوی جنگ می‌دهند و به نظر می‌رسد اخطار جمهوری اسلامی با شلیک موشک از طرف حوثی‌ها تأثیری روی عربستان نگذاشته است و اسرائیل هم از عربستان حمایت می‌کند و احتمال درگیری آنها با حزب‌الله بسیار بالاست و اگر اسرائیل درگیر شود آمریکا پشتیبانی خواهد کرد و باید دید جمهوری اسلامی تهدیدی را که علیه عربستان کرده عملی می‌کند یا نه».

این تحلیلگر سیاسی عنوان کرد: «ایران عربستان را تهدید کرده که در صورت حمله به حزب‌الله از طرف یمن خاک این کشور را هدف موشک قرار خواهد داد، معتقدم جنگ جدید در خاورمیانه ممکن است ابعادی داشته باشد که قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است شدیدتر از آنی باشد که

● سازمان ملل اعلام کرده افزایش تنش بین عربستان و لبنان بسیار نگران کننده است.

● در ایران شهروندان نگران آغاز جنگ هستند و تحلیلگران یک جنگ احتمالی را «مهیب» و «خانمان‌سوز» می‌دانند.

● محسن سازگارا می‌گوید اگر حزب‌الله را بزنند، شبکه عظیم ۲۰۰ هزار نفری سپاه در منطقه فعال خواهد شد.

حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در یک پیام تلویزیونی که عصر جمعه دهم نوامبر پخش شد گفته است عربستان سعودی با حمایت اسرائیل به دنبال آغاز یک جنگ خونین علیه حزب‌الله است.

به گزارش وبسایت روزنامه اسرائیلی هآرتس، نصرالله تأکید کرده استغفای الحریری مداخله بی‌سابقه عربستان در سیاست لبنان است و او باید به کشور بازگردد.

آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل گفته افزایش تنش بین عربستان و لبنان بسیار نگران کننده است

## آهنگساز آمریکایی از شعرهای فروغ فرخزاد الهام می‌گیرد



سمت راست، عقب و سمت چپ نیاز داریم. امید من آن است که شما با نشستن در وسط این نواها و آواها صدا را بشنوید اما ندانید از کدام سو می‌آید. هماهنگی این کار بسیار دشوار و پراز و رمز است.

● چه چیز سبب شد که شما این طرح را اجرا کنید؟ فکر می‌کنید باین اجرای چه دستاوردی خواهید داشت؟ — اولین بار که کتاب شعر فروغ را خواندم یک آوای دسته‌جمعی به گوش‌ام آمد. به این فکر افتادم باید کاری کنم که این احساس به واقعیت بپیوندد. شما شعری را می‌خوانید و لذت خواندن را احساس می‌کنید ولی همین که شعر با موسیقی در هم می‌آمیزد احساس کاملاً جداگانه‌ای به شما دست می‌دهد که یک دنیا با خواندن معمولی شعر فاصله دارد. ولی گمان نمی‌کنم که تعداد زیادی از آدم‌ها به این واقعیت پی برده باشند.

پرنده گفت: «چه بویی، چه آفتابی، آه بهار آمده است  
«و من به جستجوی جفت خویش خواهم رفت»

پرنده از لب ایوان پرید، مثل پیامی پرید و رفت  
پرنده کوچک بود  
پرنده فکر نمی‌کرد  
پرنده روزنامه نمی‌خواند  
پرنده قرض نداشت  
پرنده آدم‌ها را نمی‌شناخت  
پرنده روی هوا  
و بر فراز چراغ‌های خطر  
در ارتفاع بی‌خبری می‌پرید  
و لحظه‌های آبی را  
دیوانه‌وار تجربه می‌کرد  
پرنده آه، فقط یک پرنده بود.

● آیا آثار فروغ در شما به عنوان یک هنرمند در کارتان تأثیری داشت؟ — بلی، از بسیاری جهات تأثیر داشت. یک چیز در من نه به عنوان هنرمند بلکه یک یهودی اثر فراوانی داشت. فیلمی به نام «شب و مه» وجود دارد. این فیلم ده سال پس از پایان جنگ جهانی دوم ساخته شده بود. سازنده‌ی آن، فیلم‌های اصلی و واقعی نازی‌ها را که در اردوگاه‌های اسیران برداشته شده بود، با فیلم‌هایی که آمریکاییان هنگام آزاد ساختن اسیران اردوگاه‌ها برداشته بودند، به دست آورد و پس از پایان جنگ، فیلمی از این مستندات تهیه کرد. این فیلم نیم ساعت طول می‌کشید ولی من هرگز آمادگی تماشای آن را نیافتم. هنگامی که درباره‌ی فروغ مطالعه می‌کردم به این نکته برخورد کردم که فروغ

این فیلم ده سال پس از پایان جنگ جهانی دوم ساخته شده بود. سازنده‌ی آن، فیلم‌های اصلی و واقعی نازی‌ها را که در اردوگاه‌های اسیران برداشته شده بود، با فیلم‌هایی که آمریکاییان هنگام آزاد ساختن اسیران اردوگاه‌ها برداشته بودند، به دست آورد و پس از پایان جنگ، فیلمی از این مستندات تهیه کرد. این فیلم نیم ساعت طول می‌کشید ولی من هرگز آمادگی تماشای آن را نیافتم. هنگامی که درباره‌ی فروغ مطالعه می‌کردم به این نکته برخورد کردم که فروغ

این فیلم ده سال پس از پایان جنگ جهانی دوم ساخته شده بود. سازنده‌ی آن، فیلم‌های اصلی و واقعی نازی‌ها را که در اردوگاه‌های اسیران برداشته شده بود، با فیلم‌هایی که آمریکاییان هنگام آزاد ساختن اسیران اردوگاه‌ها برداشته بودند، به دست آورد و پس از پایان جنگ، فیلمی از این مستندات تهیه کرد. این فیلم نیم ساعت طول می‌کشید ولی من هرگز آمادگی تماشای آن را نیافتم. هنگامی که درباره‌ی فروغ مطالعه می‌کردم به این نکته برخورد کردم که فروغ

این فیلم ده سال پس از پایان جنگ جهانی دوم ساخته شده بود. سازنده‌ی آن، فیلم‌های اصلی و واقعی نازی‌ها را که در اردوگاه‌های اسیران برداشته شده بود، با فیلم‌هایی که آمریکاییان هنگام آزاد ساختن اسیران اردوگاه‌ها برداشته بودند، به دست آورد و پس از پایان جنگ، فیلمی از این مستندات تهیه کرد. این فیلم نیم ساعت طول می‌کشید ولی من هرگز آمادگی تماشای آن را نیافتم. هنگامی که درباره‌ی فروغ مطالعه می‌کردم به این نکته برخورد کردم که فروغ

نکات دیگری هم وجود دارد که البته این گمان را از بین نمی‌برد ولی شما را به سوی مفاهیم دیگری می‌برد که با آن هماهنگ، هم‌آوا و هم‌ساز نیست. بنابراین به آنچه می‌شنوید صد درصد اطمینان ندارید.

من فروغ و شعر او را به این صورت می‌شناسم و ساخته‌ی خود را «پرنده‌گان فروغ» نامیده‌ام به خاطر اینکه در تمام اشعار او تصویری از پرنده احساس می‌شود. البته این عنوان را می‌توان به «پرنده‌ی افروخته» نیز تغییر داد. در شعر فروغ آثاری از غم و اندوه و ملال وجود دارد ولی به نظر من شعر او غمی‌تر و پیچیده‌تر از اینهاست. وی به نحو غیرقابل‌تصوری زندگی درونی غمی و پیچیده‌ای داشته و این کیفیت در شعر او احساس می‌شود.

● چگونه با شعر فروغ فرخزاد آشنا شدید؟ — برای توضیح درباره‌ی آشنایی من با شعر فروغ باید ابتدا درباره‌ی فرا گرفتن زبان فارسی خود صحبت کنم. یک سال و نیم پیش یکی از دوستانم، دوست دختری ایرانی بود و فارسی یاد می‌گرفت. از من خواست که من هم به فرا گرفتن این زبان بپردازم. من با تمام وجود عاشق این زبان و بخصوص نحوه‌ی تکلم آن شدم. به نظر واقعا می‌شد این زبان را یاد گرفت و خوب هم در آن پیشرفت کردم. من دوستان و شاگردان ایرانی بسیاری داشتم. همه از اینکه به فرا گرفتن فارسی پرداخته‌ام شگفت‌زده شدند. چنین به نظر می‌رسید که این گروه مرا از خود دانسته و خانواده‌ای در کنار و اطراف من به وجود آورده‌اند.

سپس در ماه ژانویه گذشته درست پس از موضوع محدودیت ورود به آمریکا، کنسرتی در دانشگاه بوستون اجرا شد که حمید خنجی چند قطعه با الهام از شعر فروغ ساخته بود. من درباره‌ی این شاعر و اشعارش مطالعه کردم و بر آن شدم که درباره‌ی او اطلاعات بیشتری به دست بیاورم زیرا شما هرگز درباره‌ی زنی هنرمند از نسل او چیزی نمی‌شنوید. در شعر او تأثیری هست که مستقیم بر دلم نشست.

هر فیلم مستند، هر مصاحبه و هر آنچه می‌توانستم درباره‌ی فروغ به دست آوردم پیدا کردم و خواندم. بعد شروع به خواندن اشعار او و هر کتابی که درباره‌ی او نوشته شده بود، کردم. در همان زمان سفارش ساختن آهنگی که معمولاً به وسیله‌ی دوازده نفر با صداهای مختلف خوانده می‌شود به من داده شد. پیش خودم گفتم، چند شعر از فروغ را در این قطعه آهنگ به‌کار خواهم برد. با رهبر گروه کر صحبت کردم. گفت که قبلاً آواز فارسی در برنامه‌های خود داشته و از این پیشنهاد من خیلی استقبال شد. من هم سه شعری را که عاشق‌شان هستم انتخاب کردم. این اشعار جنبه‌ی گفتگو دارد و بین آنها رابطه‌ای هست که آنها را به هم پیوند می‌زند؛ شاید خود فروغ از وجود آن آگاهی نداشت و نمی‌دانست که چنین رابطه‌ای وجود دارد.

### فروغ را به عنوان یک انسان و یک شاعر چگونه توصیف می‌کنید؟

— درباره‌ی فروغ سه یا چهار کتاب نوشته شده و همه او را موجودی غمگین و سرشار از اندوه توصیف کرده‌اند. من مصاحبه‌ای را با فروغ تماشا کردم. در این گفتگوها فروغ می‌درخشید. اگر بگویم که او بسیار زیبا بود قدمد این نیست که مثلاً شما در کوچه و بازار زنی را می‌بینید و می‌گویید این زن چه زیباست! به نظر من شعر او پرتوی از یک روشنایی تصورناپذیر در یک تاریکی تصورناپذیر دارد و درون او و چگونگی تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر است که من تلاش می‌کنم آن را در موسیقی به وجود آورده و نشان دهم. شما در موسیقی من نوعی هماهنگی می‌شنوید و پیش خود گمان می‌کنید قابل درک است و سپس متوجه می‌شوید که

سفری که به من داده شده تنظیم آنک‌های کوتاه است. به این دلیل من اشعار کوتاه را انتخاب کردم: «پرنده فقط یک پرنده بود»، «هدیه» و «دل‌م گرفته است».

فضایی که برای اجرای این نمایش در نظر گرفته شده کلیسایی است که فضای کافی دارد. مدیر گروه همخوانان گفته که خواهان آن است که کنسرت را در جایی برگزار کند که بتواند خوانندگان را در نقاط مختلف سالن جای دهد که شما نتوانید تشخیص دهید صدا از کدام سو می‌آید. وقتی وی این مطلب را برایم گفت من بلافاصله به فکر کاری که در پیش دارم افتادم. برای اجرای نخستین شعر، «دل‌م گرفته است»، به چهار گروه خواننده سه‌نفری در جلو،



## زنان شاخص

### گلچهره سجادیه

(۱۳۳۳- اراک)



گلچهره سجادیه بازیگر تئاتر، سینما، تلویزیون ایرانی است. این بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون پس از اتمام تحصیلات متوسطه در رشته تئاتر دانشگاهی ادامه تحصیل داد. فعالیت هنری را از ۲۰ سالگی در عرصه تئاتر آغاز کرد. در نمایش‌های جادوگران شهر سلیم و خانه برنارد آلبا به روی صحنه رفت و نمایش «بازگشتی نیست» را کارگردانی کرده است. در ۲۳ سالگی برای نخستین بار در فیلم «کلاغ» ساخته بهرام بیضایی ایفای نقش نمود. بعد از فیلم‌های «موج طوفان» منوچهر احمدی، «ایستگاه» یدالله صمدی و «سفر عشق» ابوالحسن داودی، با فیلم «دندان مار» ساخته مسعود کیمیایی در سال ۱۳۶۸ در حالیکه پنجمین فیلم سینمایی‌اش را تجربه می‌کرد تبدیل به یکی از بازیگران مطرح شد که این همکاری در فیلم‌های «گروهان» و «ردپای گرگ» با کیمیایی ادامه پیدا کرد. از افتخارات او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### بلوغ زودرس سراغ کدام کودکان می‌رود؟

اگر کودک تان علاقه من به دوش گرفتن و استفاده از شامپوست مراقب باشید. مواد شیمیایی موجود در قوطی های کنسرو خوراکی، لاک ناخن و شامپوها می‌توانند سبب بلوغ زودرس در دختران شود و خطر ابتلا به سرطان و دیابت را در آنها افزایش دهند.

**مصرف گوشت زیاد**  
برای سلامت فرزند تان هم که شده، رژیم غذایی متنوعی را در خانه اجرا کنید و دست از مصرف پی در پی گوشت بردارید، زیرا محققان می‌گویند مصرف زیاد گوشت می‌تواند موجب بروز بلوغ زودرس در دختران شود. به گزارش بی بی سی، دخترانی که در دوران کودکی زیاد گوشت می‌خورند، زودتر از دیگر دختران، بالغ می‌شوند. محققان می‌گویند اگر در ۳ سالگی کودکی بیش از ۸ نوبت در هفته و در ۷ سالگی، ۱۲ نوبت در هفته گوشت مصرف کند، زودتر از همسالانش بالغ می‌شود.

به ظاهر شدن علائم بلوغ از جهت فیزیکی و هورمونی در دختران قبل از سن ۸ سالگی و در پسران قبل از سن ۹ سالگی بلوغ زودرس اطلاق می‌گردد. در ابتدا این کودکان بلندتر از همسن های خود هستند. ولی بدلیل بلوغ زودرس استخوانها، در نهایت قد کوتاه تری در بلوغ خواهند داشت. علائم بلوغ در دختران با بزرگ شدن پستانها و شروع پرپود ماهانه ظاهر شده و در پسران با افزایش شهوت که بصورت اختلالات رفتاری تظاهر می کند آغاز می شود.

### عوامل موثر در بلوغ زودرس اضافه وزن

وزن یکی از عواملی است که ورود بلوغ را باعث می‌شود. طبق آماری که در ایران وجود دارد شروع بلوغ در دختران حدود ۱۳۰ سانتی‌متر قد و متوسط وزن ۳۴-۳۳ کیلوگرم و سن استخوانی حدود ۹ سال را شامل می‌شود. این وزن یک علامت است که با رسیدن فرد به آن می‌توان انتظار بلوغ را داشت، هر چند الزامی وجود ندارد و ممکن است فردی با وزن ۵۰ کیلوگرم هنوز به بلوغ نرسیده باشد اما زمان شروع عادت ماهانه در دخترانی که وزنشان بیش از ۳۰ درصد وزن طبیعی آنهاست و نسبتاً چاق هستند، زودتر از حد میانگین است. تاخیر در شروع دوره قاعدگی، در کودکان مبتلا به سوء تغذیه شدید هم شایع است. در کشورهای اروپایی با تغذیه مناسب هر ۱۰ سال دوره عادت ماهانه ۳ ماه زودتر اتفاق می‌افتد.

اضافه وزن در دختران، احتمال بلوغ زودرس را افزایش می‌دهد ولی این رابطه در پسران حالت عکس دارد و لاغری مفرط، باعث افزایش احتمال بلوغ زودرس می‌شود.

### پول توجیبی زیاد

اگر می‌خواهید از بلوغ زودرس فرزندتان جلوگیری کنید به او کمتر پول توجیبی بدهید. تحقیقات نشان داده اسکناکس و فاکتورهای خرید فروشگاه‌ها نوعی ماده شیمیایی به نام بیسفنول در خود دارند که می‌تواند سلامت کودکان را به خطر بیندازد. به گزارش دیلی میل، این ماده خطرناک با بروز سرطان و بلوغ زودرس ارتباط دارد.

### سیگار کشیدن مادر

مادران باردار، باید به دلایل بسیار سیگار اترک کنند و یکی از مهمترین این دلایل، ابتلای فرزندشان به بلوغ زودرس است. محققان می‌گویند دختران مادرانی که هر روز حداقل ۱۰ نخ سیگار طی دوره بارداری می‌کشند، ۳ تا ۴ ماه زودتر از مادران غیرسیگاری بلوغ را تجربه می‌کنند. از آنجا که بلوغ زودرس می‌تواند خطر ابتلا به بیماری های قلبی، سرطان سینه و حتی مشکلات تنفسی مانند آسم را به دنبال داشته باشد،

### علاقه ی زیاد به حمام



### یائسگی زودرس در کمین چه زنانی است؟

زنانی که در سن جوانی خود یا در اواسط دهه ۳۰ سالگی اندام بیش از حد لاغری داشته باشند نسبت به زنانی که لاغر یا دارای وزن عادی هستند، بیشتر در معرض خطر یائسگی زودرس می‌باشند. یائسگی به شکل طبیعی قبل از سن ۴۵ سالگی است که با ریسک بالای بیماری قلبی-عروقی و سایر مشکلات سلامت نظیر زوال شناختی، پوکی استخوان و مرگ زودهنگام مرتبط است. نتایج محققان دانشگاه پزشکی ماساچوست نشان می‌دهد: زنانی که در هر سنی بیش از اندازه لاغر هستند، یعنی شاخص توده بدنی (BMI) کمتر از ۱۸.۵، در معرض ریسک بالای یائسگی زودرس در مقایسه با زنان لاغر یا دارای وزن نرمال، یعنی BMI بین ۱۸.۵ تا ۲۲.۴ هستند. زنان با BMI پایین تر از ۱۸.۵ در سن ۳۵ سالگی، با BMI بین ۲۵ تا ۲۹.۹ در مقایسه با زنان با وزن عادی، ۲۱ تا ۳۰ درصد کمتر در معرض ریسک یائسگی زودرس قرار دارند. زنان با وزن بیش از حد پایین در سن ۱۸ سالگی که BMIشان کمتر از ۱۷.۵ باشد ۵۰ درصد بیشتر در معرض یائسگی زودرس قرار دارند. کاتلین سگدا، سرپرست تیم تحقیق، در این باره می‌گوید: «یافته‌های ما نشان می‌دهد وزن بیش از اندازه پایین بر زمان یائسگی تاثیر دارد و این مسئله توسط ۱۰ درصد زنان تجربه می‌شود.»

این مطالعه، محققان حدود ۸۰ هزار زن بین دختران شان به سنین ۲۵ تا ۴۲ سال را بررسی و ویزن برد که همراه بیابورد. معادل فارسی آن را کردند.

اما محققان می‌گویند این اتفاق علاوه بر تمام پیامدهایی که دارد، سیستم هورمونی دختران را به هم می‌ریزد و آنها را با مشکل بلوغ زودرس دچار می‌کند. علل بلوغ زودرس محیطی **در پسران:**  
- انواع هیپریلازی مادرزادی آدرنال (بزرگ شدن مادرزادی غده قوق کلیه) از نوع کمبود- ۲۱ هیدروکسیلاز و کمبود ۱۱-هیدروکسیلاز از علل نسبتاً شایع تر بلوغ زودرس محیطی هستند.



باز بچه‌ی دست زمان / در این دنیا ماندم چنان افسرده و حیران / سرگشته و حیران چون آدمک زنجیر / بر دست و پایم از پنجه‌ی تقدیر / من کی رهایم؟ ای که تو دادی جانم / گو به من تا کی بمانم آدمی چون آدمک / مخلوقی سرگردان ای که تو دادی جانم / گو به من تا کی بمانم آدمی چون آدمک / مخلوقی سرگردان چون آدمک زنجیر / بر دست و پایم از پنجه‌ی تقدیر / من کی رهایم؟



لعبت والا

### چگونه تابلوی آرزوها بسازیم؟

داشته باشید. شما می‌توانید یک تابلو برای اهداف خاص خود داشته باشید. به طور مثال درباره اینکه می‌خواهید توانایی رفتن به یک سفر رویایی را داشته باشید یا بتوانید به خانهای با طراحی جاماکیایی دست یابید. می‌توانید تابلوهایی با اهداف کلی تهیه کنید. این اهداف می‌تواند بنا به صلاحدید شما شامل اینکه می‌خواهید بچه‌دار شوید یا نه هم باشد. با این روش می‌توانید حتی وارد جزئیات هم بشوید. رویاهای شما می‌تواند روی این رویا گسترده‌تر شود و تصاویری از آنچه شما را برای رسیدن به اهدافتان مصر می‌کند را نیز شامل شود. برای تابلوی خود تصویر جمع کنید. تصاویری که شما را تشویق می‌کنند را جمع آوری کنید. حالا زمان آن فرارسیده که تصاویر مثبت انگیزه‌بخش را مطابق سلیقه شما را برای رسیدن به اهدافتان جمع کنید. تصاویری که شما را تشویق می‌کنند را جمع آوری کنید. حالا زمان آن فرارسیده که تصاویر مثبت انگیزه‌بخش را مطابق سلیقه شما را برای رسیدن به اهدافتان جمع کنید. تصاویری که شما را تشویق می‌کنند را جمع آوری کنید. حالا زمان آن فرارسیده که تصاویر مثبت انگیزه‌بخش را مطابق سلیقه شما را برای رسیدن به اهدافتان جمع کنید.

شما را ناراحت می‌کند؟ سوالات آسان تر را بپرسید. برای دست یافتن به پاسخ سوالات اساسی زندگی‌تان، سوالات جزئی‌تری از خود بپرسید. چه فعالیت‌هایی را دوست دارید در زندگی یاد بگیرید و می‌خواهید چطور آنها را انجام دهید؟ چه فعالیت‌ها و تفریحاتی را در حال حاضر انجام می‌دهید و دوست دارید ادامه‌شان دهید یا آنها را بهتر کنید؟ چه اهداف کاری دارید؟ چه پیش‌زمینه‌هایی لازم است که داشته باشید تا به هدفی که در ذهن دارید برسید؟ به طور مثال آیا شما به یک درجه خاص دانشگاهی نیاز دارید یا نیاز دارید که یک دوره کارآموزی بگذرانید؟ اهداف روابط شما چیست؟ فقط در این مورد که آیا مایل به ازدواج هستید یا نه، فکر نکنید. اینکه در رابطه بلند مدت باشید یا فرزند داشته باشید. به طور دقیق‌تر فکر کنید که



چطور شخصی را می‌خواهید، چگونه شما می‌خواهید تا بلوغ آرزوهایتان تصویری و شامل تصاویری باشد که معرف شماسمت و اینکه شما روی چه خواسته‌هایی فوکوس کرده‌اید. فراموش نکنید روی تصاویر و جملاتی تمرکز کنید که الهام بخش و تاکیدی باشند. یک جمله تاکیدی الهام بخش است و باید آن را تکرار کنید. شما می‌توانید این جملات را خودتان بگویید یا اینکه در اینترنت جستجو کنید یا از کتابخانه یا کتابفروشی محله خود تهیه کنید. این جملات باید بار مثبت داشته باشند. به طور مثال اگر هدف شما حضور در ارکستر موسیقی به عنوان نوازنده است ولی یکبار آن را امتحان کرده‌اید و موفق نبودید، هرگز این جمله را که «باید روزی چند ساعت تمرین کنم و مثل قبل تمرکز کنم؟ خودتان را تحت فشار قرار ندهید که باید فقط یک تابلوی آرزو داشته باشید و همه اهداف خود را روی آن بنویسید. شما می‌توانید تابلوهای دیگری را با اهداف مختلف



تومورهای مترشحه HCG در سیستم عصبی مرکزی (ژرمینوما، تراتوما، کوریوباتیلیوما) خارج از سیستم عصبی مرکزی شامل (هیاتوما، تراتوما و کوریوباتیلیوما، سرطان‌های آدرنال، آدنوم سلول های لیدیک بیضه، تستوتوکسیوز فامیلی و سندرم مقاومت به کورتیزول) است.

### در دختران:

کیست های اتونوم (خودکار) تخمدان شایع تر هستند. سایر علل شامل نئوپلاسم های (سرطان‌های) مترشحه استروژن در تخمدان و آدرنال و سندرم پوتز جگر است. در هر دو جنس، سندرم مک کون آلبرایت، کم کاری غده تیروئید و تماس اتفاقی با استروئیدهای گنادی (جنسی) با منشأ خارجی، می‌تواند باعث بلوغ زودرس شوند در ضمن بلوغ زودرس محیطی درمان نشده می‌تواند با افزایش سن استخوانی باعث بلوغ زودرس مرکزی شود.

تماشای زیاد تلویزیون تحقیقات ثابت کرده است که تماشا بیش از اندازه تلویزیون می‌تواند باعث اختلال در تعادل هورمونی در نوجوانان و در نتیجه بلوغ زودرس شود. جلوگیری از دسترسی کودکان به تلویزیون تنها به مدت یک هفته باعث افزایش ۳۰ درصدی هورمون ملاتونین در آنها می‌شود. این هورمون که از بلوغ زودرس جلوگیری می‌کند با تماشای بی رویه تلویزیون در بدن آنها کاهش پیدا می‌کند. پس اگر نمی‌خواهید وضعیت هورمونی فرزندتان به هم بریزد و با مشکلات ناشی از بلوغ زودرس مواجه شود، تماشای تلویزیون را برایش جیره بندی کنید.

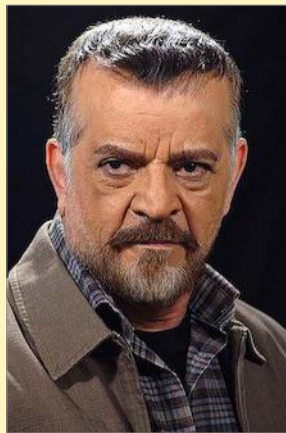
### نبود پدر

شاید گمان کنید که نبودن یکی از والدین تنها به مشکلات عاطفی و روانی در دختر بچه‌ها منجر می‌شود و فکرش را هم نکنید که مشکلی مثل نبودن پدر در خانه، می‌تواند چه مشکلات دیگری را برای

چطور شخصی را می‌خواهید، چگونه شما می‌خواهید تا بلوغ آرزوهایتان تصویری و شامل تصاویری باشد که معرف شماسمت و اینکه شما روی چه خواسته‌هایی فوکوس کرده‌اید. فراموش نکنید روی تصاویر و جملاتی تمرکز کنید که الهام بخش و تاکیدی باشند. یک جمله تاکیدی الهام بخش است و باید آن را تکرار کنید. شما می‌توانید این جملات را خودتان بگویید یا اینکه در اینترنت جستجو کنید یا از کتابخانه یا کتابفروشی محله خود تهیه کنید. این جملات باید بار مثبت داشته باشند. به طور مثال اگر هدف شما حضور در ارکستر موسیقی به عنوان نوازنده است ولی یکبار آن را امتحان کرده‌اید و موفق نبودید، هرگز این جمله را که «باید روزی چند ساعت تمرین کنم و مثل قبل تمرکز کنم؟ خودتان را تحت فشار قرار ندهید که باید فقط یک تابلوی آرزو داشته باشید و همه اهداف خود را روی آن بنویسید. شما می‌توانید تابلوهای دیگری را با اهداف مختلف



## مردان شاخص



### مهدی فخمی زاده (۱۳۲۱ - تهران)

مهدی فخمی زاده بازیگر، کارگردان، تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس و طراح صحنه و لباس سینما و تلویزیون اهل ایران است. فخمی‌زاده فعالیت‌های هنری خود را با تئاتر در سال ۱۳۴۹، و فعالیت سینمایی خود را با بازی در فیلم تپلی، ساخته رضا میرلوحی آغاز کرد. او همچنین لیسانس زبان و ادبیات فرانسه از دانشگاه تهران دارد و فارغ‌التحصیل از دانشکده هنرهای دراماتیک تهران است. او در سریال مختارنامه نقش عمر ابن سعد را داشته‌است. فخمی‌زاده در رشته ورزشی کاراته دارای دان ۵ است و جزو خانواده بزرگ کاراته کاران ایران می باشد.

وی فیلمنامه های متعددی را نوشته است. در سال ۱۳۵۳ اولین فیلم سینمایی اش را کارگردانی کرد. از جمله فیلم هائی که تاکنون کارگردانی کرده میتوان از میراث من ، جنوب ، تشریفات ، مسافران مهتاب ، تپش ، بهار در پاییز ، ساده لوح ، خواستگاری ، شتاب زده ، همسر و همفلسف و ... نام برد.از افتخارات او می توان به موارد زیر اشاره کرد: -دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه برای فیلم شتاب زده، دهمین جشنواره فجر، ۱۳۷۰ - تقدیر برای نوشتن فیلمنامه برای فیلم همسر، دوازدهمین جشنواره فجر، ۱۳۷۲ - تقدیر به عنوان بهترین بازیگر نقش مکمل، برای بازی در فیلم تواریش، دوازدهمین جشنواره فجر، ۱۳۷۲ -انتخاب فیلم همسر ۱۳۷۲ به عنوان چهارمین فیلم سال در نهمین دوره منتخب‌نویسندگان و منتقدان، ۱۳۷۳.



### آیا کوتاه کردن موی بدن مردان درست است؟

آمار نشان می دهد تقریباً تمام زنان موهای زیر بغل را آزار دهنده می دانند. در زیر بغل غده هایی به نام آپوکرین وجود دارد که باعث تولید عرق می شوند. این عرق متشکل از استروئید، لیپید، پروتئین و سایر مواد شیمیایی است که می تواند اطلاعات و خصوصیات مربوط به بدن را انتقال دهد. به عنوان مثال اجداد و نیاکان شما موی زیر بغل خود را بلند می کردند تا به واسطه‌ی بوی آن، جفت خود را جذب کنند. اما امروزه این کار دیگر جواب نمی‌دهد. آمار می‌گوید که اخیراً از ۴۰ تا ۴۴ درصد مردان به دست آمده نشان می‌دهد که ۶۸ درصد مردان موی زیربغل خود را تمیز می‌کنند، ۵۲ درصد گفتند که این کار را برای زیبایی بدن می‌دهند و ۱۶ درصد به دلایل ورزشی این کار را می‌کنند. از بین ۱۰ نفر، تنها یک نفر گفت که هرگز زیربغل خود را تمیز نمی‌کند. می‌توانید موها را وقتی خشک هستند کوتاه کنید، اما توصیه می‌شود که از یک مویز ضدآب استفاده کنید و این کار را در حمام انجام دهید. آب داغ باعث نرمی پوست شده و خطر خشک شدن پوست یا خراش آن را کاهش می‌دهد. اگر موی فر دارید، توصیه می‌شود خیلی آهسته پیش رفته و به اندازه‌ی یک هشتم اینچ آن را کوتاه کنید. سعی کنید از محافظ شانه‌ی شماره ۱ استفاده کنید چرا که باعث می‌شود موهایتان نرم مانده و پوستتان اذیت نشود. بعد از تیغ زدن و اصلاح موها، از روغن‌های اصلاح بدون بو استفاده کنید. پیش از استفاده از اسپری‌های ضدبو، دو تا سه دقیقه بر روی آنها بپاشید. بعد از مالیدن روغن صبر کنید بعد اسپری بزنید.



### مرد روز



ملک الشعرای بهار

اگر تو رخ بنمایی ستم نخواهد شد ز حسن و خوبی تو هیچ کم نخواهد شد برون ز زلف تو یک حلقه هم نخواهد رفت کم از دهان تو یک ذره هم نخواهد شد گرم دو بوسه دهی جان دهم به شکرانه گرم ز خاطر اهل گرم نخواهد شد تو پاک باش و برون ای بی‌حجاب و مترس کسی به صید غزال حرم نخواهد شد اگر بر آن سری ای ماهروا که روز مرا کنی سیاه، به زلفت قسم، نخواهد شد گرم زنی چون قلم، بند بند، این سر من ز بندگیت جدا یک قلم نخواهد شد رقیب گفت: «بهار از تو سیر شد» هیهات! به حرف مفت کسی متهم نخواهد شد

## کفش مناسب برای کاهشی درد زانو

بر زانوی زنانی که کفش های پاشنه بلند می پوشند، نسبت به زنانی که کفش صاف یا تخت می پوشند، ۲۳ درصد بیشتر بود.

**۵- می توانید با اعتدال و میانه روی از کفش های با پاشنه متوسط و مطابق مدا استفاده کنید**  
البته به خاطر داشته باشید که حتی کفش هایی با پاشنه متوسط نیز می‌توانند باعث فشار بر روی زانو شوند. محققان دانشگاه ویرجینیا یک تحقیق تصادفی کنترل شده را با زنانی که کفش های پاشنه ۳ سانت در مقایسه با زنانی که کفش های پاشنه تخت می پوشیدند، انجام دادند. نتایج نشان داد که فشار بر روی زانو ی در مصرف کنندگان کفش های پاشنه ۳ سانت ۱۴ درصد بیشتر بود.

**۶- یک کفی داخل کفش بگذارید**  
کفش های ارتوتیک Orthotics (دارای قالب و کفی) به وسیله گذاشتن یک کفی نرم می‌توانند به کاهش درد زانو کمک کنند. دکتر کورتز می‌گوید: انواع خاصی از کفش های ارتوتیک می‌توانند همچنین، پا را در موقعیت مناسب ثابت نگه داشته و موجب کاهش چرخش به سمت داخل می‌شوند. بررسی اخیر دانشکده پزشکی دانشگاه کلمبیا در مورد این موضوع به این نتیجه رسیده است که برآمدگی چپ این گونه کفش ها (قسمت بیرونی کفی) باعث بهبود نشانه های بیمارانی که مبتلا به استئو آرتريت دردناک و ناتوان کننده زانو هستند، خواهد شد. این کفش ها در بسیاری از فروشگاه ها فروخته می‌شوند. همچنین این کفش ها می‌توانند توسط متخصصین درمان و حفاظت از پاها، برای افرادی که دچار مشکل زانو هستند، طراحی و ساخته شود. اگر بتوانید پا را به درستی بچرخانید، زانوی شما نیز سود خواهد برد. انتخاب کفش مناسب، می‌تواند به شما در فعالیت های روزانه کمک کند تا با پاهایی راحت و درد کم‌تر، اوقات آرامی داشته باشید.

زانو شود. اگر کفش های قدیمی شما در طرف داخلی و پاشنه ها به سمت داخل ساییدگی بیش از حد دارند، می‌توانند نشانه ای باشند که شما قوس کف پای بیش از حد دارید.

**۳- کفش های ورزشی را در نظر بگیرید**  
علاوه بر انعطاف پذیری اضافی، کفش طراحی شده برای دویدن و تناسب اندام، اغلب ویژگی هایی برای کنترل حرکت و ثبات دارد. نمونه هایی از این ویژگی ها شامل کفش هایی است که پاشنه پا را کاملاً در حفظ خود قرار می‌دهد، کناره های جانبی آن برای حمایت جانبی است، و کفی های مناسبی برای کمک به نگهداری پا در موقعیت درست در زمان راه رفتن، ساخته و در درون آن قرار دارد.

**۴- از پوشیدن کفش های پاشنه بلند خودداری کنید**  
این کفش ها ممکن است شیک به نظر بیایند، اما به سلامت زانو آسیب



می‌رسانند. دکتر استوچین می‌گوید: مطالعات نشان می‌دهد که پاشنه های بلند به کاسه زانو فشار زیادی وارد می‌کند و باعث آسیب زدن به زانو و ایجاد درد شدید در آن خواهد شد. در حقیقت در مطالعه ای از هاروارد از مصرف کنندگان کفش های پاشنه بلند، نشان داده شد که نیروی وارده

را پایین می‌آورد. شما می‌توانید به هر نحوی که با این مزایا آشنا هستید؛ تمرین کنید. سعی کنید حداقل ۳۰ دقیقه در روز ورزش کنید. اگر فرصت کافی برای ورزش روزانه ندارید، سعی کنید اوایل صبح و قبل از شروع فعالیت‌های دیگر ورزش کنید. اگر به مدت ۳۰ دقیقه یا بیشتر وقت خود را برای ورزش تنظیم کنید، حتی می‌توانید در دو مرحله ۱۵ دقیقه‌ای در زمان‌های مختلف در طول روز تمرین کنید. برای رسیدن به ضربان آرام‌تر قلب تمرینات هوازی انجام دهید. وقتی

**۱- به دنبال کفش های راحت باشید**



اکسیژن بیشتری می‌گیرید، ضربان قلب آرام‌تر می‌شود. ورزش ایروبیک منجر به تقویت قلب و عروق می‌شود. این نوع ورزش‌ها خطر بیماری قلبی، فشار خون و کلسترول را کاهش می‌دهد. ورزش‌های هوازی مانند: شنا، پیاده‌روی، دوچرخه سواری و رقص است.

برای ورزش برنامه‌ریزی داشته باشید. داشتن برنامه برای ورزش دارای مزایای بی‌شماری است که کاهش ضربان قلب یکی از آنهاست. در ابتدای کار، ورزش ضربان قلب شما را افزایش می‌دهد؛ با این حال، در بلند مدت، تمرین هوازی می‌تواند میزان ضربان قلب شما



### ۲- کف پا را بررسی کنید

شرکت هایی وجود دارند که قوس کف پا را بررسی می‌کنند. (برای افرادی که قوس کف پا را از دست داده و کف پای صاف داشته و یا برعکس دارای قوس بیش از حد هستند). دکتر الیزابت کورتز متخصص درمان و حفاظت پا در شیکاگو و سخنگوی انجمن متخصصین درمان و حفاظت پا در امریکا می‌گوید: قوس بیش از حد باعث می‌شود که هر بار که پا به زمین می‌رسد، پا و زانو به سمت داخل چرخانده شوند. این چرخش به درون می‌تواند باعث فشار و درد در



## ایران ۲ پاناما ۱



سامان قدوس

تیم ملی فوتبال ایران پنجشنبه شب این هفته تیم فوتبال پاناما را که به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه راه یافته است در استادیوم «اشتوم گراس» شهر گراتس ۲ بر یک شکست داد. گل‌های ایران را در دقیقه ۱۵ اشکان دژآگه روی ضربه پنالتی و سامان قدوس در دقیقه ۱۸ وارد دروازه پاناما کردند.

اولین گل ایران در دقیقه ۱۵ به دست آمد به این ترتیب که بازیکن پانامایی کریم انصاری فرد را در محوطه ۱۸ قدم به زمین انداخت داور اعلام پنالتی کرد و اشکان دژآگه توپ را درون دروازه پاناما جای داد. سه دقیقه بعد ایران صاحب گل دوم شد. این بار سامان قدوس فوتبالیست ایرانی مقیم سوئد دروازه پاناما را با ضربه‌ای دقیق از داخل محوطه جریمه باز نمود.

پاناما نیز در دقیقه ۳۸ صاحب گل شد. روزبه چشمی بازیکن حریف را در ناحیه ۱۸ قدم زمین زد و بعد از اعلام

پنالتی از سوی داور گابریل تورس توپ را وارد دروازه ایران نمود. نیمه اول با این نتیجه خاتمه یافت. در نیمه دوم کارلوس کپروش برای محک زدن بازیکنان چند تعویض انجام داد.

یاران تیم ایران در این دیدار عبارت بودند از: علیرضا بیرانوند، روزبه چشمی، مرتضی پورعلی گنجی، جلال حسینی، وریا غفوری، رامین

## راجر فدرر، اندی موری و منصور بهرامی در مسابقات گلاسکو



مسابقات تنیس گلاسکو سه‌شنبه این هفته از سوی موسسه خیریه خانواده موری و سازمان یونیسیف در گلاسکو اسکاتلند برگزار شد. در این رقابت‌ها راجر فدرر تنیس‌باز ۳۶ ساله سوئیسی و برنده ۱۹ گراند اسلم، اندی موری نفر اول پیشین تنیس جهان، تیم هن من نفر چهارم پیشین رده‌بندی جهان و منصور بهرامی نفر دوم گراند اسلم مسابقات تنیس ۱۹۸۳ پاریس، جیمی موری برادر اندی موری و قهرمان ۲ نفره تنیس جهان بازی کردند.

اندی موری به دلیل ناراحتی جدی لگن خاصره از مسابقات ویمبلدون ۲۰۱۷ تا کنون در هیچ تورنمنتی حضور نداشته است و پس از باخت در مرحله یک هشتم نهایی مسابقات گراند اسلم به سم کوثری تنیس‌باز آمریکایی به رتبه شانزدهم رده‌بندی مردان جهان تنزل کرده است.

روز سه‌شنبه ۱۲ هزار نفر در سالن سرپوشیده هایدر گلاسکو بازی جالب و تماشایی فدرر و موری را تماشا کردند. در ضمن این نخستین بار بود که فدرر و موری در گلاسکو مسابقه می‌دادند. این دیدار جالب و سرگرم‌کننده ۶، ۳، ۳ بر ۶ و ۱۰ بر ۶ به سود فدرر پایان یافت. این نخستین بازی موری با فدرر بعد از حذف از رقابت‌های ویمبلدون امسال بود. آنها تا کنون ۲۶ بار با یکدیگر روبرو شده‌اند که فدرر ۱۶ بار

داد. این عکس پوستر معروف منصور را که یک توپ در دهان و ۵ توپ در میان انگشتان هر یک از دستانش دارد روی دیوار اتاق نشان می‌داد. سه شنبه شب فدرر در مصاحبه با کانال یورو اسپرت که این بازی‌ها را پخش کرد برای موری آرزوی سلامتی کرد و به وی توصیه نمود تا هر وقت لازم است استراحت کند.

اندی موری در حال حاضر در رده ۱۶ جهان و نوآک جاکوویچ نفر اول پیشین رده‌بندی جهان که این روزها با ناراحتی دست و زانو دست و پنجه نرم می‌کند نیز به دلیل دور بودن از مسابقات تا رده ۱۲ جهان تنزل مقام داده است.

نتیجه بقیه بازی‌ها روز چهارشنبه اعلام می‌شود.

و موری ۱۱ بار برنده شده بودند. فدرر آخرین عنوان قهرمانی خود را در بازی‌های بین‌المللی بازل در ماه گذشته به دست آورد. او در ۶ بازی آخر خود مقابل اندی موری پیروز شده و در واقع از سال ۲۰۱۳ تا حال به موری نیاخته است. اندی موری بعد از تورنمنت ویمبلدون تا روز سه‌شنبه در هیچ مسابقه‌ای شرکت نکرده بود.

چند سال پیش فدرر به منصور بهرامی گفت عکسی از ایام کودکی و نوجوانی در کنار او دارد که در جریان تورنمنت بازل محل زندگی فدرر گرفته شده است. چند ماه بعد او این عکس را هنگام مسابقه‌های ویمبلدون برای منصور به لندن آورد.

فدرر عکس دیگری را نیز که در همان سال‌ها از اتاقش گرفته بود به منصور

## کیروش: در هر پست ۳ بازیکن خیلی خوب داریم

کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در آخرین اظهار نظر خود درباره وضعیت تیم ملی و امکان صعود به دور دوم جام جهانی گفته است در هر پست سه بازیکن خوب و با کیفیت داریم بنابراین رسیدن به دور دوم بازی‌های ۲۰۱۸ روسیه دور از دسترس نیست. البته با بازیکنان جوان‌تر بیشتر باید کار کنیم چون آنها زیر فشار مقابل تیم‌های قوی مقاومت‌تر هستند. اما تا زمان شروع بازی‌های جام جهانی مسؤولان باید برای فراهم نمودن امکانات مورد نیاز و عرض اندام تیم ایران در این جام همکاری کنند.

او گفته تیم ملی از نظر پرسنل حرفه‌ای با معلومات تئوری و عملی فوتبال روز کمبود ندارد اما برای صعود به مراحل بالاتر در زمان باقی‌مانده به این جام به امکانات بیشتری نیاز است. در واقع رفتن به فضا بدون شاتل و سوخت لازم ممکن نیست.

وی افزوده قطعاً بازی‌های آمادگی بخصوص مقابل تیم‌هایی که در جام جهانی حضور دارند مانند پاناما بسیار مفید است. او اضافه کرده در

## تاج‌رییس فدراسیون فوتبال: انتخاب بازیکن در همه جای دنیا در اختیار سرمربی است

مهدی تاج رییس فدراسیون فوتبال ایران در واکنش به اعتراض کسانی که می‌گویند کیروش بازیکنان ایرانی شاغل در تیم‌های خارجی را برای بازی در تیم ملی به فوتبالیست‌های تیم‌های داخلی ترجیح می‌دهد یادآور شده قدرت و اختیارات فدراسیون فوتبال تأثیری در تصمیمات سرمربی تیم ملی در انتخاب یاران تیم ندارد و در همه جای دنیا انتخاب بازیکنان ملی کاملاً در اختیار سرمربی تیم است.

او تأکید کرد در مورد انتخاب تیم‌های باشگاهی نیز به همین شکل عمل می‌شود. او گفت قطعاً کیروش تفاوتی میان بازیکنان مقیم خارج و داخل برای عضویت در تیم ملی قائل نمی‌شود و باید از وی ممنون بود که همیشه بهترین‌ها را برای تیم ملی برمی‌گزیند. او اضافه کرد سرمربی تیم ملی اصولاً موظف است به نکات قید شده در قرارداد خود عمل کند. تاج در مورد برنامه‌های آماده‌سازی تیم ملی گفت این برنامه‌ها به خوبی پیش می‌رود. تیم ملی در وضعیت مناسبی قرار دارد.

تیم فوتبال ایران روز دوشنبه برای انجام دو بازی تدارکاتی به اتریش رفت که تنها یکی از این بازی‌ها برای ما ۱۰۰ هزار دلار هزینه داشت. وی افزود با هفت بازی تدارکاتی به جام جهانی می‌رویم. دو بازی تا کنون برگزار شده، دو دیدار در اتریش انجام می‌گیرد و دو مسابقه قرار است در روزهای دوم و هفتم فروردین داشته باشیم و پس از آن نیز بازی آخر را خواهیم داشت. تاج گفت: با کیروش مفصل صحبت کرده‌ایم و خیال نمی‌کنم پیش از سفر به مسکو مشکلی پیش بیاید.

## فرانک پرتوآذر قهرمان دوچرخه‌سواری کوهستانی آسیا



فرانک پرتوآذر

فرانک پرتوآذر دوچرخه‌سوار ایرانی در رده اول آسیا و ۶۶ جهان قرار دارد. فرانک ۲۹ ساله است و در رشته فوق لیسانس مهندسی دانشگاه شیراز تحصیل می‌کند. اخیراً استادان فرانک به او توصیه کردند ورزش حرفه‌ای را رها کند و به درس خود برسد اما فرانک به آنها گفت هیچ‌گونه مغایرتی بین تحصیل و ورزش وجود ندارد.

من ضمن تمرین دوچرخه‌سواری به درسم هم می‌رسم. فرانک اخیراً با هزینه شخصی در رقابت‌های دوچرخه‌سواری کوهستانی در ترکیه شرکت کرد. او در جریان این مسابقات در پاسخ یک خبرنگار استرالیایی که از او پرسید با این همه لباس و کلاه و هوای گرم و آفتابی چگونه می‌تواند کیلومترها رکاب

## آخرین مسابقات تنیس سال، ۱۲-۱۹ نوامبر، سالن O2 لندن



آخرین تورنمنت تنیس سال ۲۰۱۷ از روز یکشنبه ۱۲ نوامبر در سالن O2 لندن آغاز می‌شود و تا ۱۹ نوامبر ادامه خواهد داشت.

رافائل نادال و راجر فدرر نفرات اول و دوم تنیس جهان در این مسابقات حضور دارند اما نوآک جاکوویچ و اندی موری به علت ناراحتی دست و لگن خاصره در این تورنمنت شرکت نمی‌کنند.

راجر فدرر برنده شش دوره این بازی‌ها روز یکشنبه با جک سوک تنیس‌باز آمریکایی و برنده مسابقه‌های استادان پاریس روبرو می‌شود. جک سوک اگر در تورنمنت پاریس قهرمان نمی‌شد اجازه حضور در این رقابت‌ها را به دست نمی‌آورد.

روز یکشنبه الکساندر زورو تنیس‌باز آلمانی به مصاف مارین چیلیچ تنیس‌باز اهل جمهوری چک قهرمان گراند اسلم یو اس اوپن و فینالیست بازی‌های ویمبلدون می‌رود.

رافائل نادال نفر اول تنیس مردان جهان روز دوشنبه با دیوید کافین

تنیس‌باز سرشناس بلژیکی دیدار خواهد داشت. نادال در دیدارهای بعدی مقابل دومینیک تیم از اتریش و گریگور دیمیتروف تنیس‌باز بلغاری

قرار خواهد گرفت. این دو تنیس‌باز امسال سه بار با یکدیگر روبرو شده‌اند که نادال هر سه بار پیروز از زمین بیرون آمده است.

## سوک قهرمان تنیس استادان پاریس؛ یک تنیس‌باز گمنام در فینال



جک سوک، پاریس ۵ نوامبر ۲۰۱۷

تورنمنت جان ایسنر خوان دل پوترو تنیس‌باز آرژانتینی را مغلوب کرد. جولین بنیتو فرانسوی از چلیچ تنیس‌باز اهل کرواسی برده بود. بازی راجینیویچ و رافائل نادال نیز به دلیل ناراحتی زانوی نادال و ترک زمین به سود تنیس‌باز صرب پایان یافت.

تورنمنت‌های پر امتیاز تنیس در سال ۲۰۱۷ بود و سوک که ۲۵ سال دارد نخستین تنیس‌باز آمریکایی است که از سال ۱۹۹۹ تاکنون برنده این تورنمنت می‌شود. آندره آغاسی در آن سال قهرمان این بازی‌ها شده بود. در مرحله یک چهارم نهایی این

جک سوک تنیس‌باز آمریکایی و نفر شانزدهم رده‌بندی تنیس جهان روز یکشنبه در مرحله نهایی مسابقه‌های تنیس استادان پاریس فیلیپ راجینیویچ تنیس‌باز گمنام اهل صربستان و نفر ۷۷ تنیس جهان را که بسیاری تا اوایل این هفته اسم او را نشنیده بودند ۵ بر ۷، ۶ بر ۴ و ۶ بر ۱ شکست داد و قهرمان این تورنمنت شد.

رسیدن فیلیپ راجینیویچ که با عبور از سد مسابقات ورودی برای حضور در این رقابت‌ها پذیرفته شده بود به مرحله نیمه نهایی اتفاق بسیار کم سابقه ای بود. او در دیدار نیمه نهایی ایسنر تنیس‌باز با تجربه آمریکایی و نفر ۱۴ جهان را مغلوب کرد.

جک سوک نیز در بازی نیمه نهایی جولین بنیتو تنیس‌باز فرانسوی را ۷ بر ۵ و ۶ بر ۲ حذف کرده بود. بازی‌های استادان پاریس از آخرین

## تیم فوتسال ایران؛ پنجم آسیا، پنجم جهان

در آخرین رده‌بندی تیم‌های فوتسال جهان که این هفته از سوی فدراسیون جهانی فوتسال اعلام شده تیم فوتسال ایران در مکان اول آسیا و پنجم جهان بعد از تیم‌های برزیل، اسپانیا، روسیه و آرژانتین دیده می‌شود. ده تیم برتر فوتسال جهان کشورهای برزیل، اسپانیا، روسیه، آرژانتین، ایران، ایتالیا، پرتغال، اکراین، قزاقستان و آذربایجان هستند. در آسیا نیز تیم‌های فوتسال ژاپن، تایلند و ازبکستان بعد از ایران قرار دارند.



## حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها به دولت مربوط است نه سازمان‌های دیگر



علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید شورای انقلاب فرهنگی وظیفه سیاست‌گذاری دارد نه قانون‌گذاری. تصمیم‌گیری در مورد نشست بانوان روی سکوی استادپوم‌ها از اختیارات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیست.

او تأکید کرده حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها مربوط به رییس جمهوری و دولت اوست و اگر نیاز به قانونی هم باشد دولت و مجلس از طریق لایحه یا طرح باید اقدام کنند. بنابراین ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد اجازه به خانم‌ها برای تماشای مسابقات در ورزشگاه‌ها معنا ندارد.

او پیشنهاد کرده برای خانم‌ها در ورزشگاه‌ها باید جایگاه مخصوص و سرویس بهداشتی جداگانه ساخته شود. از نظر شرعی هم تماشای

مسابقات برای زنان بدون اشکال است چون فوتبال مانند کشتی نیست، بدن فوتبالیست‌ها هنگام بازی پوشیده است و مانند مسابقات کشتی نیست که بگوییم اشکال شرعی دارد. لباس فوتبالیست‌ها حتی از لباس والیبالیست‌ها پوشیده‌تر است.

## آمریکا برای ملی‌پوش وزنه‌برداری ایران و حامی مدافعان حرم هنوز ویزا صادر نکرده است



● کیانوش رستمی قهرمان ایران در المپیک هوادار مدافعان حرم است.

● او مدال طلای خود در المپیک ریو را تقدیم کشته‌های سپاه قدس در سوریه کرد.

● رستمی در مصاحبه با یک پایگاه خبری ورزشی به دنبال کتمان این موضوع بوده است.

● او از ورزشکاران نزدیک به بیت علی خامنه‌ای است و خود در سیاسی شدن قهرمانی‌اش نقش داشته.

کیانوش رستمی، وزنه‌بردار وزن ۸۵ کیلوگرم ایران که ماه فوریه سال گذشته به عنوان بهترین وزنه‌بردار مرد جهان انتخاب شد در مصاحبه‌ای با سایت Inside the games، درباره اینکه هنوز ویزای آمریکا برای رفتن به مسابقات قهرمانی جهان در آنهامبرگ برای او صادر نشده است صحبت کرد. رستمی هفته گذشته دوباره برای گرفتن ویزای آمریکا اقدام کرد، اما

به تو جواب می‌دهیم و تنها باید صبر کنی. اما من به آنها گفتم که ۲۵ روز دیگر مسابقه دارم و می‌خواهم در این مسابقات شرکت کنم». او ظاهراً آگاهانه مسئله شک آمریکا به بازگشت‌اش به ایران را مطرح کرده است، اما به نظر می‌رسد این همه واقعیت نباشد.



تقدیر قالیباف شهردار پیشین تهران و بسیج فاتحین از رستمی به دلیل تقدیم مدال المپیک خود به مدافعان حرم

پاسخ روشنی دریافت نکرده است. او به پایگاه خبری Inside the games گفت، «می‌فهمم که چه اتفاقی افتاده است. آنها به من گفتند که باید صبر کنم اما توضیحی ندادند».

این وزنه‌بردار در ابتدای گفتگوی خود با این رسانه، با وجود اینکه به نظر می‌رسد خبر دارد که ماجرا چیست، سعی کرد مسئله را وارونه جلوه دهد. او گفت «من به آنها [آمریکایی‌ها] نشان دادم که سرمایه دو میلیون دلاری در کشورم دارم و به آنها گفتم که بهترین وزنه‌بردار جهان هستم و در وزنه‌برداری محبوب‌ترینم. من رکورد جهانی در اختیار دارم و تلاش نمی‌کنم که گرین کارت بگیرم بنابراین نمی‌دانم که مشکل کجاست. آیا آنها می‌ترسند؟

من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و می‌خواهم به کشورم بازگردم. آنها به من گفتند که مدارک بیشتری نمی‌خواهند و همه چیز خوب است.

هدیه انگشتر به رستمی از طرف علی خامنه‌ای. ششم آبان سال ۱۳۹۵ سالار آبتوش، معاون قرارگاه خاتم‌الانبیاء گفت، «سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های مختلف دشمن را به زانو در آورده است... و همه دنیا یقین بدانند سپاه پاسداران به زودی در آمریکا و اروپا هم شکل می‌گیرد»

چنین شرایطی که رژیم ایران تا این اندازه حساسیت‌های دولت آمریکا را نسبت به سپاه و حضور نظامی آن در منطقه بالا برده، آیا قبول خواهد کرد که برای یکی از حامیان این نهاد ویزا صادر کند؟

خبرگزاری ایسنا این مسئله را پنهان کرده و نعل وارونه زده و نوشته در صورتی که رستمی در مسابقات قهرمانی جهان امسال حضور نداشته باشد، ۹ قهرمان المپیک در مسابقات آنهامبرگ غایب خواهند بود و به این ترتیب آمریکا شانس بیشتری برای گرفتن مدال خواهد داشت.

## مسابقات شمشیربازی جهان در الجزیره: ایران چهارم شد

تیم ملی شمشیربازی ایران در مسابقات شمشیربازی قهرمانی جهان که در شهر الجزیره در حال برگزاری است پس از شکست تیم کانادا به دور یک چهارم این بازی‌ها راه یافت و در مسابقه بعدی با پیروزی بر تیم پرقدرت روسیه وارد مرحله نیمه نهایی شد.

تیم شمشیربازی آلمان نیز با غلبه بر تیم کره جنوبی قهرمان المپیک لندن توانست به مرحله نیمه نهایی مسابقه‌ها راه پیدا کند.

مسابقه میان تیم ایران و آلمان که بسیار پر هیجان و دیدنی بود به سود آلمان پایان یافت و به این ترتیب ایران در جایگاه چهارم شمشیربازی جهان قرار گرفت.

اعضای تیم شمشیربازی ایران در مسابقات جهانی الجزیره مجتبی عابدینی، علی پاکدامن، محمد فتوحی و محمد رهبری بودند.

## نخستین همایش مدیریت ورزش زنان با حضور فائزه رفسنجانی و زهرا نعمتی



● ملاوردی: سقف‌های شیشه‌ای روی مدیریت زنان در حال ترک خوردن است.

اولین همایش مدیریت ورزش زنان در ایران روز دوشنبه در فرهنگسرای اندیشه در تهران برگزار شد. شهیندخت ملاوردی دستیار ویژه حسن روحانی در امور شهروندی، فائزه رفسنجانی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی، فعال ورزشی و از طرفداران استفاده خانم‌ها از شلوار جین، زهرا نعمتی قهرمان تیراندازی معلولین جهان، چند نماینده زن مجلس شورای اسلامی، تعدادی از روسای فدراسیون‌های ورزشی و خانم‌های معاون فدراسیون‌ها در امور زنان در این همایش حاضر بودند.

طیبه سیاوشی نماینده مجلس، عضو کمیسیون ورزش و از فعالان حضور بانوان در ورزشگاه‌ها در این جلسه گفت مدتی است ضرورت حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها در کمیسیون ورزش مجلس در حال پیگیری است و با جلساتی که با مقامات وزارت کشور و وزارت ورزش داشته‌ایم امیدواریم هر چه زودتر به نتیجه برسیم و دخترها را در ورزشگاه‌ها ببینیم. این نماینده تأکید کرد یکی از چالش‌های مهم در حال حاضر تقویت جایگاه مدیریت بانوان در ورزش ایران است. ما سعی داریم مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های ورزشی چشمگیرتر شود زیرا زمانی می‌توانیم مشارکت

کسب کرده‌اند. سیاوشی گفت به دلیل محدودیت‌هایی که برای فعالیت‌های ورزش زنان در ایران وجود دارد پسران ۷ برابر دخترها در فعالیت‌های ورزشی حضور دارند که در مقایسه با سایر کشورها رشد خوبی برای جامعه زنان ایران نیست و طبق آمارهایی که از بخش پژوهش‌های مجلس به دستم رسیده ۷۰ درصد بانوان ایرانی ورزش نمی‌کنند. مجلس شورای اسلامی هم تا دو سه دور قبل به ورزش زنان توجه نداشت.

شهین ملاوردی معاون پیشین حسن روحانی نیز در صحبت‌های خود گفت تمام تلاش ما اینست که سقف‌های شیشه‌ای که در حال حاضر روی بخش‌های مدیریتی زنان کشور وجود دارد و در حال ترک خوردن است به کلی برداشته شود.

برابری نسبت به حضور مدیران زن در جامعه ورزش داشته باشیم که گام‌های موثرتری در این زمینه برداشته شود. البته در نقش بانوان در امور ورزشی تغییراتی دیده می‌شود اما کافی نیست و این تحول خیلی کند پیش می‌رود و نتوانسته انتظارات زنان را در این عرصه تأمین نماید. وی یادآور شد تا زمانی که نظام ورزش و مدیریتی رویکرد مثبتی نسبت به حضور خانم‌ها در جامعه نداشته باشد به هیچ عنوان نمی‌توانیم جایگاه مدیریت آنها را در جامعه پر رنگ ببینیم.

وی اضافه کرد در بخش دختران ورزشکار استعداد‌های خوبی در کشور داریم که به سرعت در حال شکوفا شدن هستند و برخی از آنها در میادین بین‌المللی برای کشور افتخار

## علی اکبریان ستاره فوتبال، خود را با شیشه تباه‌تر کرد



علی اکبریان (راست) و رضا شاهرودی (چپ) ستاره‌های استقلال و پرسپولیس در دهه هفتاد

یکی از رویدادهای تلخ ورزشی در ایران در هفته‌ای که گذشت، مربوط به بازداشت یکی از ستاره‌های پیشین فوتبال به اتهام حمل ماده مخدر شیشه به وزن حدود ۳۰ گرم بود. موضوع آنجا گزنده‌تر می‌شد که او سابقه بازداشت و زندانی با همین جرم را هم داشته و در گذشته با وساطت فوتبالیست‌های مطرح ایران آزاد شده بود.

علی اکبریان که روزی ستاره تیم‌های استقلال و پرسپولیس بود و تصاویرش به خاطر چهره‌ی خاصی که داشت مورد استقبال مطبوعات و خوانندگان قرار می‌گرفت، باز هم زندگی خود را تباه‌تر کرده است.

در همین ارتباط وبسایت ورزش سه نوشته ستاره سابق تیم‌های استقلال و پرسپولیس بار دیگر با مواد مخدر دستگیر و ۲۰ سال دیگر به دوران زندان او افزوده شد.

در این گزارش آمده در تمام این سال‌ها بسیاری از ریش‌سفیدان و بزرگان فوتبال ایران برای نجات این بازیکن پیشین تلاش کردند که البته نتایج مثبتی هم در پی داشت. او اولین بار به جرم حمل مواد به حبس ابد محکوم شد اما تلاش اهالی فوتبال و رفقای سرشناس‌اش باعث شد تا او چند باری با اجازه مرخصی از زندان آزاد شود اما آخرین آزادی او تبدیل به

در واقع حبس ابد او امروز ۲۰ سال دیگر افزایش یافته است و این می‌تواند به معنای از دست رفتن شانس‌های بزرگی مثل عفو یا کم شدن حبس او باشد. حالا دیگر خبری از رفقای قدیمی و ریش‌سفیدهایی هم که دنبال انجام کارهای او بودند، نیست و بازیکن پیشین سرخابی تنها از همیشه پشت میله‌ها روزها را سپری می‌کند. حکم سنگینی که برای او بریده شده، تمام امیدهایی را که نسبت به بخشش یا عفو یا کم شدن میزان حبسش وجود داشت، از بین برده است.

چاله‌ای بزرگ‌تر برایش شد که بیرون آمدن از آن را بسیار دشوارتر کرد. یکی از مسوولان زندان قزل‌حصار با تأیید این موضوع گفت: «ایشان آخرین بار که به مرخصی رفته، با ۲۸،۵ گرم شیشه دوباره دستگیر می‌شود و به زندان می‌آید. دادگاه او را به ۲۰ سال حبس دیگر محکوم کرد و با توجه به این که حکم قبلی‌اش حبس ابد بوده، باید بگویم کار او بسیار سخت شده و باید در زندان بماند. همچنین به دلیل این که در دوران مرخصی باز هم دستگیر شده، دیگر امکان مرخصی ندارد».

## موافقت یونسکو با ثبت «چوگان» و «کمانچه» به نام ایران

جهانی رسیده است؛ از این رو از هم اکنون می‌توان به طور قطع این دو میراث کشورمان را ثبت جهانی دانست.

پس از اعلام موافقت یونسکو با ثبت این دو میراث به نام ایران، موجی از تبریک‌ها به «کیهان کلهر» نوازنده‌ی برجسته و جهانی ساز کمانچه در فضای مجازی منتشر شده است. حتی برخی از چهره‌های هنری نیز به وی تبریک گفته‌اند.

در صورتی که این دو میراث ناملموس به ثبت برسند، ایران صاحب ۱۳ میراث در فهرست میراث ناملموس جهانی خواهد بود.

فرهاد نظری مدیرکل ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی از از پذیرفته شدن بازی چوگان (بازی سوار بر اسب همراه با روایتگری و موسیقی) به صورت ملی و کمانچه (هنر ساختن و نواختن کمانچه) مشترک با آذربایجان نیز خبر داد.

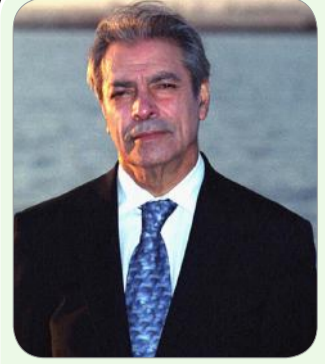
قرار است این ثبت جهانی کنوانسیون ۲۰۰۳ میراث ناملموس، ماه آینده در نشست سالانه یونسکو در کره جنوبی انجام شود.

فرهاد نظری اضافه کرد: «تا کنون همه آثار پذیرفته شده در کمیته بین‌الدول به ثبت میراث ناملموس

● کمانچه به طور مشترک با کشور آذربایجان به ثبت می‌رسد.

مدیرکل ثبت آثار میراث معنوی می‌گوید در «کمیته بین‌الدول میراث ناملموس»، یونسکو به ثبت «چوگان ایرانی» و «کمانچه» رای داد. با اینکه این دو میراث ناملموس ماه آینده به ثبت می‌رسند، رسانه‌ها و فضای مجازی فارسی زبان، آنها را ثبت شده اعلام کرده و حتی پیام تبریک به «کیهان کلهر» نوازنده کمانچه نوشته‌اند.





داريوش همایون  
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشيو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

## نه اجبار نه خواهش

کیهان لندن شماره ۱۲۹۹ - ۲۷ اسفند ماه ۱۳۸۸

باز نشر

سرنوشت و جدا شدن تا سطح روستا — چرا نه؟ — و هر کس گفت ایران یک ملت و یک کشور و ملک مشاع همه ایرانیان است فاشیست است و حتی پیروزی نهائی آن بستگی به تصمیم این گونه سازمان‌ها ندارد. در این جنبش نه کسی را اجبار و نه از کسی خواهش می‌کنند. بیهوده نیست که آن را خود جوش می‌نامند.

پرداخت. جنبش سبز بی‌تردید از کنار ایستادن هر لایه اجتماعی به هر دلیل، زیان خواهد دید ولی ادامه و حتی پیروزی نهائی آن بستگی به تصمیم این گونه سازمان‌ها ندارد. در این جنبش نه کسی را اجبار و نه از کسی خواهش می‌کنند. بیهوده نیست که آن را خود جوش می‌نامند.

اگر مذاکره با دیکته یکی باشد سرانجام به زور آزمائی و افزودن برگ‌های دیگری بر تاریخ پرخشونت ما خواهد کشید — آن هم در شرایطی که جامعه ایرانی برای نخستین بار نه برضد یک رژیم بلکه برضد تبعیض و خشونت به پا خاسته است



سرنوشت و جدا شدن تا سطح روستا — چرا نه؟ — و هر کس گفت ایران یک ملت و یک کشور و ملک مشاع همه ایرانیان است فاشیست است و حتی پیروزی نهائی آن بستگی به تصمیم این گونه سازمان‌ها ندارد. در این جنبش نه کسی را اجبار و نه از کسی خواهش می‌کنند. بیهوده نیست که آن را خود جوش می‌نامند.

اگر مذاکره با دیکته یکی باشد سرانجام به زور آزمائی و افزودن برگ‌های دیگری بر تاریخ پرخشونت ما خواهد کشید — آن هم در شرایطی که جامعه ایرانی برای نخستین بار نه برضد یک رژیم بلکه برضد تبعیض و خشونت به پا خاسته است

اگر مذاکره با دیکته یکی باشد سرانجام به زور آزمائی و افزودن برگ‌های دیگری بر تاریخ پرخشونت ما خواهد کشید — آن هم در شرایطی که جامعه ایرانی برای نخستین بار نه برضد یک رژیم بلکه برضد تبعیض و خشونت به پا خاسته است

که جرم سیاسی — و تا آنجا که به حقوق بشر ارتباط دارد همه یکی و اکثریت هستند) اگر گفت و شود بخواهد از چنین جاهانی آغاز شود همین است که در دو دهه گذشته در بیرون ایران داشته‌ایم و تنها از هم دورتر افتاده‌ایم.

احساس بیگانگی تا حد دشمنی است که در نوشته‌های ملت‌سازان دیده می‌شود. آنها به طور منظم از هر چه بتوانند به احساس یگانگی ملی کمک کنند، حتی از هر زمینه مشترک برای رسیدن به تفاهم از راه گفت و شنود، فاصله می‌گیرند. مانند شرکت جستن در جنبش سبز، تصمیم‌هایی که از پیش گرفته شده است قابل مذاکره نیست یا پذیرفته می‌شود و یا ...

اگر مذاکره با دیکته یکی باشد سرانجام به زور آزمائی و افزودن برگ‌های دیگری بر تاریخ پرخشونت ما — آن هم در شرایطی که جامعه ایرانی برای نخستین بار نه برضد یک رژیم بلکه برضد تبعیض و خشونت به‌پاخاسته است؛ برای نخستین بار در فرهنگ سیاسی ما بجای اصل برنده همه چیز بازنده هیچ چیز، رسیدن به تفاهم و توافق میان نظرات و منافع گوناگون، دارد اصل پذیرفته‌ای می‌شود. بسیار غم‌انگیز خواهد بود که روحیه تبعیض و خشونت پس از جمهوری اسلامی نیز در مبارزه آشتی‌ناپذیر سازندگان «ملت»‌های ایران که تنها چند گاهی دیگر پسوند ایران‌ش را نیز خواهند انداخت ادامه یابد. به آسانی می‌توان دید که این ملاحظاتی کمترین جانی در ذهن نویسندگان مقالاتی که مانند «نامه‌های چون خنجر آبلگون» (ملت) در اوضاع و احوال واژگونه خردستیز ما گروه‌هایی را بیش از همیشه از دیگران دور کرده است.

خواست‌های حداکثر و فزاینده و روحیه فاتحانه و آشتی‌ناپذیر بسیاری سخنگویان سازمانهای قومی که گوئی در وایو «خلا»، از «پهلوی» پرواز می‌کنند آنچه را که از چپ ایران مانده با معنائی پرمخاطره روبرو ساخته است. گرایش چپ از آغاز در موضوع یکپارچگی ملی و سرزمینی ایران به طرف عوضی تاریخ غلتید و با تجزیه‌طلبی و کشور گشائی شوروی یکی شناخته شد. پس از پیروزی انقلاب شتابی که چپ‌گرایان در پیوستن به جنبش‌های مسلحانه در دو استان مرزی ایران نشان دادند، نخستین بار به جمهوری اسلامی وجهه مدافع موجودیت ایران، اگر چه با روش‌های سرکوبگرانه، بخشید و دست آن را برای ترور بازتر کرد. در این سی‌ساله نیز راه آمدن با سازمان‌های قومی به‌رغم هر انحراف ارتجاعی یا ضد ملی از سوی آنها، سیاست کلی عموم چپ‌گرایان بوده است. ترکیبی از تهمانده‌های ایدئولوژیک و حسابگری سیاسی نگذاشته است روی قضاوت بهتر خود عمل کنند. چپ ایران از سوئی می‌بیند که ادعای بسنده نبودن حقوق شهروندی (یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر) ارتجاعی است زیرا بیست و چهار سده تلاش نظری و سیاسی را برای ایستادن فرد انسانی در مرکز اجتماع و سیاست نفی می‌کند و باز فرد را نه به عنوان خود او بلکه به عنوان جزئی از یک کلیت (در اینجا اجتماع هم‌زبانان) صاحب حق گروهی می‌شناسد.

احساس بیگانگی تا حد دشمنی است که در نوشته‌های ملت‌سازان دیده می‌شود. آنها به طور منظم از هر چه بتوانند به احساس یگانگی ملی کمک کنند، حتی از هر زمینه مشترک برای رسیدن به تفاهم از راه گفت و شنود، فاصله می‌گیرند. مانند شرکت جستن در جنبش سبز، تصمیم‌هایی که از پیش گرفته شده است قابل مذاکره نیست یا پذیرفته می‌شود و یا ...

اگر مذاکره با دیکته یکی باشد سرانجام به زور آزمائی و افزودن برگ‌های دیگری بر تاریخ پرخشونت ما — آن هم در شرایطی که جامعه ایرانی برای نخستین بار نه برضد یک رژیم بلکه برضد تبعیض و خشونت به‌پاخاسته است؛ برای نخستین بار در فرهنگ سیاسی ما بجای اصل برنده همه چیز بازنده هیچ چیز، رسیدن به تفاهم و توافق میان نظرات و منافع گوناگون، دارد اصل پذیرفته‌ای می‌شود. بسیار غم‌انگیز خواهد بود که روحیه تبعیض و خشونت پس از جمهوری اسلامی نیز در مبارزه آشتی‌ناپذیر سازندگان «ملت»‌های ایران که تنها چند گاهی دیگر پسوند ایران‌ش را نیز خواهند انداخت ادامه یابد. به آسانی می‌توان دید که این ملاحظاتی کمترین جانی در ذهن نویسندگان مقالاتی که مانند «نامه‌های چون خنجر آبلگون» (ملت) در اوضاع و احوال واژگونه خردستیز ما گروه‌هایی را بیش از همیشه از دیگران دور کرده است.

ادامه در صفحه ۱۵

## دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۴۴)

باز نشر

(کیهان لندن شماره ۱۲۲۵)

### احمد احرار

از تلاش بسیار توانست با یک الاغ عاریتی رهسپار قم گردد... روز بعد، پیش از ظهر به قم رسیدیم. کوچه‌ها به‌نظر شلوغ آمد زیرا عده کثیری مجاهد داوطلب و جمعی از رجال سرشناس، با وکلای منتسب به حزب اعتدالی و دموکرات مجلس شورای ملی قبلا به این شهر وارد شده گوش به فرمان کمیته دفاع ملی منتظر ورود شاه و هیأت دولت بودند. کمیته دفاع ملی ظاهراً از زعمای آزادیخواهان هر دو حزب تشکیل یافته بود ولی معناً کارگردانی آن جماعت را سلیمان میرزا اسکندری لیدر حزب دموکرات برعهده داشت. پرنس رویس وزیر مختار آلمان نیز با اعمال خود، مخصوصاً کنت کانیتس وابسته نظامی و سایر اعضای سفارت در آنجا آشکارا فعالیت می‌نمودند و به‌عنوان تدارکات دفاعی به کمیته دفاع ملی، هم پول و هم اسلحه می‌دادند. دو سه روز گذشت. شاه و وزرا نیامدند. معلوم شد درباریان محافظه‌کار از قبیل شاهزاده فرمانفرما، عین‌الدوله و سپهسالار تنکابنی در دقایق آخر نگذاشتند احمدشاه حرکت کند. دولت هم خواهان‌خواه از تغییر پایتخت منصرف گردید. طلایه قشون روس در کرج متوقف شده بود و سفرای روس و انگلیس به‌سهم خود به مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرا در باغ سبز نشان داده به‌شرط موافقت همه‌جانبه با متفقین (روس و انگلیس) تعهد می‌کردند با پرداخت مخارج جاریه دولت، پس از

شاه از تهران حرکت نکرد. دولت در پایتخت ماند. مجلس شورای ملی، بر اثر عزیمت وکلا، از اکثریت افتاد و تعطیل شد. در قم، مهاجرین تصمیم به تأسیس «کمیته دفاع ملی» و ادامه مقاومت در برابر روس و انگلیس گرفتند و با کمک مالی و تسلیحاتی آلمان شروع به فعالیت گسترده در نواحی مرکزی و غربی و جنوبی ایران کردند. رضاعلی دیوان‌بیگی در کتاب خود به‌نام «سفر مهاجرت» می‌نویسد: «نگارنده آن اوقات ۲۲ سال از سنم می‌گذشت و پس از پایان تحصیل در مدرسه علوم سیاسی، در اداره تحریرات روس وزارت امور خارجه مشغول خدمت شده بودم... صبح روز دوشنبه ۷ محرم ۱۳۳۴ (۱۵ نوامبر ۱۹۱۵) حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری وزیر امور خارجه مرا احضار کرد و سر بسته گفت سفر مهمی در پیش است که باید بعضی همکاران اداری را با خود ببریم. میل دارید در این سفر با ما باشید؟ چون از موضوع مسافرت مطلع شده جواب مثبت دادم، با ارائه نوشته‌ای گفت: مطابق این صورت، دوسیه‌های محرمانه اداره روس را از دفتر تحویل بگیرید و سعی کنید تا فردا خود را به قم برسانید. برای خرج سفر و تهیه مرکوب، اداره حسابداری معادل سه ماه حقوق به شما مساعدت خواهد داد. حقوق من پس از دو سال خدمت، ماهی ۳۵ تومان بود. آن روز قشون روس برای اشغال پایتخت



محتشم‌السلطنه



پرنس رویس وزیر مختار آلمان

با وصول این تلگراف معلوم شد آلمانی‌ها در نظر دارند به‌جبران باخت خود در تهران، بازی را به نقاط دیگر کشور بکشانند و توده‌های مردم را برای جنگ ملی - مذهبی علیه روس و انگلیس تجهیز کنند. همان شب جلسه‌ای در حضور احمدشاه تشکیل شد و موضوع مورد مذاکره قرار گرفت و نظر کلی چنین بود که توقف وزیر مختار و اعضای سفارت آلمان در قم، هنگامی که شاه و دولت در تهران اقامت دارند، عملی غیر اصولی است مضافاً بر این که آنان با همکاری مهاجرین اقداماتی برای تشکیل سپاه داوطلب و توسعه جنگ در داخل ایران آغاز کرده‌اند. بر اساس این نظریه، رئیس دولت و رئیس مجلس و وزیر امور خارجه هر کدام جداگانه، ولی همزمان با ارسال نامه و پیام برای وکلا و روحانیون و تجار و کسبه و سایر صنوف، آنان را به معاودت دعوت کردند. تلاشی که حاصلی به‌بار نیاورد و داستان مهاجرت تا تشکیل دولتی به‌نام «حکومت موقتی» تحت ریاست رضاعلی خان نظام‌السلطنه در کرمانشاه و تبدیل ساوه و قم و کاشان و اراک و همدان و کرمانشاه و کردستان به میدان نبرد بین «بیروهای مقاومت» و نظامیان روس ادامه پیدا کرد. این رویدادها، بالتبع در سرنوشت مطبوعات و جامعه مطبوعاتی ایران اثر می‌گذاشت.

جنگ هم به‌عنوان پاداش، قسمتی از متصرفات عثمانی‌ها را در سرحدات غربی ایران، اضافه بر اداره بلاد کربلا و نجف، به ایرانیان واگذارند و از این قبیل بدل و بخشش‌ها. معیناً آن عده از وکلا و اشخاص متعین که به‌عزم اصفهان از تهران خارج شده بودند با وجود درخواست مکرر اولیای دولت، حاضر نشدند به مرکز مراجعت نمایند... تاسوعا و عاشورا با چهارشنبه و پنجشنبه مصادف بود و تعطیلات تا شنبه دوازدهم محرم (بیستم نوامبر ۱۹۱۵) طول کشید. صبح روز شنبه، آن دسته از وکلا که در تهران مانده بودند در عمارت بهارستان حاضر شدند و به‌دنبال مذاکراتی که در جلسه خصوصی صورت گرفت، چهار تن از وکلا (میرزا هاشم آشتیانی، معدل‌الدوله، عمادالسلطنه، صدرالممالک) مأمور شدند با رئیس‌الوزرا ملاقات و درباره اوضاع جاری مشاوره کنند. حوالی ظهر دیدار صورت گرفت. مستوفی‌الممالک به نمایندگان گفت اگر مهاجرت وکلا اشکالی در کار مجلس ایجاد کرده رفیع آن بر عهده رئیس مجلس است و دولت نمی‌تواند برای مجلس و مجلسیان تکلیف معلوم کند ولی به‌طور کلی دولت موجهی برای توقف مهاجرین در قم نمی‌بیند و مصمم است این نظر را اعلام و بازگشت ایشان را درخواست کند. مستوفی می‌دانست که این قضایا

از قزوین به سمت تهران می‌آمد. آقای مستوفی‌الممالک در واقع به اطمینان قول و قرار نمایندگان دولت آلمان می‌خواست به‌عجله احمدشاه و هیأت دولت را به اصفهان بفرستد و پایتخت را تغییر دهد. پدرم تازه مرحوم شده بود و من از خانواده خود سرپرستی می‌نمودم و آن سفر ناگهانی برای کس و کارم به‌منزله پیش‌آمد یک مصیبت غیر منتظره دیگر بود. از این گذشته، همچو مسافرتی، سر زمستان با عدم وسایل در آن روزگار پر آشوب خیلی سخت و خطرناک به‌نظر می‌آمد. معیناً به رفاه خویش و خانواده پشت پا زده، بستگان عزیز را که از فراق من اشک می‌ریختند به خدا سپردم و رفتم زیرا تعلق به میهن بر علاقی دیگر می‌چربید. همان روز به‌اتفاق حاج شیخ محمدحسین استرابادی نماینده استراباد (فراکسیون دموکرات) و حاج اسدالله خان معتمد وزیری نماینده کردستان (بیطرف) در مجلس شورای ملی که با آنها مراوده و دوستی داشتم به سمت قم حرکت کردم. نامبرداران که به‌واسطه تغییر پایتخت مسافر اصفهان بودند با اعمال نفوذ مقام نمایندگی توانستند یک کالسکه چپاری کرایه کنند و الا تهیه همچو وسیله نقلیه و حمل پرونده‌های مهم اداری، برای من امکان نداشت چنانکه جلال‌الدین خان کیهان، عضو مقدم اداره تحریرات روس، آن روز پس

ادامه دارد»



# قهوه و سرگذشت تاریخی آن، از زمان ورود به ایران



**با این نوشیدنی گرم همگان آشنا هستند، اما کمتر کسی می‌داند که این نوشیدنی از کجا و توسط چه کسانی به اروپا و آسیا آمد.**

بسیاری از ایرانیان قهوه را نوعی نوشیدنی فرنگی میدانند که از اواسط دوران قاجار توسط انگلیسی‌ها به ایران آمده است، حتی بیشتر مورخین پس از انقلاب هم در آثار خود ورود قهوه به ایران را به اشخاصی مانند تالبوت و رویتر نسبت می‌دهند و چای را که چند قرن پس از قهوه آمده دم‌نوشی اصیل‌تر در فرهنگ ایرانی میدانند.

اما خوب است بدانید که در ایران قهوه پیش از هر کشور دیگری در آسیا و اروپا شناخته شد و از ایران به عثمانی و سپس به اروپا رفت و پس از آن اسپانیایی‌ها و ایتالیایی‌ها آن را در اروپا گسترش دادند و تنها ۱۰ سال قبل از انقلاب فرانسه برای اولین بار قهوه به دربار فرانسه راه یافت و شکل امروزی خود را گرفت (قهوه فرانسه و سپس قهوه فوری)

در زمان تسلط مغول، گروهی از اشراف فارس به تانگاتیا یا تانزانیا امروزی مهاجرت کردند، که سپس حکومتی به نام شیرازی در شهر «دارالسلام» که همچنان بزرگترین شهر تانزانیاست تشکیل دادند. از این جماعت همچنان اقلیتی ۴ هزار خانواری معروف به فارس که در تانزانیا به اعیان‌زاده‌ها گفته می‌شود باقی مانده‌اند.

پس از تشکیل حکومت صفویه در سال ۱۵۰۳ میلادی تعدادی از نوادگان این مهاجرین به دلیل سلطه نسبی پرتغالی‌ها در آن محدوده به ایران بازگشتند و راه تجاری ایران تانزانیا را باز کردند؛ از جمله کالاهای وارداتی توسط این گروه قهوه و میخک (که گرد آن بسیار در ادویه‌های فارس و جنوب

دیده می‌شود) بود. این راه تجاری و درگیری با پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها در آن زمان، منجر به عقد پیمانی مبنی بر حق برداشت و خرید قهوه تانزانیا برای ایران شد. حتی که تا سال ۵۷ بنا بر اسناد، ایران قویا برای خود نگاه داشته بود.

بنا بر اسناد تاریخی، شاه عباس بنادر تانزانیا را به توپخانه مسلح کرده بوده از آثار این توپخانه‌ها، توپ‌های غنیمت گرفته شده از عثمانی در نبرد چالدران است که در موزه عجایب دارالسلام برجاست، این روند تا پایان صفویه ادامه داشته است. در همین دوران قهوه خانه‌ها در ایران پدید آمدند و برو بیایی کسب کردند. زمان مورد اعتراض بسیاری از علما و روحانیون قرار گرفتند، که شاه عباس بسیار از این موضوع رنجیده شد. شیخ بهایی نیز به سبب حضور در قهوه‌خانه‌ها و مجالس‌های بزم و شاهنامه‌خوانی در آنها، از طرف بسیاری ملایان متعصب طرد شد.

همراه با کف و دم است روش قجری است (روش عثمانی با یک بار جوش و بدون دم است).

با صدارت امیرکبیر و اصلاحات وی در سال ۱۸۵۰، عملاً نیمی از ارتش و نیمه‌جه ناوگان دریایی که ایران در آن زمان داشت از کار افتاد تا هزینه‌های اضافی دولت کاهش یابد. یکی از این دسته‌های ارتش، نیروهای زنگبار بودند که در تانزانیا خدمت می‌کردند. از آن پس مناطق حاصلخیز تانزانیا تحت سلطه اعراب و نهایتاً به پیوستن تانزانیا به مستعمرات آلمان در سال ۱۸۸۵ منجر شد.

پس از جنگ جهانی اول قیمومت تانزانیا به انگلیس واگذار شد، که در زمان صدارت سیدضیاءالدین طباطبایی که خود چندین بار به آفریقا و به خصوص دارالسلام سفر کرده بود، امتیاز قهوه به ایران باز پس داده شد.

در ۲۶ آوریل ۱۹۶۴ تانزانیا تبدیل به یک جمهوری مستقل شد و در فاصله کمی امتیاز قهوه را لغو کرد. این موضوع منجر به ورود یک گردان زرهی، ۴ هنگ تفنگداران دریایی و یک گردان تکاور ارتش ایران به تانزانیا شد. کل این روند از زمان اخطار دولت ایران تا زمان ورود ارتش، کمتر از یک شبانه‌روز به طول انجامید که امیرعباس هویدا در خاطرات خود گفته است روز جمعه ظهر خبر آن را در یکی از روزنامه‌های صبح فرانسه خواندم. این تهدید نظامی به دستور مستقیم شخص شاه ایران صورت گرفت و جز فرماندهان ارتش هیچ کس از آن اطلاع نداشت.

این تهدید نظامی منجر به اعتراض ۴۰ کشور به ایران و در نهایت، بازپس‌گیری این امتیاز برای ایران شد. گفتنی است مصر و اسرائیل از جمله معدود حامیان ایران در این موضوع بودند و چین، روسیه، کوبا و ترکیه از جمله معترضین به ایران.

در نهایت، از سال ۵۷ پس از انقلاب در هیچ سند تاریخی اثری از امتیاز جنجالی قهوه مشاهده نمی‌شود.

اما حضور مردانی چون میرداماد و شیخ بهایی در قهوه‌خانه‌ها باعث شد پس از مدتی این اعتراض‌ها کم‌رنگ شوند. شاه نیز تقدیر شایانی از اینان به‌خاطر حمایت ایشان نمود، هر چند هیچ یک از این دو، بعدها از رفع منع شرب شراب حمایت نکردند.

در دوران افشاریه نیز نادرشاه به ارزش تجارت قهوه پی برده بود و خرید قهوه را برای تاجر اروپایی در مقابل خرید زعفران و زیره از ایران می‌داده است. از آثار این دوران در تانزانیا چاه آب افشاری است.

پس از افشاریه در دوران زندیه، کریمخان حق ۳۰ سال قهوه تانزانیا را در مقابل یک جلد قرآن طلاکوب اهدایی از سلطان عثمانی، به عثمانی واگذار نمود.

در دوران قاجار یکی از اولین اقدامات آقا محمد خان که شخصاً علاقه فراوانی به قهوه داشت احیای این امتیاز بود. ایل قاجار مهارت خاصی در تهیه و مصرف قهوه داشتند و قهوه‌ای که امروزه به‌عنوان قهوه ترک شناخته می‌شود که

## جدول

**عمودی:**

- پژوهشگر، مؤلف، ادیب معروف و فقیه ایران و استاد پیشین دانشگاه تهران
- از خوانندگان خوش صدا و قدیمی کشور ما - خطای در بازی - دشمنی
- محل باده‌نوشی - سرپوشی - حرف ندا
- وحشی - ترازو - منسوب به حکمرانان مصر باستان
- سریچی - جسمی آلی و فرار
- داستان - محافظ - نورانی و تابان
- از شعرای نوپرداز و معروف ایران
- واحد اندازه‌گیری زمان - از وسایل اسب‌سواری - از آنطرف معنی محبت‌ها می‌دهد
- بنیه - چوب‌بند
- عددی است - دانش - تمرین و تکلیف
- خورشیدی - ربیع - وی - لحظه
- وقت و نوبت - از پیامبران - مفید
- از شعرای نوپرداز و فقیه ایران - مرضی است
- از نویسندگان معروف و داستانسرایان برجسته فرانسه - دریایی است
- تکرار یک حرف - شکلی است هندسی - شاعر و غزلسرای بلندآوازه و معاصر فقیه ایران

**افقی:**

- پژوهشگر عالیقدر و فقیه ایران و بزرگترین فهرست‌نگار نسخ خطی کشور ما
- از شعرای نوپرداز و فقیه ایران - مجاور
- از وسایل نجاری - آزادی - عارضهٔ پوستی
- مداخل - دیدار - پاره کردن
- آدمکش - اضطراب - حکم
- قومی بزرگ در افغانستان و بخشی از خراسان - حسی است
- تکرار یک حرف - سلسله کوهی است - خوراکی گیاهی دامی
- علمی است - مرد درشت اندام و بلندبالا
- حشره‌ای است - از انقلابیون معروف قرن بیستم - از حرکات آب دریا - مطلع

**حل جدول شماره قیل**

۱- گلستان  
۲- تکرار یک حرف - تدارکات برای نوزاد  
۳- موی گردن حیوانات  
۴- پایتخت کشوری است  
۵- دهان - زهر  
۶- از نویسندگان معروف فرانسه و برندهٔ جایزه ادبی نوبل  
۷- از ادویه‌ها - جواهر  
۸- چندگانگی و

**۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ**

در صفحه ۱۵

- «ناپلئون بناپارت» امپراتور فرانسه پیش از شهرت چه کاره بود؟  
۱- چاپارچی ۲- نقاش ۳- میوه‌فروش ۴- افسر توپخانه
- پس از سلسله «صفویان» چه سلسله‌ای به حکومت رسید؟  
۱- افشاریان ۲- تیموریان ۳- سربداران ۴- زندیه
- مرکز «راديو فردا» در کدام شهر است؟  
۱- بوداپست ۲- کیف ۳- براتیسلاوا ۴- پراگ
- «یونیکورن» چیست؟  
۱- نوعی شیرینی ۲- نوعی پلنگ ۳- اسب شاخدار و بالدار ۴- نوعی سلاح
- کدام فیلسوف یونانی به جرم واهی آلوده کردن افکار جوانان یونانی محکوم به مرگ با خوردن جام زهر شوکران شد؟  
۱- افلاطون ۲- سقراط ۳- ارسطو ۴- فیثاغورث
- کدام کوه در «تبت» برای یک پنجم جمعیت جهان مقدس است؟  
۱- اورست ۲- کای‌لاش ۳- لوتس ۴- شیشاپانگما
- کارگردان کدامیک از فیلم‌های زیر «مارتین اسکورسیز» نیست؟  
۱- باران‌ساز ۲- تنگهٔ وحشت ۳- آخرین وسوسهٔ عیسی مسیح ۴- پروازکننده
- در سال ۱۹۶۵ میلادی کشور «سنگاپور» استقلال خود را رسماً از کدام کشور به‌دست آورد؟  
۱- انگلستان ۲- فرانسه ۳- ژاپن ۴- چین
- کدامیک از رؤسای جمهور آمریکا ترور نشدند؟  
۱- آبراهام لینکلن ۲- جیمز مونرو ۳- جیمز گارفیلد ۴- مکینلی
- کدامیک از زنان یونان قدیم سمبل شکار بود؟  
۱- آرتمیسیس ۲- آتا ۳- هرا ۴- دی‌می‌تر

**وجه اشتراک این شخصیت‌ها چیست؟ در صفحه ۱۵**

**مارلون براندو**  
بازیگر فیلم «در بارانداز»

**فرانک سیناترا**  
خواننده و هنرپیشه

**جان هیوستون**  
کارگردان «ملکه آفریقا»

**هوراد هیوز**  
تهیه‌کننده فیلم و صاحب شرکت هواپیمایی «امریکا»

**همفری بوگارت**  
بازیگر فیلم «گازابلانکا»

**میکي رونی**  
کمدین و هنرپیشه سینما

**جدول اعداد (سودوکو)**

۲	۱								۳
			۷			۵			۶
۷		۵	۴					۲	۱
	۸	۴	۳						
						۶			۴
								۹	۸
			۱						
۸				۶				۲	
	۷			۵	۱	۸			
			۷	۸					

**حل جدول شماره قیل**

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱										
۲										
۳										
۴										
۵										
۶										
۷										
۸										
۹										
۱۰										
۱۱										

**افقی:**

- از فوتبالیست‌های قدیمی و معروف فرانسه
- وافر و زیاد - درز
- از شعرای رمانتیک فرانسه
- تکخال - جدیت و کوشش
- کوهی در ایران - مصون
- فرستادن - آشوب
- پایتخت کشوری است - درنگ - نوعی خاک
- استمرار - نقش - تصویر
- «اسپناج» به هم ریخته



# علم گفت: وقتی این پیام را از سفیر آمریکا شنیدم، آتش گرفتم

باز نشر



### (Turbulent Iran) recollections, Revelations and a proposal for peace

## ایران پر تلاطم سرالدون گریفیث (۵)

«ایران پر تلاطم» کتابی است به قلم سرالدون گریفیث (Eldon Griffiths) سیاستمدار و روزنامه‌نگار انگلیسی که از دوران جوانی، و زمانی که خبرنگار مجله نیوزویک بود، به ایران دلبستگی داشته، به نقاط مختلف ایران سفر کرده است و ایران و ایرانی را از نزدیک می‌شناسد. الدون گریفیث که دوران بازنشستگی را در کالیفرنیا جنوبی می‌گذراند، همچنان با ایرانیان در تماس است و مسائل ایران را با علاقه دنبال می‌کند. او، در کتاب خود از دیدارهایش با شاه و رجال سیاسی ایران در دوران قبل از انقلاب، وقایع منجر به انقلاب و رویدادهای بعد از انقلاب سخن می‌گوید. کتاب را فرید جواهر کلام به فارسی برگردانده و «نشر آبی» انتشار داده است. بخشهایی از آن را برای صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند.

ملاقات کردیم، انگوس ماری و من هر دو از اکبر خوشمان آمد او هم از ما. سابقه او در کارهای ساختمانی بسیار جالب بود، سوابق او در بانک پاک و صاف و خالی از خطا بود. اکبر کسی بود که ما می‌توانستیم به او اعتماد کنیم.

تمام مسائلی که می‌بایستی بر روی کاغذ بیاید و امضا شود تکمیل گردید و امضاء شد. یک مهندس اسکاتلندی به عنوان کارگزار تعیین گردید و سازمان اکبر هم کار را در کارگاه یعنی همان زمین وسیع در شمال اهواز شروع کرد.

در اینجا بود که ناگهان همه چیز به هم خورد و به قول انگلیسی‌ها سقف بر سرمان فرود آمد. رئیس شرکت ما در آمریکا یعنی شریک آمریکایی ما شرکت کرین فروهاف همراه با معاونش در شهر دیترویت متهم به این شدند که در حساب‌های مالیاتی خود دولت آمریکا را فریب داده و تقلب کرده‌اند این دو شخصیت یعنی رئیس و معاون آمریکایی ۵۰ درصد سهام شرکت را صاحب بودند. مقامات دولتی ادعا کرده بودند که جرم شرکت در این تقلب بسیار سنگین است در نتیجه هر دوی این سرمایه‌داران به زندان محکوم شدند. رؤسای انگلیسی این شرکت بر سر یک دواهی گیر کردند، قوانین انگلستان همکاری با کسانی را که به تقلب متهم شده و مجرم بوده‌اند منع می‌کرد. ولی اکنون شرکای آمریکایی از استعفا کردن خودداری می‌نمودند. آنها می‌گفتند ما باید در اجرای پروژه یادشده در ایران شرکت داشته باشیم. در این سوی دیگر استعفای آنها در این شرکت مستلزم آن بود که از ریاست بسیاری از شرکت‌ها در آمریکا از جمله بانک دیترویت نیز استعفا کنند.

برای یافتن یک راه چاره من به دیترویت پرواز کرده و با تعدادی از سرمایه‌داران درجه اول آمریکا مشورت کردم. نتیجه کار جالب نبود. رؤسای انگلیسی شرکت اصرار داشتند که شرکای آمریکایشان، آن دو نفر، یعنی رئیس و معاون محکوم شده از این اتهام و محکومیت، به دادگاه عالی آمریکا تقاضای استیناف بدهند. هنگامی که من این مسأله را به رئیس شرکت یعنی یکی از آن دو نفر اظهار داشتم پاسخش از روی درنده‌خویی زشت و وحشیانه بود بدین قرار:

«شکمت سفره می‌شه، هیکل!»  
سهمداران انگلیسی پولی را که در اختیار داشتند تبدیل به سهام کردند تا بتوانند اکثریت آرای سهامداران را بدست آورند و خود را پیروز کنند. نتیجه این کار دور از انتظار ما بود زیرا همه به حقانیت شرکای انگلیسی رأی دادند. اما از آن طرف شرکای آمریکایی بیکار ننشستند، هنگامی که تقاضای استیناف آن رئیس و معاون محکوم شده از طرف دادگاه رد شد معلوم نشد که به چه ترتیبی آنها آزاد شدند و بار دیگر در مقام خود در شرکت کرین فروهاف ابقاء گردیدند. همین که بر سر کار آمدند انگوس ماری و من را از دور خارج کردند. ما دیگر هیچ کاره بودیم و آنها همان پروژه ایران یعنی کارهای کارگاه اهواز را در اختیار خود گرفتند. در خلال این جریانات اکبر لاری تعهدات خود را تمام و کمال به صورتی وفادارانه به اجرا رساند. در این هنگام شرکت فروهاف خریدار شد که حکومت شاه در خطر است و متزلزل. شرکت به تردید افتاد که آیا کار ساختمان کارخانه شمال اهواز را به پایان برساند یا نه. ۶ ماه پیش از وقوع انقلاب، آمریکایی‌ها به طور کامل خود را از این پروژه مشترک بیرون کشیدند و تصمیم گرفتند کارخانه را در عربستان سعودی برپا کنند. تنها غرامتی که آنها به اکبر دادند پول‌هایی بود که وی از حبش خرج کرده بود. من فقط یک دلخوشی داشتم و آن اینکه در کنار اکبر بودم. هنگامی که ملاها، ایران را تسخیر کردند شرکت او مصادره شد. ولی اکبر به آمریکا بازگشت و شغل جدیدی را آغاز نمود. در سال ۲۰۰۵ او یکی از موفق‌ترین بساز بفروش‌های محله ملهاتان بود و نیز رئیس همان شرکت. بعداً وی را انتخاب کردند تا یکی از مدرن‌ترین و ایمن‌ترین ساختمان‌های ا.ف.بی. آی را بسازد. او یکی از بسیار ایرانیانی است که کمک کرده است آمریکا شکوفاتر شود و من اکنون دوستی بهتر از او ندارم.

ادامه دارد

در نواحی اطراف کشور قرار گرفته بود حاصل می‌شد که از مرکز اصلی جمعیت دور بودند. در هر تابستان مقدار زیادی میوه و لبنیات فاسد می‌شد و هدر می‌رفت، بین مزرعه و مرکز تولید تا بازار - راه حل این مسأله آن بود که مواد خوراکی را در تریلرهای یخچال‌دار بگذارند و به مراکز مختلف ارسال دارند.

در این جریانات طرف معامله من شرکت کرین فروهاف، یک شرکت انجام داده بود عنوان و لقب نایت (شوالیه) گرفت. در خلال این احوال یک شرکت انگلیسی به نام «پلی سی رادار» به ایران دعوت شد تا با اجرای پروژه‌های در سراسر مرزهای ایران برج‌های رادار نصب کند تا ایران پیش از خطر، از حملات هوایی دشمن آگاه گردد. یک شرکت آمریکایی به نام فیلکو فورد قبلاً تعدادی از این رادارها را در مرز شمالی ایران که مشرف به شوروی بود نصب کرده بود، ولی شاه اصراری داشت که چهار پایگاه دیگر از این نوع باید بین مرز ایران و عراق برپا شود. رئیس شرکت پلی‌سی از من سؤال کرد که نظر دولت انگلستان را در این زمینه بپرسم که آیا کار ما را تضمین می‌کنند، در سفر بعدی‌ام به ایران من این موضوع را با سفارت انگلیس ایران در میان گذاشتم. مقامات سفارت همیشه در این گونه مواقع کمک می‌کردند اما این بار گفتند در مورد حمله عراق به ایران شاه دچار توهم (پارانویا) شده است. تا زمانی که شاه بر تخت خود استوار بود فعالیت شرکت پلی‌سی از مرحله طرح فراتر نرفت. پس از آن اصل و اساس این طرح و قرارداد به وسیله رژیم اسلامی لغو گردید. در نتیجه هنگامی که در سال ۱۹۸۰ صدام حسین با موشک به ایران حمله کرد ایرانیان پیش از بروز خطر هیچ‌گونه اخطار و نشانه‌ای دریافت نداشتند. گذشته از آن نه سازمان سیا و نه اینتلجنت سرویس انگلستان این جریان را پیش‌بینی نکردند، ولی شاه با حساب‌های خودش پیش‌بینی کرده بود. \*\*\*

یک پروژه دیگر آمریکایی - انگلیسی که در آن هم نقشی داشتم شامل برپایی یک کارخانه تریلر (تریلی) سازی - مونتاژ تریلر که قرار بود در اهواز، جنوب کشور، برپا شود. این فکر بسیار خوبی بود زیرا قسمت عمده غلات مورد نیاز کشور از نواحی کمربندی باران خیز در جوار دریای خزر بدست می‌آمد و همچنین از نقاطی که به شکل واحه

پروژه نیروگاه اتمی با ایران امضاء کرد، همان پروژه پایگاه اتمی که شاه به من گفته بود. لباس‌های آمریکایی، تلفظ آمریکایی، اتومبیل‌های بزرگ آمریکایی بلوارهای تهران، بهترین هتل‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌های تهران را پر کردند.

اروپائیان کمتر در تهران به چشم می‌خوردند ولی در صدور و فروش کالاهایشان به ایران دست کمی از آمریکائیان نداشتند. از آلمان - فرانسه

مجلس کرد ولی آن لایحه دیگر توسط علم دنبال نگردید بلکه موکول شد به جانشین وی امیرعباس هویدا که هر دو مجلس را وادار به تصویب آن کند. این کار با یک ترفند ماهرانه اجرا شد که هر دو مجلس را (سنا و نمایندگان) فریب داد. وزرای کابینه هویدا رک و پوست کنده به هر دو مجلس دروغ گفتند. آنها اظهار داشتند که زنان و کودکان آمریکایی مشمول این قانون نمی‌شوند، یعنی قانون کاپیتولاسیون برای آنان نیست، اما راستش فرد فرد وزرای کابینه می‌دانستند که این حرف آن را به دست من داده گفت: «لطفاً این خواویار ایرانی را بپذیرید، مژه این خواویار بهتر از مژه نوع روسی آن است.» علم کانال اصلی بود که توسط وی سفیران آمریکا و انگلستان با شاه تماس می‌گرفتند. وی بیش از یکبار به من گوشزد کرد که سیاستمداران بیشتر به فکر آنند که برای سرمایه‌داران و بازرگانانشان قراردادهای صنعتی منعقد کنند و کمتر به فکر گسترش روابط دیپلماسی هستند.

علم می‌گفت زمانی سفیر آمریکا پیامی از جانب پنتاگون برای ما آورد که حاوی این نکته بود: مقامات نظامی آمریکا بسیار نگران وضع پرسنل نظامیانی هستند که اکنون روانه ایران هستند تا افراد ارتش ایران را آموزش دهند، آنها نباید در صورت ارتکاب جرم یا خلافی در دادگاه‌های ایران محاکمه شوند، آنها باید از این قانون مستثنی و مصون باشند. این در حقیقت همان «کاپیتولاسیون» بود، امتیازی برای خارجیانی که در دهه ۱۹۲۰ در ایران ملغی شد، و در نتیجه خارجیانی را محدود کرد و ایرانیان را بالا برد.

علم می‌گفت: «وقتی که من این پیام را از سفیر آمریکا شنیدم آتش گرفتم.» اکنون می‌بایست مجلس این قانون را برخلاف میل عموم مردم تصویب کند. بر اثر اصرار شاه، کابینه علم در این زمینه لایحه‌ای تقدیم

مجلس کرد ولی آن لایحه دیگر توسط علم دنبال نگردید بلکه موکول شد به جانشین وی امیرعباس هویدا که هر دو مجلس را وادار به تصویب آن کند. این کار با یک ترفند ماهرانه اجرا شد که هر دو مجلس را (سنا و نمایندگان) فریب داد. وزرای کابینه هویدا رک و پوست کنده به هر دو مجلس دروغ گفتند. آنها اظهار داشتند که زنان و کودکان آمریکایی مشمول این قانون نمی‌شوند، یعنی قانون کاپیتولاسیون برای آنان نیست، اما راستش فرد فرد وزرای کابینه می‌دانستند که این حرف آن را به دست من داده گفت: «لطفاً این خواویار ایرانی را بپذیرید، مژه این خواویار بهتر از مژه نوع روسی آن است.» علم کانال اصلی بود که توسط وی سفیران آمریکا و انگلستان با شاه تماس می‌گرفتند. وی بیش از یکبار به من گوشزد کرد که سیاستمداران بیشتر به فکر آنند که برای سرمایه‌داران و بازرگانانشان قراردادهای صنعتی منعقد کنند و کمتر به فکر گسترش روابط دیپلماسی هستند.

علم می‌گفت زمانی سفیر آمریکا پیامی از جانب پنتاگون برای ما آورد که حاوی این نکته بود: مقامات نظامی آمریکا بسیار نگران وضع پرسنل نظامیانی هستند که اکنون روانه ایران هستند تا افراد ارتش ایران را آموزش دهند، آنها نباید در صورت ارتکاب جرم یا خلافی در دادگاه‌های ایران محاکمه شوند، آنها باید از این قانون مستثنی و مصون باشند. این در حقیقت همان «کاپیتولاسیون» بود، امتیازی برای خارجیانی که در دهه ۱۹۲۰ در ایران ملغی شد، و در نتیجه خارجیانی را محدود کرد و ایرانیان را بالا برد.

علم می‌گفت: «وقتی که من این پیام را از سفیر آمریکا شنیدم آتش گرفتم.» اکنون می‌بایست مجلس این قانون را برخلاف میل عموم مردم تصویب کند. بر اثر اصرار شاه، کابینه علم در این زمینه لایحه‌ای تقدیم

علم می‌گفت: «وقتی که من این پیام را از سفیر آمریکا شنیدم آتش گرفتم.» اکنون می‌بایست مجلس این قانون را برخلاف میل عموم مردم تصویب کند. بر اثر اصرار شاه، کابینه علم در این زمینه لایحه‌ای تقدیم

مجلس کرد ولی آن لایحه دیگر توسط علم دنبال نگردید بلکه موکول شد به جانشین وی امیرعباس هویدا که هر دو مجلس را وادار به تصویب آن کند. این کار با یک ترفند ماهرانه اجرا شد که هر دو مجلس را (سنا و نمایندگان) فریب داد. وزرای کابینه هویدا رک و پوست کنده به هر دو مجلس دروغ گفتند. آنها اظهار داشتند که زنان و کودکان آمریکایی مشمول این قانون نمی‌شوند، یعنی قانون کاپیتولاسیون برای آنان نیست، اما راستش فرد فرد وزرای کابینه می‌دانستند که این حرف آن را به دست من داده گفت: «لطفاً این خواویار ایرانی را بپذیرید، مژه این خواویار بهتر از مژه نوع روسی آن است.» علم کانال اصلی بود که توسط وی سفیران آمریکا و انگلستان با شاه تماس می‌گرفتند. وی بیش از یکبار به من گوشزد کرد که سیاستمداران بیشتر به فکر آنند که برای سرمایه‌داران و بازرگانانشان قراردادهای صنعتی منعقد کنند و کمتر به فکر گسترش روابط دیپلماسی هستند.

علم می‌گفت زمانی سفیر آمریکا پیامی از جانب پنتاگون برای ما آورد که حاوی این نکته بود: مقامات نظامی آمریکا بسیار نگران وضع پرسنل نظامیانی هستند که اکنون روانه ایران هستند تا افراد ارتش ایران را آموزش دهند، آنها نباید در صورت ارتکاب جرم یا خلافی در دادگاه‌های ایران محاکمه شوند، آنها باید از این قانون مستثنی و مصون باشند. این در حقیقت همان «کاپیتولاسیون» بود، امتیازی برای خارجیانی که در دهه ۱۹۲۰ در ایران ملغی شد، و در نتیجه خارجیانی را محدود کرد و ایرانیان را بالا برد.

علم می‌گفت: «وقتی که من این پیام را از سفیر آمریکا شنیدم آتش گرفتم.» اکنون می‌بایست مجلس این قانون را برخلاف میل عموم مردم تصویب کند. بر اثر اصرار شاه، کابینه علم در این زمینه لایحه‌ای تقدیم

علم می‌گفت: «وقتی که من این پیام را از سفیر آمریکا شنیدم آتش گرفتم.» اکنون می‌بایست مجلس این قانون را برخلاف میل عموم مردم تصویب کند. بر اثر اصرار شاه، کابینه علم در این زمینه لایحه‌ای تقدیم

اسدالله علم



امیرعباس هویدا





## روزنامه کیهان توقیف شد



● روزنامه کیهان با شکایت شورای امنیت ملی و به دلیل اقداماتی خلاف سیاست‌های اصولی و بین جمهوری اسلامی ایران در مسائل و امنیت منطقه‌ای برای دو روز پیاپی توقیف شد.

روزنامه کیهان به دلیل استفاده از دو تیتیر تهدیدآمیز علیه امارت متحده عربی در دو روز پیاپی، به دستور دادستانی تهران به مدت دو روز توقیف شد.

دادستانی تهران بر اساس شکایت شورای امنیت ملی مبنی بر اقدام روزنامه کیهان، که «خلاف سیاست‌های اصولی و بین جمهوری اسلامی ایران در مسائل و امنیت منطقه‌ای» خوانده است، این روزنامه را برای برای دو روز در شنبه و یکشنبه، ۲۰ و ۲۱ آبان ماه، توقیف کرد.

هیات نظارت بر مطبوعات دو روز گذشته به روزنامه کیهان بابت تیتیر «شلیک موشک انصارالله به ریاض، هدف بعدی دوی»، که خلاف مصالح و امنیت ملی تشخیص داده شد، تذکر داده بود. پس از آنکه روز شنبه، ۱۳ آبان ماه،

حوثی‌های یمن موشکی بالستیک به سوی فرودگاه ریاض، پایتخت عربستان سعودی، پرتاب کرد و این حمله موشک توسط نیروهای عربستان دفع شد، روزنامه کیهان در تیتیر نخست شماره روز دوشنبه خود با اشاره به این حمله نوشت: «شلیک موشک انصارالله به ریاض، هدف بعدی دوی». در حالی که هیئت نظارت بر مطبوعات به دلیل استفاده از این تیتیر به این روزنامه تذکر داد، تیتیر روز سه‌شنبه این روزنامه، با طعنه به هیئت نظارت مطبوعات، «مصالح ملی در حمایت از مظلومان یمن است نه نگرانی برای برج‌های دوی» بود. اما گویا با توجه به معادلات موجود

در منطقه و آرایش جدی و هماهنگ آمریکا، اسرائیل و عربستان در مقابل تحولات جمهوری اسلامی، پافشاری حسین شریعتمداری بر استفاده از ادبیات جنگ‌طلبانه خوشایند نظام قرار نگرفته و شکایت شورای امنیت ملی علیه کیهان به توقیف دو روزه این روزنامه منجر شده است. کیهان تهران، روزنامه‌ای است که در چهار دهه گذشته همواره در حاشیه امن از ممیزی و سانسور و برخورد قرار داشته و گفته می‌شود حسین شریعتمداری سردبیر این روزنامه در حمایت از مظلومان یمن است نه نگرانی برای برج‌های دوی» بود. اما گویا با توجه به معادلات موجود

## یک فرد مسلح کلیسایی در تگزاس را به خون کشید



- در حمله یک مرد مسلح به کلیسایی در شهر «ساترنلند اسپرینگز» ایالت تگزاس آمریکا ۲۷ نفر کشته و تعدادی مجروح شدند.

یک فرد مسلح در شهر «ساترنلند اسپرینگز» ایالت تگزاس آمریکا وارد یک کلیسا شد و شرکت‌کنندگان در مراسم دعای روز یکشنبه را به رگبار بست. در این حادثه دست کم ۲۷ نفر کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند اما تعداد دقیق کشته‌شدگان هنوز مشخص نشده است. پلیس می‌گوید ضارب ساعت ۱۱:۳۰ صبح به وقت محلی وارد کلیسا شده و شروع به تیراندازی کرده است. به گفته پلیس مرد مهاجم در درگیری با نیروهای امنیتی و پلیس، کشته شده است و به روایتی دیگر یکی از شرکت‌کنندگان مراسم فرد مهاجم را هنگامی که در اتومبیل خود قصد فرار داشت مورد اصابت گلوله قرار داده و پلیس جسد

وی را در اتومبیل یافته است. گفته می‌شود کسی که به مهاجم شلیک کرده اسلحه‌ی خود را به سرعت از خانه‌ی خود که در همان نزدیکی بود آورده است. به گزارش گاردین یکی از شاهدان عینی گفته است بیش از ۵۰ نفر در کلیسا حضور داشتند. فرماندار تگزاس در واکنش به این رویداد در صفحه توییتر خود با قربانیان این حمله ابراز همدردی کرده است.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا نیز در توییته نوشت: «خداوند همراه مردم تگزاس باشد، پلیس FBI در صحنه حاضر است، در حال پیگیری وقایع از زاین هستیم». هنوز هویت فرد ضارب و انگیزه او از این تیراندازی کاملاً مشخص نشده ولی در آخرین خبرها آمده که جوانی ۲۶ ساله بوده که به عنوان سرباز در جنگ خدمت کرده است.

### نه اجبار نه خواهش از صفحه ۱۲

همچنین می‌بیند که سازمان‌های قومی به تندی رنگ تجزیه‌طلبی می‌گیرند. با این‌همه نمی‌تواند از گذشته خود، گذشته‌ای که هیچ کس از آن شاد نیست، ببرد. بیشترین‌های که چپ برای جلوگیری از مخاطراتی می‌کند که هر ایرانی معمولی به آسانی می‌بیند، زدن به نعل و میخ است. در برابر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه‌ای

که در شرایط ایران، بی‌تردید هم دمکراسی و هم آینده ایران و هم بهروزی ایرانیان - همه ایرانیان - را تباه خواهد کرد، نمی‌توان روی مسائل اساسی ماله کشید و مثلاً ملی و قومی را با هم آورد و به اصطلاح میانه را گرفت. همه کشاکش بر سر همین ملی و قومی است و اگر نه در باره حقوق ایرانیان و افراد متعلق به

**پاسخ سوالات (۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ) از صفحه ۱۳**  
۱- افسر توپخانه ۲- افشاریان ۳- پراگ ۴- اسب شادخار و بالدار ۵- سقراط ۶- کوه کای لاش ۷- باران ساز ۸- انگلستان ۹- جیمز مونرو ۱۰- آرتیمیس



**پاسخ وجه اشتراک**  
از صفحه ۱۳  
**اینان همگی معشوق یا همسر آوا گاردنر بوده‌اند**

### نوزده سال از قتل‌های سیاسی ... از صفحه ۶

ابتدا با اعلام پایان تحقیقات مهلت ده روزه و غیرقابل تمدیدی برای وکلای ما مشخص شد تا پرونده را بخوانند. من دوباره به ایران آمدم تا با خواندن این پرونده شاید سرانجام پاسخی به انبوه پرسش‌های جانکاه خود بیابم. در نخستین جلسه، قاضی ویژه این پرونده به من گفت: «در مورد قاتلان پدر و مادر شما دو حکم قصاص صادر خواهد شد که البته اگر قصد اجرای حکم قصاص در مورد قاتل مادرتان را داشته باشید موظف به پرداخت نصف دیه ی متهم به خانواده اش هستید.» این جمله که مانند زهری بر زخم‌های من پاشیده شد آشکارکننده‌ی شیوه‌ی برخورد وی با این پرونده ی ملی بود. در طول مهلت ده روزه، من نیز به همراه وکلایمان هر روز در دادستانی نظامی به خواندن برگ برگ این پرونده نشستیم. پرونده‌ای که علیرغم تمامی نواقص به وضوح نمایانگر شیوه‌های مخوف و غیرانسانی حاکم در برخورد با دگراندیشان بود.

**اما نقایص پرونده:**  
ارجاع پرونده به دادسرای نظامی برخلاف ادعای مسئولان تنها در پی دستور کتبی رئیس قوه قضاییه انجام گرفته بود و هیچ مدرکی دال بر پایه‌ی قانونی این ارجاع در پرونده نبود. بسیاری از صفحه‌های بازجویی‌ها و دیگر مدارک از پرونده خارج شده بود. از جمله بازجویی‌های سعید امامی، فردی که زمانی از سوی دادستان نظامی تهران متهم اصلی این جنایت‌ها معرفی شده بود. گزارش بالینی در مورد چگونگی مرگ او نیز در پرونده نبود. در اعترافات دیگر متهمان نقش سعید امامی در این جنایت‌ها بسیار مبهم باقی مانده بود. هیچ سوالی که روشن‌کننده‌ی این نقش باشد از سوی بازجویان مطرح نشده بود.

تمامی بازجویی‌های مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی از متهمان اصلی پرونده، مربوط به پیش از سال ۷۹ از پرونده خارج شده بود. بازجویی دیگر متهمان پرونده از سال ۷۷ نیز خلاصه به چند جمله در اعتراف به قتل‌ها بود که همگی به قید کفالت آزاد شده بودند.

مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی با ذکر دلایل و شواهد گوناگون مدعی بودند که دستور قتل‌ها را از وزیر اطلاعات وقت گرفته‌اند. آن‌ها همچنین برای اثبات سازمانی بودن این جنایت‌ها و نقش فرمانبر خوشی از موردهای مشابه دیگری از جنایت بر ضد دگراندیشان نام برده بودند. از جمله توطئه ی اتوبوس ارمنستان. در این موارد تحقیقات لازم انجام نشده بود. عده‌ای متهمان پرونده مدعی بودند که «حذف فیزیک» دگراندیشان جزء وظایف شغلی آنان بوده و قبل از پاییز ۷۷ نیز به چنین عملیاتی دست زده‌اند. اینان برای تأیید گفته‌هایشان هر یک شواهدی ذکر کرده‌اند. مسئولان پرونده چنین اعتراف‌های هولناکی را نادیده گرفته و حتی یک سوال در این مورد در پرونده موجود نبود. برداشت حاکم بر مجموعه‌ی متهمان حاکی از آن بود که برای آنان قتل راهی قانونی و مشروع برای خاموش کردن مخالفت‌های سیاسی دگراندیشان بوده است. چنین برداشتی پرورش فکری و سازمانی خاصی را طلب می‌کند. اما مسئولان پرونده از کنار این مسأله کلیدی بدون هرگونه تحقیقی در جهت ریشه‌یابی گذشته‌اند. حتی یکی از متهمان عنوان کرده که از نظر او قتلی اتفاق نیافتاده و فقط «حذف دو عنصر خائن و کثیف انجام گرفته که طبق دستور انجام شده.» منظور او پدرومادرم بوده است. این متهم به دلیل نبود شواهد کافی در مورد حضور مؤثر در صحنه‌ی قتل تبرعه شد. (او از کسانی بوده که در شب قتل در بیرون خانه‌ی ما کشیک داده است.) متهمان پرونده در برهه‌های بازجویی، خود را با نام‌های متفاوت و مشخصات پرسنلی گوناگون معرفی کرده‌اند. عده‌ای از آنان مدعی بودند که مخفی کردن هویت اصلی خود را با صلاح‌دید دادستان نظامی انجام داده‌اند، که این خود نشانه‌ی بارز تبانی متهم و بازجو برای مخدوش کردن حقایق است.

مسئولان قضایی پرونده از پیشبرد هدفشان که بستن این پرونده بود باز نایستادند. دادگاه پشت درهای بسته رأی به محکومیت مأموران اجرای قتل‌ها داد و از بررسی ریشه‌ای این جنایت‌ها سر باز زد، و این چه تعبیری می‌تواند داشته باشد جز آنکه عده‌ای مأمور قدا شدند تا دستوردهندگان این جنایت‌ها از دست‌های عدالت و چشم‌های عدالتخواه مردم دور بمانند. اما به عبث پنداشتند زیرا که این روند هیچگونه پذیرشی در میان مردم نیافت و هرچه تلاش کردند رسوایی این نمایش در نزد افکار عمومی بیشتر شد. این دادگاه با محکوم کردن سه تن از مأموران اجرای قتل به مجازات قصاص و واگذاری مسئولیت اجرای این احکام به بازماندگان مقتولان، حوزه‌ی مجازات در این پرونده‌ی ملی را به انتقام‌جویی شخصی بدل کرد و اینگونه بریدگی خویش از انسانیت و اخلاق را به وضوح آشکار کرد.

این دادگاه و احکام آن بی‌حرمتی نابخشودنی ست بر کشته‌شدگان ما که جان خویش در راه آزادی باختند. زندگی و مرگ آنان متعلق به مردم است، متعلق به تاریخ مبارزات آزادیخواهانه‌ی ملت ایران و نه وسیله‌ی انتقام‌جویی بستگان‌شان. این دادگاه و احکام آن ظلم مطلق است بر ما بازماندگان قربانیان. تلاش ما در پیگیری این جنایت‌ها هیچ‌گاه برای گرفتن اجازه‌ی کشتن متهمان این پرونده‌ی ساختگی از دستگای قضایی نبوده است. مسئولیت رأی دادگاهی که ما صلاحیت آن و درستی تحقیقاتش را به رسمیت نشناختیم بر شانه‌های ما تحمیل کردند و این فضیحت را دادرسی نامیدند.

این روند، این دادگاه‌فرمایشی و احکام آن در واقع مجازات جمعی یکایک ما ست به جرم دادخواهی آزادگانمان. ما خواستار مجازات اعدام برای هیچ‌کس نیستیم، ما خواستار دادرسی واقعی این جنایت‌های ضدبشری هستیم. ما خواستار افشای حقایق هستیم. در واکنش به رأی دادگاه، مادر بزرگم، برادر و من در نامه‌ای رسمی به دیوان عالی کشور اعلام کردیم که تقاضای مجازات اعدام برای او متهمی که محکوم به قصاص شده‌اند، نداریم. تا مبدا این بار با توطئه‌ای برگشت‌ناپذیر از سوی مسئولان پرونده روبرو شویم، تا مبدا کسانی را بکشند و بگویند برای احقاق حق ما چنین کرده‌اند. مخالفت ما با حکم اعدام اما دستاویز دستگاه قضایی شد تا در دادگاه تجدیدنظر، که ما حتی از تشکیل آن مطلع نشدیم، با لغو حکم قصاص مجازات دیگر متهمان پرونده را نیز چنان کاهش دهد که حتی به آزادی برخی از آنان بیانجامد. برای خاموش کردن صدای اعتراض، ناصر زرافشان وکیل این پرونده را، محاکمه کشیدند و به زندان انداختند. زهرخند بر سرانجام این روند رسوا باید زد که مجازات وکیل مدافع حقوق قربانیان را سنگین‌تر از مجازات برخی از متهمان به قتل در این پرونده‌ی ملی رقم زد. نشریه‌هایی که تلاش پیگیری در راه افشای ابعاد و بستر فکری و سازمانی این جنایت‌ها کردند توقیف شدند، روزنامه نگاران‌شان به زندان و یا خاموشی کشیده شدند تا نابوری و خشم عمومی به اعتراض نیانجامد اما آمران قتل‌های سیاسی به پای میز محاکمه نرسیدند. وکیل ما به جرم دادخواهی به زندان و شلاق محکوم شد و وزیری که زیردستانش را به مأموریت قتل فرستاده بود رأی برائت گرفت. پرونده قتل‌های سیاسی آذر ۷۷ دادرسی نشده و تا زمانی که در یک دادگاه صالحه، با نظرات افکار عمومی رسیدگی نشود و تمامی کسانی که در شکل‌گیری این جنایت‌ها دست داشته‌اند به پای میز محاکمه کشیده نشوند، باز خواهد بود. قتل سیاسی به گونه‌ی یکی از کثیف‌ترین جنایت‌های ضدبشری زخم‌های عمیقی بر جامعه‌ی ما نشاندند. درمان این زخم‌ها تنها در اصراری صادقانه و به‌دور از هرگونه سازش بر سر حقایق است. و این تلاش انسانی آشکن پلایشی جامعه از دور بسته‌ی خشک اندیشی و خشونت خواهد بود. یاد آنان زنده باد که در راه آزادی ایران جان باختند.

پاییز ۱۳۸۱



## همکاری سازمان شیلات و نیروی دریایی ارتش و القاعده با سپاه در انتقال سلاح به حوثی‌های یمن



اسکله «کوه مبارک» حوالی جاسک در استان هرمزگان

پخش شوند و به این ترتیب حرکت از میان آنها برای انتقال محموله‌های تسلیحاتی به سواحل جنوبی با کمترین ایجاد حساسیت از لابلای این قایق‌های پر شمار مقدور می‌شود. در واقع در محدوده‌ی نسبتاً وسیعی از دریا از طریق رادار شناسایی یک قایق در میان شناورهای متعدد ممکن نیست.

برای تامین امنیت این قایق‌ها صنایع دریایی وزارت دفاع ده‌ها قایق تندرو از نوع «گلف» به سازمان حفاظت دریایی شیلات به صورت سفارشی تحویل داده تا بتوانند ماموریت پشتیبانی در دریا را انجام دهند. این قایق‌ها در گشت شیلات مورد استفاده قرار می‌گیرند.

عبور از میان تعداد زیادی قایق ماهیگیری بزرگ و کوچک که روزانه در دریا شناور هستند و آنها را قایق‌های سپاه و همچنین حفاظت سازمان شیلات پوشش می‌دهند کار انتقال تسلیحات را آسان می‌کنند و با توجه به اینکه از نظر قواعد بین‌المللی



قایق‌های تحویل شده به شیلات که در کارخانجات صنایع دریایی وزارت دفاع ساخته شده

شناورهای نظامی شعاع تامینی دارند، در مواقع ضروری نیروی دریایی ارتش نیز با ناوچه‌ها و هاورکرافت‌های خود آنها را در پناه خود می‌گیرد. قایق‌های حامل سلاح در اسکله‌های دورافتاده متعلق به سپاه بارگیری می‌شوند و خود را، همان‌طور که توضیح داده شد، از طریق مسیرهایی که شمار زیادی قایق ماهیگیری در آنها شناور هستند به سواحل کشور عمان می‌رسانند. یادآوری می‌شود که طرح انتقال منطقه دوم نیروی دریایی ارتش از بندر بوشهر در خلیج فارس به بندر جاسک در سواحل مکران و میناب و چابهار نیز به انجام ماموریت انتقال سلاح به یمن کمک کرده است.

این طرح یکی از استراتژی‌های نظامی و اقتصادی بود که گفته می‌شود علی‌حاشای خامنای تحت مشاوره روس‌ها از سال ۸۷ کلید زد که بخشی از آن به پایان رسیده است. هدف این طرح انتقالی، افزایش توان نظامی در سواحل مکران در دهانه‌ی ورودی دریای عمان است.

در حد فاصل اسکله «کوه مبارک» تا جاسک و فرودگاه تا کنارک بیش از ۱۵ اسکله متروکه و دورافتاده قرار دارد که لنج‌های سپاه در آنها امکان بارگیری دارند. تسلیحات و تجهیزات نظامی پس از رسیدن به مرز عمان و یمن، با همکاری القاعده از شرق به غرب یمن که محل استقرار انصارالله است منتقل می‌شود.

پیش از این نیز منابع خارجی گزارش‌های غیررسمی از همکاری ایران و القاعده در یمن منتشر کرده بودند.

### ● مهمات و تسلیحات پس از رسیدن به مرز عمان و یمن توسط نیروهای القاعده به غرب یمن که محل استقرار انصارالله است منتقل می‌شود.

در ماموریتی مشترک، سازمان شیلات و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در انتقال سلاح به حوثی‌های یمن با نیروی دریایی سپاه در دریای عمان مشارکت داشته‌اند؛ انتقال تسلیحات در خاک یمن به عهده القاعده است.

با آغاز جنگ در یمن سپاه پاسداران از طریق تعداد محدودی اسکله‌ها و بنادر دور افتاده در ساحل دریای عمان و خلیج عدن از طریق بنداری که زیر نظر سپاه اداره می‌شد اقدام به ارسال سلاح و مهمات به حوثی‌ها در یمن می‌کرد، اما با محدود شدن این مسیر روش‌های دیگری را در دستور کار خود قرار داد.

این تسلیحات حالا با استفاده از قایق‌ها و لنج‌های صیادی کوچک‌تر که رهگیری آنها در رادار با محدودیت روبروست، محموله را به سواحل کشور عمان در حاشیه جنوبی دریای عمان منتقل می‌کنند و از آنجا از طریق زمینی برای حوثی‌ها قاچاق می‌شود. به گزارش کیهان لندن، گفته می‌شود در مسیر انتقال سلاح از بندر سپاه در مناطق متروکه تا سواحل عمان، گشتی‌های سازمان شیلات و نیروی دریایی ارتش با نیروهای اطلاعات و عملیات نیروی دریایی سپاه همکاری می‌کنند.

این ماموریت زیر عنوان «حفظ و بازسازی ذخایر آبزیان» انجام می‌شود. این یک طرح مشترک است که در آن یگان حفاظت منابع آبزیان شیلات با نیروی دریایی سپاه و قایق‌های تندروان وظیفه‌ی مقابله با صید غیرمجاز آبزیان را بر عهده دارند و در دریا گشت‌زنی می‌کنند. همزمان از این تشکیلات برای استفاده از مسیر غیرمستقیم قایق‌های حامل تجهیزات نظامی و تسلیحات به عنوان پوشش در میان قایق‌های ماهیگیری استفاده می‌شود.

دقت صید و صیادی سازمان شیلات ایران به صاحبان قایق‌های ماهیگیری در دستورعملی ابلاغ کرده که در جهت طرح «حفظ ذخایر آبزیان دریای عمان» تنها مجوز صید به شرط حفظ فاصله ۱۰ مایلی از ساحل در عمق بیش از ۲۰۰ متر را دارند. این ابلاغیه در وسایط‌های محلی بازتاب داشته است.

قانون جدید سبب گشته تا قایق‌های صیادی از ساحل دور شده و در سطح وسیعی از دریا به سوی آب‌های عمان

### ● شواهد نشان می‌دهد ایران از طریق دریای عمان و خاک کشور عمان به حوثی‌های یمن سلاح ارسال می‌کند. ● گفته می‌شود که عملیات انتقال سلاح با روشی ساده و دست‌ورعمل قانونی میسر شده.

بریتانیا به جانشین اعتراض شدید کردند. جانشین بعد از این ماجرا تلاش زیادی کرد تا اظهاراتش تأثیر منفی روی پرونده زاغری نداشته باشد از این رو با محمدجواد ظریف وزیرخارجه جمهوری اسلامی ایران گفتگو کرد تا برنامه‌ی یک سفر به تهران را هماهنگ کند و قرار است بوریس جانسون پس از واشنگتن به ایران سفر کند.

وزارت خارجه بریتانیا زمان دقیقی برای این سفر اعلام نکرده اما سخنگوی این وزارت‌خانه پیش از این گفته بود جانسون در سفر به تهران تلاش خواهد کرد با نازنین زاغری دیدار کند. همچنین اخباری که از وزارت خارجه بریتانیا به گوش می‌رسد علاوه بر حمایت از توافق اتمی، انبوهی از وعده و وعیده‌ها برای همکاری‌های اقتصادی و گسترش روابط تهران و لندن است.

حالا سرنوشت نازنین زاغری ناخواسته به کلان‌ترین مسائل سیاسی و بین‌المللی، از جمله توافق اتمی، گره خورده و این موضوع به عقیده‌ی ناظران بسیار نگران کننده است. ایران پیش از این هم با گروگانگیری چهار شهروند دوتابعیتی و آمریکایی، میلیاردها دلار پول نقد بلوکه شده خود را از دولت باراک اوباما پس گرفت.

## معاون رییس جمهوری عراق: همه چیز در عراق تحت کنترل ایران است

دولت فدرال است و اقلیم کردستان طبق قانون اساسی به عنوان یک منطقه با مرزهای قبل از سال ۲۰۰۳ تعریف شده است. اما یک منطقه‌ی اداری فرقه‌ای نیست، یا یک منطقه سنی یا شیعه نیست و هرگونه تلاش علیه دولت فدرال و کشور عراق، برخلاف قانون اساسی است. دو ماه پیش فواد معصوم رییس جمهوری عراق برای حل و فصل اختلافات بین اقلیم کردستان و بغداد طرحی داد که تا کنون باشکست مواجه شده است.

۱۶ آبان‌ماه، مقتدی صدر، رهبر جریان صدر که با تهران همکاری دارد به نیروهای «سرایا السلام» دستور داد تا طی ۷۲ ساعت آینده، از کرکوک عقب‌نشینی کنند. حکومت ایران مدعی است طرح قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، کردستان عراق را از یک بحران نجات داد. اخیراً اعتراف رسمی مقام‌های دولتی در بغداد درباره میزان نفوذ رژیم ایران در امورات عراق کم‌سابقه بوده است.

## «احمد مولی ابوناھض» از رهبران ایرانی «جنبش الاهواز» در هلند ترور شد



احمد مولی ابوناھض

اهوازی در ایران نیز محکوم شده است. حسن راضی، مدیر «مرکز الاهواز» مستقر در لندن به اسکای نیوز گفته ترور رهبران سیاسی توسط جمهوری اسلامی ایران سابقه داشته و تهران از اینترپل خواسته بود که ابوناھض بازداشت شود و برای محاکمه به تهران مسترد گردد. او می‌گوید، این فعال سیاسی برای عدالت‌خواهی می‌جنگیده است.

به اختلافات درون گروهی این سازمان مربوط باشد که یک سال پیش دچار انشعاب شد. پایگاه خبری «الیوم السابع» گزارش داد گروهی از «مبارزین اهوازی خارج از ایران»، با محکوم کردن این ترور، احمد مولی را یکی از «رهبران ملی برای آزادی اهواز» دانستند که علیه «تبعیض‌نازادی» مبارزه می‌کرد. در این بیانیه دستگیری گسترده‌ی فعالین

### ● فعالین عرب می‌گویند رژیم جمهوری اسلامی عامل ترور احمد نیسی بوده است که برای «آزادی اهواز» فعالیت می‌کرده است.

احمد نیسی با نام حزبی «احمد مولی ابوناھض» یکی از فعالین سیاسی اهواز شامگاه چهارشنبه هشتم نوامبر (۱۷ آبان) در شهر لاهه هلند مقابل منزلش با شلیک سه گلوله توسط یک فرد نقاب‌دار ترور شد. روزنامه «عکاظ» چاپ عربستان گزارش داد ابوناھض پس از ترور به بیمارستان منتقل شده، اما به دلیل شدت جراحات در بیمارستان درگذشت.

پایگاه خبری عرب زبان «صدای وطن» نوشته یکی از گلوله‌ها به سر او و دو گلوله دیگر به قلب او اصابت کرد.

او یکی از رهبران «جنبش آزادی‌بخش الاهواز» بود که به روایتی برای «حقوق خلق عرب» مبارزه می‌کرد و به روایتی دیگر از فعالان تجزیه‌طلب قومی بود. برخی این ترور را به رژیم جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند در حالی که برخی معتقدند این ترور ممکن است

## تلاش‌های بوریس جانسون برای کاهش آثار منفی «گاف مبتدیانه»



بوریس جانسون وزیرخارجه بریتانیا

اول نوامبر در نشست‌هایی که در کمیته روابط خارجی پارلمان بریتانیا برگزار شد گفته بود نازنین زاغری، شهروند ایرانی- بریتانیایی که در زندان اوین در تهران محبوس است، خبرنگاران در ایران را آموزش می‌داده است.

این اظهارات برای نازنین زاغری گران تمام شد و قوه قضاییه جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی از آن به عنوان شاهی برای اثبات اتهام او در پرونده سوء استفاده کرده‌اند. این اظهارات توسط بنیاد تامسون سازمان خیریه وابسته به خبرگزاری رویترز، که زاغری در آن کار می‌کرده، تکذیب شد و ریچارد رتکلیف همسر نازنین زاغری و تعدادی از نماینده‌های مجلس

ما نباید رفتارهای متضاد ایران در سایر مسائل، از جمله برنامه موشکی بالستیک و بازداشت‌های شهروندان دوتابعیتی را نادیده بگیریم و باید برای آنها اقدامات لازم را انجام دهیم».

جانسون قرار است در این سفر دو روزه با پل رایان، رییس مجلس نمایندگان آمریکا، کوین مک‌کارتی و میچ مک کنل رهبران اکثریت در مجالس نمایندگان و سنا و تعدادی از اعضای ارشد کمیته‌های روابط خارجی سنا و مجلس نمایندگان دیدار کند.

سفر وزیر خارجه بریتانیا به آمریکا و همین‌طور اظهارات او در حمایت از برجام در حالی صورت گرفته که او

### ● وزیر خارجه بریتانیا قصد سفر به آمریکا و دیدار با نمایندگان کنگره برای حمایت از برجام دارد.

● بوریس جانسون به ظریف گفته در هفته‌های آینده به ایران سفر خواهد کرد.

● جانسون در سخنانی به شدت از برجام حمایت کرده است.

● وضعیت نازنین زاغری پس از گاف جانسون نگران کننده است.

بوریس جانسون، وزیر خارجه بریتانیا برای دیدار با اعضای ارشد کنگره آمریکا و گفتگو در مورد پایبندی لندن به توافق اتمی به عنوان راهی برای تامین امنیت جهانی به واشنگتن سفر می‌کند.

او در سخنانی گفته «توافق اتمی با ایران جهان را امن‌تر می‌کند و به همین دلیل اهمیت دارد که جامعه بین‌المللی به این توافق پایبند باشد زیرا موثر است و تا کنون باعث شده که ایران ۹۵ درصد از ذخایر اورانیوم خود را واگذار کند».

جانسون تأکید کرده «حمایت از توافق اتمی به این معنا نیست که

### ● النجیفی در واشنگتن از سبب ترور رژیم ایران در عراق انتقاد کرد و گفت این ارزیابی ایران است که جهان عرب را در شرق فتح کند.

● او گفته پایه و اساس امورات سیاسی و نظامی عراق در دست ایران است.

اسامه النجیفی، معاون رییس جمهوری عراق در سخنرانی خود در سمینار مربوط به عراق در مرحله پس‌ادامش، در واشنگتن گفته «ایران قدرت تعیین‌کننده در عراق است».

پایگاه خبری «وطن» ترکیه، در گزارشی با عنوان «ایران اعتراف کرد» نوشته است معاون اول فواد معصوم، رییس جمهوری عراق ادیب‌کل حزب اسلامی الدعوة در سخنانی که در یک پانل مربوط به مسائل عراق در واشنگتن برگزار شد در مورد تحولات عراق صحبت کرده است. النجیفی با اشاره به بسته شدن



اسامه النجیفی در سمینار واشنگتن

شبکه تلویزیونی کُردزبان «روداو Rudaw» در عراق و انتقال دفاتر آن به اربیل گفت: «ایران یک قدرت با نفوذ در عراق است و تمام پایه و اساس امور را در دست دارد؛ احزاب سیاسی، شبه‌نظامیان مسلح و همه چیز تحت کنترل ایران است».

او همچنین تأکید کرده «نفوذ و تأثیر زمامداران ایران در تصمیمات



## گزینه‌های جنگ با ایران: مستقیم یا نیابتی ماند خود رژیم ایران؟!



علی خامنه‌ای رهبر سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی در دیدار با دانشجویان بسیجی، ۲ نوامبر ۲۰۱۷

هفته‌های گذشته بود. البته این به معنای نادیده گرفتن اشتباهات بزرگ سیاسی و نظامی کردها در این بحران که در نتیجه‌ی همه‌پرسی برای استقلال اتفاق افتاد، نیست، بلکه جمهوری اسلامی از اشتباه کردها توانست به نفع خود بهره‌برداری کند و به سوی مناطق حیاتی از نظر ذخایر نفتی و جغرافیایی خیز بردارد. با روشی که ایران در پیش گرفته دولت‌ها چاره‌ای جز پناه بردن به تشکیل شبه نظامیان ضد ایران با هدف ایجاد تعادل پیدا نخواهند کرد. برای مثال سوریه اکنون وارد مرحله تدارکات تشکیل یک حکومت سوریه، لبنان و یمن را اداره می‌کند. از درگیری‌های منطقه‌ای ایران در تلاش‌های دیپلماتیک به دلیل عدم خروج ایران و شبه‌نظامیان تابع آن از سوریه و پیش از آن، عدم قبول ایران برای خروج از عراق، با شکست مواجه شد و ایران در عراق به طور رسمی و علنی درگیر جنگ است و آخرین تحرکات نظامی‌اش پیشروی به سوی منطقه کردستان عراق بوده است. ایران از دور جنگ‌های عراق، سوریه، لبنان و یمن را اداره می‌کند. زنده؛ قربانیان این اعدام‌ها اغلب مخالفان رژیم اسد هستند. ایران با این کار می‌خواهد یک جو امنیتی ایجاد کند، زیرا رژیم سوریه دیگر توانایی نظامی و امنیتی کافی برای گسترش نفوذ خود بر همه سوریه را ندارد.

با این شرایط، دولت‌های منطقه، خود را در معرض پروژوی بزرگ سيطرة ایران بر سوریه، عراق و لبنان و عبور از این کشورها به مرزهای دیگری می‌بینند. در مقابل هیچ راهی برای کاهش نفوذ تهران از سوی روسیه که وعده داده بود وجود ندارد. در این صورت سوریه به طور مستقیم فشار خود را در دایره محاصره اقتصادی و سیاسی علیه این حزب محدود کرده‌اند.

ارژویم! ایران اکنون دشمنان خود را به انتخاب یکی از دو گزینه مجبور کرده است: یک جنگ مستقیم با منبع بی‌ثباتی یعنی رژیم ایران، یا ایجاد و تشکیل نمایندگانی از نوع شبه‌نظامی منطقه‌ای در مرزها یا داخل ایران و شروع جنگ‌های نیابتی علیه ایران از داخل و خارج تا مجبور به ترک رفتارهای خصمانه خود شود.

انتخاب گزینه اول یعنی جنگ مستقیم با ایران بعید به نظر می‌آید مگر در وضعیت دفاعی در صورتی که ایران خود دست به حمله مسلحانه مستقیم بزند. اما تجربه نشان داده که حمله مستقیم جزو روش‌های تهران برای مدیریت بحران‌ها نیست. حتی زمانی که ایران در اواخر دهه ۱۹۹۰، هشت دیپلمات خود را در ماموریتی در مزارشریف افغانستان از دست داد، با نیروهای طالبان وارد جنگ نشد بلکه به جای برخورد نظامی صبر کرد و برای حضور مستمر خود، برخی شبه‌نظامیان محلی را در افغانستان تشکیل داد.

ایران سطلای آشکار بر عراق دارد به طوری که ارتش این کشور به دلیل وابستگی شمار زیادی از رهبران سیاسی این کشور به تهران، قادر نیست با شبه‌نظامیان محلی وفادار به تهران مقابله کند. بنابراین واضح است که ایران نقش مهمی در هدایت نیروهای عراقی به ویژه شبه‌نظامیان «حشد الشعبی» ایفا می‌کند. طرد کردها از مناطق مهم و نفت‌خیز کرکوک، فراتر از آن، یکی از نبردهای مهم منطقه‌ای ایران در

● رژیم ایران اکنون دشمنان خود را به انتخاب یکی از دو گزینه مجبور کرده است: یک جنگ مستقیم با منبع بی‌ثباتی یعنی رژیم ایران، یا ایجاد و تشکیل نمایندگانی از نوع شبه‌نظامی منطقه‌ای در مرزها یا داخل ایران و شروع جنگ‌های نیابتی علیه ایران از داخل و خارج تا مجبور به ترک رفتارهای خصمانه خود شود.

● نیروهای ایران و شبه‌نظامیان وابسته به آن دست به اعدام‌های دسته‌جمعی گسترده‌ای در مناطق تحت کنترل خود می‌زنند؛ قربانیان این اعدام‌ها اغلب مخالفان رژیم اسد هستند. ایران با این کار می‌خواهد یک جو امنیتی ایجاد کند، زیرا رژیم سوریه دیگر توانایی نظامی و امنیتی کافی برای گسترش نفوذ خود بر همه سوریه را ندارد.

● تجربه نشان داده که حمله مستقیم جزو روش‌های تهران برای مدیریت بحران‌ها نیست. حتی زمانی که ایران در اواخر دهه ۱۹۹۰، هشت دیپلمات خود را در ماموریتی در مزارشریف افغانستان از دست داد، با نیروهای طالبان وارد جنگ نشد بلکه به جای برخورد نظامی صبر کرد و برای حضور مستمر خود، برخی شبه‌نظامیان محلی را در افغانستان تشکیل داد.

● برای رژیم ایران، سیاست جنگ به وسیله مزدوران اش

## واکنش منفی ایران به بازداشت مفسدین اقتصادی در عربستان: سرکوب مخالفان است!



شاهزاده ولید بن طلال از ثروتمندان عربستان و از سرمایه‌گذاران تویبتر و اپل

هیات مدیره شرکت مخابرات عربستان نیز بازداشت شده‌اند. هیات علمای عربستان در بیانیه‌ای از مبارزه با فساد اقتصادی در این کشور حمایت کرده است. روزنامه نیویورک تایمز اشاره کرده که این بازداشت‌ها کمتر از یک ماه بعد از سفر دونالد ترامپ و تعداد دیگری از مقام‌های آمریکایی در این کشور صورت گرفته است.

● واکنش رسانه‌های جمهوری اسلامی به بازداشت مفسدین اقتصادی در عربستان

اما واکنش رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران به مبارزه با مفسدین اقتصادی در عربستان در نوع خود بسیار جالب است. خبرگزاری‌های حکومتی در ایران القاء می‌کنند که این ماجرا مبارزه با مفسدین اقتصادی نیست، بلکه کودتا و مقابله با مخالفان پادشاه عربستان است. تسنیم نوشته عربستان به دنبال سر به نیست کردن مخالفان است. با شروع اصلاحات اخیر در حوزه زنان هم این رسانه‌ها واکنش منفی نسبت به آن نشان دادند و نوشتند که رهبران عربستان به دنبال سرپوش گذاشتن روی جنایت‌های خود در یمن و حمایت از تروریسم هستند.

خبرگزاری مهر نیز در گزارشی نوشته این دستگیری‌ها برای سرکوب مخالفان حکومت عربستان و کنار زدن رقبای ولیعهد بوده است.

اصلی نیروهای مسلح است. به نظر می‌رسد این تصمیمات در رابطه با برنامه‌هایی باشد که ولیعهد عربستان بر اساس «چشم‌انداز ۲۰۳۰» به اجرا گذاشته و اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محور آن است. وظیفه مبارزه با مفسدین اقتصادی با یک کمیته ویژه است که ریاست آن را محمدبن سلمان به عهده دارد. پایگاه خبری العربیه نوشته این کمیته به استثنای سازمان‌ها، قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورها و مصوبات، اقدام به شناسایی تخلفات، جرایم، افراد و سازمان‌های ذی‌ربط به پرونده‌های فساد عمومی کرده و به صدور دستورهای لازم برای تحقیق، صدور فرمان بازداشت، ممنوعیت سفر و هر آنچه برای مهار مرتبطان با فساد گسترده است می‌پردازد.

این کمیته همچنین می‌تواند از هر کس کمک بگیرد و گروه‌هایی برای تحقیق و تجسس تشکیل دهد و پس از انجام ماموریت، گزارش مفصلی از نتایج آن و اقدام‌های صورت گرفته در این خصوص، به پادشاه ارائه می‌دهد. عادل فقیه وزیر برکنار شده اقتصاد و بکر بن لادن رییس گروه بن لادن نیز به اتهام پرداخت رشوه به مسوولان طرح توسعه مسجد الحرام از بازداشت‌شدگان هستند.

خالد الملحم رییس شرکت هواپیمایی و سعید الدویش رییس

● ۱۱ شاهزاده، ۳۰ مقام پیشین و فعلی، تعدادی از وزرای عربستان و چند تاجر بازداشت شدند.

● این بازداشت‌ها با چراغ سبز پادشاه عربستان و به دستور ولیعهد سعودی انجام شده است.

● ۴۰ مقام و تاجر سعودی به اتهام مفسد اقتصادی بازداشت شدند، در میان آنها ۱۱ شاهزاده و چهار وزیر از جمله متعب بن عبدالله، وزیر گارد ملی، شاهزاده ولید بن طلال و شاهزاده ترکی بن عبدالله بن عبدالعزیز امیر پیشین ریاض هم به چشم می‌خورند.

خبر باورنکردنی بود، کمیته عالی مبارزه با مفسد اقتصادی در عربستان با چراغ سبز ملک سلمان، پادشاه سعودی دست روی مفسدین اقتصادی گذاشته است، بسیاری از آنها یا اعضای خانواده سلطنتی هستند و یا مسوولان و تاجران هستند که با خاندان سلطنتی در ارتباط قرار دارند و بعضی دیگر از آنان نیز در اقتصاد دنیا چهره‌های شناخته شده به شمار می‌روند.

همزمان پادشاه سعودی دو نفر از مقام‌های ارشد سیاسی این کشور که در سیاست‌گذاری‌های کلان نقش داشتند را نیز تغییر داد.

اسامی بسیاری از بازداشت‌شدگان و اتهامات دقیق آنها هنوز اعلام نشده است. خبر بازداشت ولید بن طلال بن عبدالعزیز، رییس شرکت «کینگ هولدینگ» نیز از طرف مقام‌های این شرکت اعلام شده. او در شرکت‌هایی مثل تویبتر، اپل، بنگاه خبری روپرت مرداک و شرکت خدمات مالی «سیتی‌گروپ» سرمایه‌گذاری دارد. العربیه گزارش داده همزمان دو وزیر جدید نیز از طرف پادشاه عربستان برای وزارت‌خانه‌های امنیت داخلی و اقتصادی آن کشور تعیین شده‌اند. خالد بن عیاف، به جای شاهزاده متعب بن عبدالله، فرماندهی گارد ملی (الحرس الوطني) شده است. گارد ملی عربستان یکی از سه شاخه

### تحریف ماجرای اشغال سفارت انگلیس:

## چرا احمدی‌نژاد اصرار دارد حقایق را کتمان کند؟

انصار حزب‌الله و سردسته بخشی از لباس شخصی‌ها در روزنامه انگلیسی‌زبان «تهران تایمز» نوشت که «دانشجویان با دستور احمدی‌نژاد از سفارت انگلیس خارج شدند که این نشان‌دهنده‌ی محبوبیت احمدی‌نژاد در بین دانشجویان است و محبوبیت وی به دلیل اطاعت او از رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای است.»

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران گفته بود پس از اشغال سفارت خبر آن را باور نکرده و فکر کرده شوخی است و تلفنی به ویلیام هیگ، همتای بریتانیایی خود در آن دوران تلفنی می‌گوید که متاسف است و پلیس نتوانسته «مردم» را کنترل کند. سه سال بعد از این جریان، در اواخر دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد که او و تیم‌اش با «جبهه‌پایداری»ها اختلاف پیدا کرده بودند، عبدالرضا داوری مشاور رسانه‌ای احمدی‌نژاد عنوان کرد، «موضوع اشغال سفارت انگلیس در تهران مشکوک بود چون نتیجه این عمل، تحریم بانک مرکزی بود و عاملان این اقدام خواسته یا ناخواسته، به انگلیس و غرب پاس گل دادند.»

اما درحالی که الله‌کرم مدعی بود احمدی‌نژاد ماجرا را خاتمه داده، مجتبی ذوالنور، نماینده فعلی قم در مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای گفته بود «سپاه اشغال سفارت انگلیس را خاتمه داد.» مشخص نیست چه کسی راست می‌گوید، اما این را به روشنی می‌توان پرسید که چرا احمدی‌نژاد زودتر

سفارت به دست چه کسانی اجرا شده و چه کسانی همکاری کردند و چه کسانی مقدمات کار را فراهم کردند» گفته «با فرمانده نیروی انتظامی تماس گرفته بودم و پرسیدم که چه بساطی است به راه افتاده مگر کشور صاحب ندارد؟»

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از این مصاحبه گفته بلافاصله پس از اشغال سفارت، انگلیس طرح تحریم نفت و بانک مرکزی را به اتحادیه اروپا برد و تصویب شد.او همچنین پرسیده «در آن دوران رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس و رییس مجلس و دیگر افراد چه‌کاره بودند؟»

هشتم آذر سال ۱۳۹۰ گروهی از بسیجیان و طلاب و «خودسرها» به ساختمان سفارت بریتانیا در تهران در چهارراه استانبول حمله کردند و برای چند ساعت سفارت در اشغال آنها بود و آنها بخش زیادی از اموال آن را تخریب کردند. همزمان گروه دیگری از آنها به قلعه رفتند و وارد باغ کنسولگری بریتانیا شدند و اتومبیل‌ها را به آتش کشیده و شیشه‌ها را شکستند. این حادثه به قطع روابط دیپلماتیک تهران و لندن انجامید.

احمدی‌نژاد شش سال پس از این ماجرا در حالی ادعاهای بالا را مطرح کرده که به نقش خود و اطرافیان و همینطور «جبهه‌پایداری» که اعضای آن از جمله تعدادی از نماینده‌های مجلس شورای اسلامی مثل حمید رسایی که پشت این ماجرا بودند، اشاره نکرده است. ۲۶ آذر ماه سال ۱۳۹۰ حسین الله کرم، عضو سرشناس گروه

● احمدی‌نژاد در یک گفتگوی ویدئویی مدعی شده اشغال سفارت بریتانیا طراحی خود انگلیسی‌ها بوده است.

● او تاکید کرده گروهی از داخلی‌ها برنامه آنها را اجرا کردند تا بانک مرکزی و نفت ایران تحریم شود.

● الله کرم، سردسته لباس شخصی‌ها پیش از اینها گفته بود محبوبیت احمدی‌نژاد ماجرای اشغال سفارت انگلیس را خاتمه داد.

● نقش آیت‌الله خامنه‌ای و سپاه و «جبهه‌پایداری» در این رویداد چه بود؟ چرا احمدی‌نژاد حالا یادش افتاده که خود انگلیسی‌ها پشت ماجرای اشغال سفارت خودشان بودند؟!

محمود احمدی‌نژاد، رییس جمهوری پیشین جمهوری اسلامی ایران شش سال پس از حمله بسیجیان به سفارت بریتانیا در تهران در مصاحبه‌ای جنجالی، مدعی شده «در آن روز در برقی سفارت باز بود، حافظه کامپیوترها همه خالی بودند و مشخص است که خودشان در جریان بودند و طرح خود انگلیسی‌ها بود.» او با طرح این پرسش که «اشغال

\*منبع: الشرق الاوسط  
\*نویسنده: عبدالرحمن الراشد  
\*ترجمه از کیهان لندن (تیتراژ)  
\*مطلب توسط کیهان لندن تغییر داده شده است





منوط شود به اثبات جرم در دادگاه مطبوعات قابل قبول است اما هیئت رسیدگی به تخلف که با حضور دو نفر حقوقدان خارج از سازمان پیش‌بینی شده راساً اقدام به مجازات متخلف می‌کند و اشاره‌ای به منوط بودن اعمال تعلیق یا ابطال به اثبات وقوع جرم در دادگاه وجود ندارد.

جالب اینجاست که بر اساس این لایحه، هیئت رسیدگی به تخلفات دارای مشروعیت صدور حکم هم قرار گرفته و مجازات‌هایی نیز برای روزنامه‌نگاران در نظر گرفته شده است که چنین برشمرده شده‌اند: الزام به عذرخواهی، توبیخ کتبی با درج در پرونده، و توبیخ کتبی با درج در پرونده و همچنین انتشار در وبگاه اختصاصی سازمان، درخواست جبران خسارت مادی و معنوی از متضرر به نحو مقتضی و اعاده هرگونه حقی که از شاکی و متضرر تضییع شده باشد، تعلیق عضویت در سازمان یا پروانه روزنامه‌نگاری به مدت سه ماه تا یک سال، تعلیق عضویت در سازمان یا پروانه روزنامه‌نگاری به مدت یک تا ۵ سال، تعلیق عضویت در سازمان یا پروانه روزنامه‌نگاری به مدت ۵ تا ۱۰ سال، لغو عضویت در سازمان و پروانه روزنامه‌نگاری.

آنچه گفته شد نمونه‌هایی از ایرادهایی است که به لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» وارد است. به گزارش خبرگزاری ایلنا، ۸۱ درصد از روزنامه‌نگاران، از طیف‌های مختلف و شاغل در رسانه‌های دولتی و غیردولتی، با تصویب این لایحه مخالفت کرده‌اند.

اما در آن سوی ماجرا دولت که با موج گسترده‌ای از مخالفت‌ها روبرو شده تلاش دارد این لایحه را کمی تغییر داده و در نهایت تصویب کند اما کماکان روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه با مبنای این لایحه که مدل جدیدی از دولتی کردن یک صنف و کنترل آن است و قرار است با ذره‌بین و تفرقه انداختن بین روزنامه‌نگاران آنها را دنبال کند به شدت مخالفند. مجید رضائیان، استاد ارتباطات، در گفتگو با ایسنا پیرامون این لایحه گفته است: «انجمن صنفی نباید بر اساس نیازهای حکومتی تشکیل و اداره شود. ارائه قانون سازمان نظام رسانه‌ای از سوی حکومت و نه خود روزنامه‌نگاران، رسانه‌های کشور را به شکل محترمانه‌ای محدود می‌کند. از طرفی هم می‌توان گفت که یکی دیگر از اهداف تدوین این لایحه شکل نگرفتن انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاران است.»

جالب اینجاست که دولت روحانی در حالی عزم خود را برای تحمیل این سازمان دولتی به روزنامه‌نگاران جزم کرده است که هنوز وضعیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران که با تشویق وزیر کار قبل از انتخابات شروع به کار کرد، مشخص نیست. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در مهرماه سال ۷۶ تأسیس شد. در ۴ تیر ۸۷ این انجمن توسط دیوان عدالت اداری به علت «سست بودن پایه‌های تأسیس»، واجد انحلال سعید مرتضوی پلمب شد. علی جنتی، وزیر ارشاد دولت تدبیر و امید، در اسفند ۹۲ خبر رفع مشکل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران را برای ادامه فعالیت داد اما از همان زمان تا کنون با وجود تلاش مدیران و مسئولان و اعضای انجمن برای شروع فعالیت دوباره، همه راه‌ها به بن‌بست رسیده است و به نظر می‌رسد دولت با سنگ‌اندازی در مسیر فعالیت این انجمن قرار است با تصویب لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را منحل کند و این سازمان دولتی را به جای آن بنشانند.



## «سازمان نظام رسانه‌ای»؛ دندان تیز دولت برای روزنامه‌نگاران

زیر نظر آن است. این به معنای فعالیت سازمان زیر نظر وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی است در حالی که ادعا شده این سازمان، سازمانی مستقل و صنفی و «غیردولتی» خواهد بود؛ اگر قرار است یک سازمان صنفی راه‌اندازی و مشغول به فعالیت شود باید هسته مرکزی آن را روزنامه‌نگاران تشکیل دهند و جلساتش و نحوه برگزاری آن بر عهده خودشان باشد.

نحوه برخورد با روزنامه‌نگاران نیز در این لایحه قابل توجه است. در این سازمان هیئت رسیدگی به تخلفات در نظر گرفته شده که اعضای آن عبارتند از مدیرکل یا نماینده مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، دو نفر از مدیران مسئول مطبوعات یا خبرگزاری‌های استان، یکی از روزنامه‌نگاران، یکی از قضات بازنشسته محاکم تجدید نظر استان و آشنا به حقوق رسانه، یکی از وکلای دادگستری استان و آشنا به حقوق رسانه و یک نفر از اعضای هیئت منصفه استان.

در واقع تنها یک روزنامه‌نگار در هیئت رسیدگی به تخلفات وجود دارد و از سوی دیگر رسیدگی به تخلفات که همان اتهامات هستند باید روندی قضایی را طی کند. سعید جلیلیان در این باره به کیهان لندن می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین ایرادات این لایحه تعارض با قانون اساسی و قانون مطبوعات است. در حالی که مطابق قانون اساسی رسیدگی به اتهامات مطبوعاتی باید در دادگاه علنی و با حضور هیئت منصفه صورت پذیرد در این لایحه ارگانی پیش‌بینی شده به نام هیئت رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای، که می‌تواند حتی پروانه روزنامه‌نگاری را باطل کند. یعنی مجازاتی به این سنگینی بدون برگزاری دادگاه علنی و حضور هیئت منصفه به بهانه اخلاق حرفه‌ای صنفی که خلاف قانون اساسی است. اگر این موضوع

بند ۱۴ ماده ۴ عبارت «مجموع رسانه ای ملی» را در مقابل روزنامه‌نگاران رسانه‌ها به کار برده که به نظر رسانه ملی (صدا و سیما) و احتمالاً رسانه‌های دولتی را از شمول قانون خارج کرده. این مجامع رسانه‌ای ملی تعریف مشخصی ندارد و مثلاً روزنامه کیهان تهران می‌تواند از مجامع رسانه‌ای ملی باشد. در حالی که ماده ۴۶ اشتغال به حرفه روزنامه‌نگاری را منوط به اخذ پروانه روزنامه‌نگاری نموده، ماده ۵۶ روزنامه‌نگاران بدون پروانه را هم به



رسمیت شناخته است و این تعاریف نشان‌دهنده تعارض در قانون‌نویسی است.» جالب اینجاست که عضویت در سازمان و راهپایی به هیئت مدیره مشروط به گرفتن پروانه خبرنگاری است. پروانه خبرنگاری هم توسط هیئتی اعطا می‌شود که منتخب مجمع عمومی است. مجمع عمومی هم اولین بار توسط وزارت ارشاد برگزار خواهد شد و این انتخابات

این لایحه به کیهان لندن می‌گوید: «این لایحه ایرادهای اساسی دارد و لایحه ضعیفی است که قابلیت اجرایی هم ندارد. لایحه روندی دارد که از نظر منطقی قابل حل نیست، از طرفی سازمان مرجع تعیین «روزنامه‌نگار حرفه‌ای» است و از طرف دیگر سازمان باید توسط روزنامه‌نگاران حرفه‌ای تشکیل شود! در حالی که در تعریف سازمان آمده که شخصیت حقوقی مستقل دارد اما این به معنای استقلال آن از دولت نیست و نقش وزارت ارشاد در تمام

مهارت‌های روزنامه‌نگاری، حمایت از حقوق مخاطبان رسانه‌ها، حمایت از تشکلهای صنفی روزنامه‌نگاران، حمایت از حقوق و استقلال حرفه‌ای، امنیت شغلی و منزلت اجتماعی روزنامه‌نگاران، تنظیم مقررات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران با رعایت قوانین مربوط، تنظیم روابط حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در تعامل با موسسات عمومی، میانجی‌گری و حل اختلاف بین روزنامه‌نگاران با یکدیگر یا با مالکان و مدیران رسانه‌های متبوع آنان و بین رسانه‌ها با یکدیگر، صدور، تمدید و لغو پروانه روزنامه‌نگاری، تنظیم منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و نظارت بر حسن اجرای آن، نظارت بر عملکرد حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای آنان، ارائه نظرات کارشناسی و مشورتی به مراجع سیاست‌گذاری، تقنینی، اداری و قضایی، فراهم کردن زمینه ارتباطات و تعاملات روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها با مجامع رسانه‌ای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با رعایت قوانین مربوط، همکاری با سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی رسانه‌ای و در صورت لزوم عضویت در آنها با رعایت قوانین مربوط، همکاری و مشارکت در جهت اشتغال روزنامه‌نگاران، اقدام برای رفع مشکلات رفاهی، مالی و تأمین اجتماعی روزنامه‌نگاران، پیشنهاد و مشارکت در وضع و اصلاح قوانین و مقررات رسانه‌ای مربوط، شفاف‌سازی نظام رسانه‌ای و مقابله با مظاهر فساد در آن با اولویت مدیریت وضعیت‌های تعارض منافع، آموزش، پژوهش، اطلاع‌رسانی و انتشار مطالب لازم در خصوص هر یک از موارد فوق.»

حالا با توجه به تعریف و وظایف این «سازمان»، دقیقاً مشخص نیست این «سازمان» دولتی است یا غیردولتی و مستقل! سعید جلیلیان، حقوقدان و وکیل پایه دادگستری در ایران، پیرامون

● لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» لایحه‌ای است که در صورت تصویب به محدودتر شدن روزنامه‌نگاران منجر می‌شود.

● در حالی که روزنامه‌نگاران باید انجمن صنفی مستقل خود را داشته باشند، دولت به دنبال آن است که این سازمان دولتی را که ادعا می‌شود «غیردولتی» است به جای انجمن روزنامه‌نگاران بنشانند.

روشنک آسترکی - اعمال محدودیت، سانسور، ممیزی و نظارت از سوی حکومت موضوعاتی نیست که در جمهوری اسلامی غیرعادی به نظر برسد؛ نزدیک به چهار دهه است این محدودیت‌ها از سوی نظام اسلامی در اشکال مختلف به جامعه تحمیل می‌شود. در این میان برخی در بدنه نظام مدعی هستند با سانسور و کنترل و محدود ساختن فکر و بیان مخالف هستند و حتی برای بهبود شرایط و افزایش آزادی قول‌هایی به مردم می‌دهند؛ حسن روحانی از آن دسته افراد است که چه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ و چه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ لیست بلندبالایی از این وعده‌ها به مردم داد و توانست با همین ترفند از رقبای خود پیشی بگیرد.

حسن روحانی که در دوره نخست ریاست جمهوری‌اش پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی را با تبلیغات زیادی رونمایی کرد نه تنها نتوانسته وعده‌های خود درباره حقوق شهروندی، آزادی بیان و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی را عملی کند بلکه نشان داده نگاه و خواسته او هنوز مانند سال‌های پیش که مسئولیت‌های امنیتی داشت با محدودیت و کنترل پیوندی عمیق دارد.

یکی از اقدامات دولت او که در ادامه همین نگاه امنیتی متمرکز بر محدودسازی و کنترل صورت گرفته لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» است. لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» یکی از دسته‌گل‌های وزارت ارشاد و معاونت مطبوعاتی دولت نخست حسن روحانی است که این روزها بحث درباره آن بالا گرفته است. ادعای دولت بر این است که این لایحه دفاع قرار است از حقوق صاحب رسانه دفاع کند اما با مرور آن مشخص می‌شود که تصویب و اجرای این لایحه نه تنها از روزنامه‌نگاران حمایت نمی‌کند بلکه آنها را محدودتر کرده و زیر ذره‌بین قرار می‌دهد و رسانه‌های غیردولتی نیز با اجرای این لایحه نابود خواهند شد.

انتقاداتی که فعالان رسانه و حقوقدانان به لایحه «سازمان نظام رسانه‌ای» وارد می‌دانند شامل موارد متعددی می‌شود اما یکی از نخستین ایرادهایی که باعث شده بسیاری از روزنامه‌نگاران نسبت به آن بدبین شده و مخالف اجرای آن باشند، این است که همه روزنامه‌نگاران باید توسط «سازمان نظام رسانه‌ای» تأیید شوند. در ابتدای این لایحه نیز در تعریف «سازمان نظام رسانه‌ای» آمده است: «سازمان، موسسه‌ای است حرفه‌ای، غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که به موجب این قانون ایجاد می‌شود.»

وظایفی که برای این «سازمان» تعریف شده عبارتند از: «حمایت از آزادی بیان و آزادی اطلاعات روزنامه‌نگاران، حمایت از حرفه‌ای شدن فعالیت روزنامه‌نگاری در کشور، ارتقای سطح سواد و